

# شرق‌شناسی، ایران‌شناسی و زبان فارسی در دانشگاه‌های آلمان

گزارشی تحقیقاتی از

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - برلین

پژوهش‌های فرهنگی - ۴

۶	پیشگفتار
۷	سیر تاریخی شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در آلمان
۹	دگرگونی در مفهوم شرق‌شناسی
۱۰	توجه مستشرقین آلمانی به آثار تمدنی ایران
۱۴	ایران‌شناسی
۱۶	پیشینه مطالعات ایران‌شناسی
۱۷	شکوفاترین دوره پژوهش‌های ایران‌شناسی
۱۸	گسترش فعالیت‌های «انستیتوی مطالعات ایران‌شناسی» در وین
۱۹	جایگاه بین‌المللی انستیتو ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش
۲۲	نگاهی به مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه‌های آلمانی زبان
۲۳	مهمترین کرسی‌های ایران‌شناسی در آلمان
۲۴	زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی
۲۶	وضعیت امروز کرسی‌های ایران‌شناسی در دانشگاه‌های آلمان
۲۷	← دانشگاه آزاد برلین
۲۸	← دانشگاه بامبرگ
۳۰	← دانشگاه گوتینگن
۳۱	← دانشگاه ماربورگ
۳۲	← دانشگاه فرایبورگ
۳۵	← دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیان مونیخ
۳۵	← دانشگاه هامبورگ
۳۵	← دانشگاه هایدلبرگ

- ۳۶ موضوع ایران‌شناسی در سطح رسانه‌های آلمانی
- ۳۶ بازتاب پژوهش‌های دانشگاهی در افکار عمومی
- ۳۷ ایران‌شناسی در آلمان شرقی
- ۳۹ ایران‌شناسی به عنوان بخشی از «اسلام‌شناسی»
- ۴۲ زبان، تاریخ و فرهنگ ایران در دوره اسلامی
- ۴۵ روند مطالعه درباره تمدن ایرانی به عنوان بخشی از مطالعات اسلام‌شناسانه
- ۶۲ تاثیر متقابل سیاست، جامعه و تحقیق علمی در مطالعات ایرانی
- ۶۶ شرق‌شناسان و ایران‌شناسان شهیر آلمان در سده‌های گذشته میلادی
- ۶۶ ← انگلبرت کمپفر (Engelbert Kaempfer)
- ۷۰ ← یوهان فریدریش کلویکر (Johann Friedrich Kleuker)
- ۷۱ ← فریدریش فون شگل (Friedrich von Schlegel)
- ۷۲ ← گئورگ فریدریش گروتفند (Georg Friedrich Grottefend)
- ۷۳ ← ژوزف فون گوروس (Johann Joseph Görres)
- ۷۳ ← فریدریش فون اشپیگل (Friedrich (von) Spiegel)
- ۷۵ ← یوهان لودویک شلیمان (Johann Ludwig Heinrich Julius Schliemann)
- ۷۶ ← ویلهلم پرچ (Wilhelm Pertsch)
- ۷۷ ← ابرهارد شرادر (Eberhard Schrader)
- ۷۸ ← فریدریش ویلهلم رادلوف (Friedrich Wilhelm Radloff)
- ۷۹ ← کارل هرمان اته (Carl Hermann ETHÉ)
- ۸۱ ← کارل ادوارد ساخائو (Carl Eduard Sachau)
- ۸۲ ← ارنست ویلهلم آدالبرت کوهن (Ernst Wilhelm Adalbert Kuhn)

- ۸۳ ← کارل فریدریش گلدنر (Karl Friedrich Geldner)
- ۸۵ ← آلبرت گرونودل (Albert Grünwedel)
- ۸۶ ← ویلهلم لودویگ گایگر (Wilhelm Ludwig Geiger)
- ۸۸ ← آگوست آلبرت فون لوکوک (August Albert von Le Coq)
- ۸۹ ← فریدریش ویلهلم کارل مولر (Friedrich Wilhelm Karl Müller)
- ۹۰ ← ویلهلم اسپینگلبرگ (Wilhelm Spiegelberg)
- ۹۱ ← ارنست والترا آندرائه (Ernst Walter Andrae)
- ۹۲ ← لودویگ ریچارد انو لیتمان (Ludwig Richard Enno Littmann)
- ۹۴ ← مارتین شپرنگلینگ (Martin Sprengling)
- ۹۵ ← رودولف اشتروتمان (Rudolf Strothmann)
- ۹۵ ← ارنست امیل هرتسفلد (Ernst Emil Herzfeld)
- ۱۰۱ ← فریتس ولف (Fritz Wolff)
- ۱۰۳ ← اریش فریدریش اشمیت (Erich Friedrich Schmidt)
- ۱۰۴ ← فرانتس آلتهایم (Franz Altheim)
- ۱۰۴ ← اوتو هلموت ولفگانگ لنتس (Otto Helmut Wolfgang Lentz)
- ۱۰۶ ← برنفرید اشلرات (Bernfried Schlerath)
- ۱۰۶ ← لودویک آدامک (Ludwig W. Adamec)
- ۱۰۸ برخی شخصیتها و فرهیختگان شرق‌شناس و ایران‌شناس معاصر آلمانی
- ۱۰۸ ← کلاوس اشترونک (Klaus Strunk)
- ۱۰۹ ← ورنر زوندرمان (Werner Sundermann)
- ۱۱۰ ← اکارت الرس (Eckart Ehlers)

- ← رودیگر اشمیت (Rüdiger Schmitt) ۱۱۲
- ← برند فراگنر (Bernd Fragner) ۱۱۳
- ← ولفگانگ گونتر لرش (Wolfgang Günter Lerch) ۱۱۴
- ← دزموند دورکین - مایسترارنست (Desmond Durkin-Meisterernst) ۱۱۵
- ← ماریا ماسوخ (Maria Macuch) ۱۱۶
- ← فریاد فیصل عمر (Feryad Fazil O mar) ۱۱۷
- ← بیرگیت هوفمان (Birgitt Hoffmann) ۱۱۹
- ← رخسانه هاگ-هیگوچی (Roxane Haag-Higuchi) ۱۱۹
- ← کریستوف هرتسوگ (Christoph Herzog) ۱۲۰
- ← جفری هیگ (Geoffrey Haig) ۱۲۱
- ← لاله بهزادی (LaleBehzadi) ۱۲۲
- ← گوتس کونیش (Götz König) ۱۲۳
- ← دیتر وبر (Dieter Weber) ۱۲۴
- جدول اطلاعات برخی اساتید ایران‌شناس در دانشگاه‌های آلمانی زبان ۱۲۶
- نتایج و راهکارها ۱۳۲
- پیشنهادهای عملی ۱۳۴
- منابع ۱۳۹

## پیشگفتار

مجموعه پیش رو کوششی است در جهت گردآوری دانسته ها و تجارب پیرامون وضعیت تحقیقات شرق شناسی، ایران شناسی و آموزش زبان فارسی در دانشگاه ها و مراکز علمی کشور آلمان، که با نگرشی تاریخی به سیر شکل گیری و تحول آن آغاز می شود و با ارائه تاریخچه، جهت گیری ها و شخصیت های تاثیر گذار آن در مقاطع مختلف، سعی دارد تا تصویری از پیشینه این تحقیقات ارائه نماید.

در بخش دوم اطلاعاتی در باره دانشگاه ها و اساتیدی که در حوزه تحقیقات شرق شناسی و ایران شناسی فعالیت می کنند، ارائه شده است و در بخش پایانی که مهمترین بخش این نوشتار می باشد، با نگاهی تحلیلی و با بهره گیری از دیدگاه صاحب نظران این رشته، مسائل و مشکلات و همچنین راه حل های عملی حوزه شرق شناسی، ایران شناسی و آموزش زبان فارسی در دانشگاه های آلمان مورد بررسی قرار گرفته است.

به امید اینکه مطالعه این مجموعه برای دست اندرکاران و علاقمندان به این حوزه، خالی از فایده نباشد و سرآغازی برای "بازنگری" و "بازبینی" در چگونگی ورود ما به این عرصه و این فرصت بی بدیل باشد.

**رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران - برلین**

## سیر تاریخی شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در آلمان

در حوزه‌ای خاص از دانشگاه‌های کشور آلمان با مجموعه‌ای گوناگون از مفاهیم و نامهای ایران‌شناسی، ترک‌شناسی، عرب‌شناسی، شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی و... مواجهیم که همه آنها بیانگر یک رشته خاص هستند. به عبارت دیگر این مجموعه متکفل پرداختن به دین، تاریخ، فرهنگ، زبان و گاه سیاست خاور نزدیک می باشد. بنابراین تمامی مفاهیم و نامهای فوق زیر مجموعه‌هایی از یک رشته دانشگاهی تحت عنوان شرق‌شناسی است.

از زمانهای دور تاکنون، شرق‌شناسی در اروپا، بسیار مورد توجه بوده است. البته تحوّل و تکامل شرق‌شناسی در کشورهای اروپایی بر اندیشمندان آلمانی بی‌تأثیر نبوده است.

در عصر روشنگری و هم‌زمان با ظهور ولتر در نظام فکری غرب، اندیشه‌های شرقی مورد توجه قرار گرفت و نویسندگانی چون گوته‌لد افراییم لسینگ (Gotthold Ephraim Lessing) در نمایشنامه «ناتان فرزانه» (Nathan der Weise) به طرح شخصیت‌هایی همچون سلطان صلاح‌الدین ایوبی در مقام نمادی از شهسواران سده‌های میانه در مشرق زمین پرداختند.

شرق‌شناسی در وهله نخست به دو بخش شرق‌شناسی قدیم و شرق‌شناسی جدید تقسیم می‌گردد. شرق‌شناسی قدیم در یک تقسیم‌بندی ریزتر به سه شاخه زبان‌شناسی تاریخی (فقه‌اللغه)، آسورشناسی و سامی‌شناسی تقسیم می‌شود.

شاخه‌های مختلف شرق‌شناسی را می‌توان این‌گونه به تصویر کشید:

**الف: شرق‌شناسی قدیم**

← زبان‌شناسی تاریخی (فقه‌اللغه)

← آسورشناسی

← سامی‌شناسی

**ب: شرق شناسی جدید**

← اسلام شناسی

← ایران شناسی

← عرب شناسی

← ترک شناسی

← زبان شناسی تاریخی (فقه اللغه)

← سامی شناسی

**موضوع شرق شناسی:**

موضوع اصلی تحقیقات شرق شناسی عبارت است از مباحث فقه اللغه تاریخی، ساختار صرفی و نحوی زبانهای شرقی و تنظیم فرهنگهای لغت. البته در نظر آنها مباحث فقه اللغه به منزله مدخل و وسیله ای برای مطالعات شرق شناسی است، نه به عنوان هدفی که فی نفسه اصالت دارد.

در کشور آلمان در ۲۵ دانشگاه دروس شرق شناسی ارائه می شود که عمده توجهشان به مباحث فقه اللغوی است. دانشگاه هایی که برخلاف جریان عمومی موجود به مسائل معاصر مشرق زمین توجه دارند عبارتند از: دانشگاه برلین، هامبورگ، بن، بوخوم، بامبرگ، توبینگن و فرایبورگ.

چنین توجهی پدیده ای است که از حدود ۳۲ سال پیش آغاز شده است. دانشگاه لایپزیک که در آلمان شرقی سابق عهده دار تربیت متخصصین حزبی در زمینه شرق شناسی بود، اینک عمدتاً بر مباحث فقه اللغوی تمرکز یافته است. شرق شناسی بعنوان یک رشته علمی، متأثر از دوره رمانتیک، در قرن ۱۹ در آلمان تثبیت یافت و ترجمه های آلمانی اشعار فارسی و عربی الهام بخش برخی از شعرای آلمان در خلق آثار ادبی گردید که مقدم بر همه آنها "دیوان غربی - شرقی" گوته است.

آنها در اشعار شرقی بدین نکته وقوف یافتند که در سراسر فرهنگ مبتنی بر شعر شرق می توان التزامی به آداب و ارزشهای سنتی یافت که در قالبی زیبا در اشعار شاعران تبلور می یابد. بدین ترتیب در انظار و



افکار عمومی مغرب زمین این تلقی از شرق بوجود آمد که مشرق زمین محلی غریب، رویایی و آمیخته به راز و رمز است.

در آغاز، کرسی‌های شرق‌شناسی آلمان توسط نجبا و اشراف زادگان مورد حمایت مالی قرار می‌گرفت. شرق متضمن بهره‌ای برای فیلسوفان عصر روشنگری نیز بود بدین معنی که فیلسوفان سکولار این دوره، مشرق زمین و خصوصاً اسلام را - که مورد بغض شدید کلیسا بود و دشمن شماره یک آن تلقی می‌شد - به عنوان حجتی علیه نفوذ فرهنگ دینی مسیحی و حاکمیت آن بر نظام‌های مطلق‌گرا، که مبتنی بر مشروعیت دینی بودند، اقامه می‌کردند. آنها چنین استدلال می‌کردند که چرا این حکومت، خود را بعنوان نقطه اوج تاریخ تمدن بشر قلمداد می‌کند، در حالی که در سرزمین‌هایی غیر از اروپا مدلهای حکومتی کاملاً متمایز از فرهنگ و سیاست اروپا بوجود آمده است. در یک کلام می‌توان تلقی آن دوره از مشرق زمین را چنین بیان کرد: " نور از مشرق می‌آید. "

## دگرگونی در مفهوم شرق‌شناسی

با گذشت زمان در چگونگی فهم اروپاییان از مشرق زمین تحولاتی بوجود آمد. امروز مشرق زمین مترادف با تعصب و عدم عقلانیت به شمار می‌آید. در پدید آمدن این تفکر، جنگ‌های استعماری و تبلیغات مربوط به آن نقش قابل توجهی داشته است. با سرعتی زیاد، در اواسط قرن اخیر، تصویر اروپا از مشرق زمین غیر متعارف و منجمد گردید. شرق‌شناسی به عنوان ابزاری در دست استعمار به ویژه انگلستان و فرانسه در آمد. اما در آلمان مطالعات فقه اللغوی عرصه را بر ادبیات شعری تنگ و در این میان مطالعات تاریخی مربوط به مشرق زمین با استفاده از متدهای علمی به عنوان یک علم تثبیت شد. تا دهه شصت میلادی تحول چندانی در این وضع پدید نیامد. بحران نفتی آن سالها علایق جدیدی از نوع سیاسی و اقتصادی به مشرق زمین و خاورمیانه پدید آورد. موسسه‌ها و مراکز جدیدی تاسیس گردیدند که عمدتاً به شرق معاصر توجه داشتند. در روش‌شناسی مطالعات جدید، تنوع بسیار دیده می‌شد. حتی می‌توان گفت که جریان غالب، متشکل از اساتید دلبسته به جامعه‌شناسی بود.

تحصیل در رشته اسلام‌شناسی (شرق‌شناسی) مستلزم فراهم آوردن مقدمات فراوانی گردید. برای ورود به این رشته آموزش زبان عربی الزامی است و دانشجو می‌بایست علاوه بر آن یکی از زبانهای فارسی یا ترکی را نیز انتخاب کند و زبانهای فرانسوی و انگلیسی نیز پیش فرض غیر مذکور این رشته اند. در برخی از دانشگاه‌ها برای گذراندن دوره دکتری علاوه بر اینها زبان لاتین، اضافه می‌گردد. بدست آوردن وقوف لازم به زبان مطابق با اهداف، مستلزم سالیان متمادی مطالعه و آموزش است که منجر به ترک تحصیل بسیاری از دانشجویان می‌گردد.

از صد دانشجویی که این رشته را آغاز می‌کنند، تنها ده نفر می‌توانند آن را به پایان برسانند و شاید دو یا سه نفر تصمیم می‌گیرند تا اخذ رتبه دکتری پیش ببرند.

جهت آشنایی با مواد آموزشی این رشته‌ها، با مراجعه به فهرست دروس دانشگاه بامبرگ (به عنوان نمونه) به این مواد بر می‌خوریم: عرفان اسلامی، مبانی تاریخ فرهنگ اسلامی در عصر جدید، جامعه شهری مراکش، موقعیت کنونی اسلام در آلمان و مسائل آن.

تمام موضوع‌های درسی جالب و جذابند. فارغ‌التحصیلان رشته اسلام‌شناسی بر حسب تخصص ویژه‌ای که دارند در مشاغل دیپلماتیک، حقوقی، اقتصادی، علمی، روزنامه‌نگاری، موسسات انتشاراتی و فرهنگی مشغول به کار می‌گردند. دانشجویان این رشته، برای آینده شغلی خود، تصویر چندان معین و مشخصی از نوع اشتغال حرفه‌ای ندارند. به عبارت دیگر، اشتغال تابعی از اقبال و توانایی دانشجویان فارغ‌التحصیل است.

## توجه مستشرقین آلمانی به آثار تمدنی ایران

یکی از شیوه‌های جهان‌غرب برای به کرسی نشاندن اهداف فرهنگی خود توسل به پدیده‌های خاورشناسی بوده است که در قرن ۱۹ میلادی به اوج خود رسید.

در این قرن غربیان و از جمله دولت آلمان با توجه به کهن بودن تمدن ایران برای نفوذ در این کشور از طریق فرهنگی و به بهانه ریشه‌یابی نژاد و زبان ژرمنی، محققان و مخبرین خود را با عناوین پزشک، سیاح و معلمین تاریخ و جغرافیای تاریخی، عتیقه‌شناس و باستان‌شناس روانه ایران می‌کردند.

از آنجا که علم تاریخ و باستان‌شناسی در ایران نوپا بود، دولت وقت ایران نیز آنها را به استخدام خود درمی‌آورد. این عده غیر از خدمات شایسته‌ای که انجام دادند، اهداف دولت خود را نیز از نظر دور نداشتند و با جلب اعتماد دولت و مردم و با گرفتن امتیاز حفاری و کاوش آثار باستانی ایران بسیاری از آثار ملی ایران را به یغما بردند و در ضمن زمینه‌های نفوذ دولت خود را نیز مهیا نمودند.

دنیای غرب همان گونه که در زمینه اقتصادی و نظامی از شیوه‌های مختلفی برای نفوذ به دنیای شرق استفاده می‌کند، جهت تحقق اهداف فرهنگی خود نیز از روشهای متفاوتی بهره می‌جوید که یکی از آنها توسل به پدیده خاورشناسی است.

برخی از افراد می‌پندارند که توجه اندیشمندان مغرب زمین به پژوهش‌های اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی ناشی از روح حقیقت‌جوی آنان و گیرایی دین اسلام و تمدن کهن ایرانی است، هر چند نوادری از مستشرقین با این انگیزه به پژوهش می‌پردازند، اما بسیار نادرند.

همانگونه که اشاره شد، دانش خاورشناسی در مقطع معینی در اروپا پدید آمد و در خلال قرن ۱۹ میلادی پیشرفت زیادی کسب نمود که شامل مطالعات و بررسی‌هایی در زمینه تاریخ و اقتصاد و رشته‌های متعددی چون مصرشناسی، آشورشناسی و ایران‌شناسی و ... است.

در آغاز کار غرض اصلی اروپاییان و اهمیتی که به نقل و ترجمه کتب اسلامی جهت امور مذهبی نشان می‌دادند برای جذب افکار به سمت مسیحیت و تحقیق در اصول مذهبی و قوانین مدنی و اجتماعی مسلمانان بود. بنابراین به تحصیل زبان عربی و عبری می‌پرداختند و برای ایجاد روابط تجاری با ایران و ترکان در جهت تحصیل زبان فارسی و ترکی اهتمام می‌نمودند.

لذا در آغاز قرن ۱۹ میلادی مستشرقین به ادبیات و علوم شرقی خصوصاً به زبان عربی اهمیت زیادی دادند و به نشر کتبی که به زبانهای عربی و فارسی و سایر زبانهای شرقی تألیف شده بود، پرداختند. از جمله دائرةالمعارف اسلامی لیدن که حاصل تلاش نه نفر از مشاهیر مستشرق از جمله آلمانی‌ها بود.

لذا یک روی سکه‌ی شرق‌شناسی، استعماری و با اغراض سیاسی و روی دیگر آن، خدمات شرق‌شناسان در شناخت سوابق تاریخی ملل شرق است.

به نظر می‌رسد در بین خاورشناسان امروزی، دانشمندان آلمانی و هلندی، از همه عمیق‌تر هستند. مطمئناً محققان آلمانی زحمات زیادی در خصوص روشن کردن تاریخ ایران کشیده‌اند و خدمات آنها قابل تقدیر است. اما با توجه به نحوه‌ی شکل‌گیری پدیده شرق‌شناسی، نباید از اغراض دیگر آنها غافل بود.

در قرن ۱۹ میلادی عوامل متعددی از جمله ترجمه اوستا توسط دوپرون، خواندن کتیبه بیستون توسط راولینسون، خواندن کتیبه‌های تخت جمشید توسط افرادی چون گروتفند سبب توجه دانشمندان اروپایی به ایران و سابقه فرهنگی آن شد.

دانشمندان اروپایی با درک تمدن کهن ایرانی قسمت‌های مختلف فرهنگ ایران را مورد بررسی قرار دادند. در این میان دانشمندان آلمانی پیوسته بیشترین نقش را در اشاعه فرهنگ و تمدن ایران در میان سایر ممالک غرب به عهده داشته و دانشمندان و پژوهشگران این کشور در انجام این امر از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند.

مطالعات ایران‌شناسی که به صورت انتشار سفرنامه‌ها و ترجمه و چاپ چندین کتاب در کشورهای آلمانی زبان آغاز شده بود، در قرن ۱۹ به اوج خود رسید. ایران‌شناسانی که به زبان آلمانی تتبعات و مطالعاتی راجع به ایران داشته‌اند اکثراً از سه کشور آلمان، اتریش و سوئیس برخاسته‌اند.

سابقه شناسایی ایران در زبان آلمانی با سفرنامه اولئاریوس (۱۶۰۰ - ۱۶۷۱ م)، سپس کمپفر (۱۶۱۷ - ۱۶۵۱ م) آغاز می‌شود. در حقیقت، نخستین کار واقعی ایران‌شناسی در آلمان کتاب کمپفر تحت عنوان «مشروح سفر جدید به مشرق‌زمین» است.

در زبان آلمانی سفرنامه‌های متعددی راجع به ایران وجود دارد از جمله پولاک - وامبری - هینتز و هرتسفلد که دربردارنده‌ی اطلاعات سودمندی در تحقیقات ایرانی هستند.

از مباحث مورد توجه محققین آلمانی در خصوص فرهنگ ایرانی، زبان‌شناسی ایران است. ظاهراً شناسایی ریشه زبان ژرمنی آنها را به شناخت زبانهای هند و اروپایی و ایرانی کشانید. گروتفند اولین کاشف خطوط میخی در ایران است که از این جهت حق بزرگی بر فرهنگ ایران دارد.

از دیگر مباحث مورد توجه آنها شناسایی کتاب زرتشتیان یا ایران باستان، همچنین تحقیق درباره شاهنامه، تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام، باستان‌شناسی و هنرشناسی ایران قبل و بعد از اسلام می‌باشد. تحقیقات محققان آلمانی در ایران‌شناسی و انتشار آثارشان با چاپ تصاویری از آثار باستانی ایران زمین سبب شد که هیئت‌های خارجی به سوی ایران روانه شوند و با گرفتن امتیاز کشف آثار عتیقه، این آثار را به مراکز خود حمل نمایند.

فعالیت‌های آنان برای یافتن آثار باستانی در مراحل اولیه خود، بیشتر به منظور دستیابی به آثار و اشیاء عتیقه نفیس بوده و افراد زیادی صرفاً به خاطر منافع مادی و یافتن گنج به دنبال آن کشیده شدند، اما به تدریج و در قرون اخیر تلاش این افراد جای خود را به تحقیقات علمی باستان‌شناسی و فعالیت‌های علمی برای شناخت تمدن‌های گذشته و تاریخ دوران‌های قدیم داد.

همانگونه که مطرح گردید، فعالیت‌های باستان‌شناسی در ابتدا (در حدود اواسط هزاره دوم)، بیشتر به وسیله افراد با نفوذ و سرشناس متمکن و شاهزاده و ... انجام می‌شد، ولی به تدریج دامنه این قبیل فعالیتها به نحوی وسعت یافت که فراتر از ظرفیت و توان افراد گردید و به ناچار در اختیار مؤسسات باستان‌شناسی، موزه‌ها، دانشگاه‌ها و ... قرار گرفت و جنبه علمی‌تر و منظم‌تری به خود گرفت.

ظاهراً خارجیانی که به عنوان جهانگرد به ایران مسافرت می‌کردند، امتیازاتی از پادشاهان به دست می‌آوردند که متأسفانه منجر به خروج آثار ملی ایران می‌شد. البته تلاش آنان یافته‌های تازه‌ای در زمینه باستان‌شناسی ایران به همراه داشته و حتی عتیقه‌های باستان‌شناسی را در ایران شکل دادند، از جمله این افراد پروفیسور «ارنست امیل هرتسفلد» (Ernst Emil Herzfeld) است.

نام هرتسفلد پیوسته با تاریخ تخت جمشید توأم است؛ وی برای اولین بار در آنجا با روش علمی به حفاری پرداخت، و با ترجمه کتیبه پهلوی پایکولی، فصل جدیدی را برای محققان خارجی و ایرانی گشود و آغازگر پژوهش علمی بر روی کتیبه‌های ساسانی شد. یا با حفاری در پرسپولیس، کار بزرگتری انجام داد به طوری که نتیجه حفاری‌های وی موجب ارائه پژوهش‌های علمی و جلب سیاح در این منطقه شد و حتی برخی از عالمان ایرانی از خدمت وی استفاده نمودند از جمله ملک‌الشعرای بهار که گفته می‌شود زبان پهلوی را از هرتسفلد آموخت.

## ایران‌شناسی

در طول سده‌های گذشته دانشمندان بسیاری در زمینه فرهنگ، تاریخ و ادیان باستانی ایران، در کشور آلمان به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند. امروزه، ایران‌شناسی در آلمان، رشته‌ای مستقل است.

ایران‌شناسی در دانشگاه‌های آلمان، به ایران‌شناسی قبل از اسلام و بعد از اسلام، تقسیم می‌شود. ایران‌شناسی قبل از اسلام، شامل زبانهای باستانی، میانه، نو و همچنین تاریخ، فرهنگ و ادیان دوره باستان می‌شود. ایران‌شناسی بعد از اسلام نیز مربوط به ادبیات کلاسیک، زبان و گویش‌ها، تاریخ و سیاست می‌شود.

توجه ویژه به زبان و ادبیات کلاسیک در ایران‌شناسی، با ترجمه‌های «یوزف فون هامر-پورگشتال» (Joseph von Hammer-Purgstall) از غزل‌های حافظ به اوج خود رسید. از سوی دیگر توجه به شرق باعث شد تا در دوره رمانتیک، شرق‌شناسی در آلمان به رشد و شکوفایی برسد و آنچه را که لسینگ، هردر و گوته مطرح ساخته بودند، شرق‌شناس و شاعر شهیری چون «فریدریش روکرت» (Friedrich Rückert) به ثمر بنشانند.

روکرت در راه بازگشت از سفر ایتالیا، با «هامر-پورگشتال» در وین ملاقات کرد و او نیز این شاعر جوان را با زبان‌های فارسی و عربی آشنا ساخت. این آشنایی با ترجمه مقامات حریری، کتاب الحماسه و معلقات و دیوان امرء القیس ادامه یافت. اما شهرت اصلی روکرت مرهون ترجمه‌های او از زبان فارسی است.

او در سال ۱۸۲۰ مجموعه‌ای از غزلیات مولانا جلال‌الدین رومی را به زبان آلمانی برگرداند. تفاوت این برگردان با ترجمه «هامر-پورگشتال» در آن بود که این بار، قالبی از شعر فارسی، یعنی غزل، راه خود را به بوستان زبان آلمانی گشود.

روکرت غزل‌های حافظ، نظامی، جامی، سعدی، بخشی از شاهنامه فردوسی و حتی سروده‌های محلی مردم مازندران را به آلمانی ترجمه کرد. در عمل، غزل به نوگل بوستان زبان آلمانی مبدل شد و شاعرانی دیگر چون «آگوست گراف فون پلاتن» (August Graf von Platen) با مهارت و زیرکی فراوان به تکامل آن همت گماشتند. این تأثیر را حتی در آثار شاعران آغاز سده بیستم آلمان همانند «راینر ماریا

ریلکه» (Rainer Maria Rilke) و «هوگو فون هوفمنستال» (Hugo von Hofmannsthal) با بهره‌گیری از صور خیال شعر فارسی نیز شاهد هستیم.

در کتابخانه دانشگاه برلین، هزاران نسخه دستنویس به زبانهای پارسی، تورفانی، فارسی میانه، سغدی و فارسی دری یافت می‌شود. شایان ذکر است که برلین، مرکز بزرگترین اسناد فارسی میانه در دنیا بشمار می‌رود.

ایران‌شناسی، در دانشگاه‌ها و مراکز علمی آلمانی زبان ابتدا با مطالعات زبان‌شناسی در گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی آغاز شد، ولی کم‌کم زمینه‌های دیگری را نیز در بر گرفت و امروزه به آن دسته از مطالعات و تحقیقات علمی دانشگاهی اطلاق می‌شود که پیرامون تمدن، تاریخ، زبان، فرهنگ، هنر و ادبیات حوزه تمدنی ایران زمین انجام می‌گیرد. از آن زمان تاکنون، محققان و مترجمان آلمانی زبان با تحقیقات و تألیفات و ترجمه‌های خود همواره در گسترش پژوهشهای ایران‌شناسی پیشتاز بوده‌اند.

همانگونه که اشاره شد، رشته ایران‌شناسی در شهرهای برلین، هامبورگ، گوتینگن، ماربورگ، بامبرگ و توینگن تدریس می‌شود. همه ساله، تعدادی از دانشجویان ایرانی و غیر ایرانی، برای ادامه تحصیل در زمینه شرق‌شناسی و ایران‌شناسی وارد این دانشگاهها می‌شوند و به همین خاطر است که آلمان یکی از مناسب‌ترین کشورها برای فارغ‌التحصیلانی است که قصد ادامه تحصیل در حوزه ایران‌شناسی دارند.

حال با توجه به تصویری که از شرق‌شناسی در آلمان ارائه گردید، با محور قرار دادن ایران‌شناسی به بررسی شاخه‌ها و گرایشهای مختلف آن در دانشگاه‌های آلمان می‌پردازیم.

ایران‌شناسی در کشورهای آلمانی زبان، برخلاف ترتیباتی که در اکثر کشورهای دیگر معمول است، در رشته‌های دانشگاهی متمرکز نیست. در نتیجه برای "بازسازی" یا "بازبینی" تاریخچه مطالعات ایران‌شناسی در این کشورها ناگزیر باید در رشته‌های مطالعاتی و دانشگاهی متعددی کاوش کرد. نتایج مجزا و منفردی که در این کاوش به دست می‌آید، در کنار هم طیف رنگارنگی از مطالعات ایران‌شناسی در آلمان و اتریش و سوییس را باز می‌نماید.

ایران‌شناسی در سرزمین‌های آلمانی زبان پیشینه‌ای دیرین و درخشان دارد؛ تا جایی که پژوهشگران آلمانی را در شمار پرکارترین و تحقیقات و تألیفات آنان را در زمره پربرترین پژوهش‌های ایران‌شناختی در جهان می‌توان برشمرد.

از ویژگی‌های پژوهش‌های ایران‌شناختی در آلمان، گوناگونی و تنوع موضوعی آن است که دربرگیرنده زمینه‌هایی چون تحقیقات زبان‌شناسی، فقه‌اللغه و ادبیات، تاریخ و جغرافیا، پژوهش در ادیان پیش و پس از اسلام، باستان‌شناسی و معماری، شاخه‌های گوناگون هنر، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی سرزمین‌های حوزه فرهنگی و تمدنی ایرانی است. در برخی از دانشگاه‌های آلمان آموزش زبان فارسی در قالب گروه‌های زبان و ادبیات فارسی وجود دارد و هر سال چند رساله کارشناسی ارشد و دکتری در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی به زبان آلمانی و گاه به زبان انگلیسی به رشته تحریر درمی‌آید.

علاوه بر اینها، باید از ده‌ها مقاله تحقیقی یادکرد که همه ساله در نشریات گوناگون آلمان و جهان به زبان آلمانی منتشر می‌شود و به مسائل فرهنگی اقوام ایرانی و زبان و ادب فارسی اختصاص دارد و بر عمق و غنای پژوهش‌های ایران‌شناختی می‌افزاید.

### پیشینه مطالعات ایران‌شناسی

در واقع ایران‌شناسی گرچه در شروع با مطالعات زبان‌شناسی در گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی آغاز شد، ولی رفته رفته زمینه‌های دیگری را نیز در برگرفت و امروز اصطلاحاً به آن دسته از مطالعات و تحقیقات علمی - دانشگاهی گفته می‌شود که درباره تمدن، تاریخ، زبان، فرهنگ، هنر و ادبیات حوزه تمدنی ایران زمین انجام می‌گیرد. شاید انتشار گلستان سعدی با ترجمه «آدام اُتاریوس» (Adam Olearius) در سال ۱۶۵۴ میلادی را بتوان سرآغاز پژوهش‌های ایران‌شناسی در آلمان دانست. اما ایران‌شناسی کلاسیک در زبان آلمانی از اوایل قرن نوزدهم میلادی و با تحقیقات و تألیفات «گئورگ فردریش گروتته‌فند» (Georg Friedrich Grottefend) آغاز شد که پی به رمز نوشته‌های خط میخی کتیبه‌های بیستون برد.

از آن زمان تاکنون، محققان و مترجمان آلمانی زبان با تحقیقات و تألیفات و ترجمه‌های خود همواره در گسترش پژوهش‌های ایران‌شناسی پیشتاز بوده‌اند.

کافی است به کتاب‌های ایران‌شناسان نامداری چون «فریدریش فون اُشپیگل» (Friedrich von Spiegel) و «کریستیان بارتولومه» (Friedrich Christian Leonhard Bartholomae) درباره زبان و



دین باستانی ایرانی، کتاب های «فرهنگ شاهنامه فردوسی» تالیف «فریتس ولف» (Fritz Wolff)، «حماسه ملی ایرانیان» نوشته «تئودور نولدکه» (Theodor Nöldeke)، «دنیای گم شده عیلام» نوشته «والتر هینتس» (Walther Hinz)، «دریای جان» اثر «هلموت ریتر» (Hellmut Ritter)، «تاریخ ادبیات ایران» اثر «یان ریپکا» (Jan Rypka) یا «مزدک: تاریخ جنبشی اجتماعی در دوران ساسانیان» نوشته «اوتاکار کلیما» (Otakar Klima) نگاهی انداخت تا به عمق و اهمیت این آثار پی برد؛ آثاری که بعدها زمینه مطالعات و تالیفات محققان ایرانی را فراهم آورد.

افزون بر این باید به تالیفات و ترجمه‌های کسانی چون یوزف هامر پورگشتال، فریدریش روکرت، هانس هاینریش شدر، اوتو فون متسلر، فریتز مایر، هانس روبرت رومر، برتولد اشپولر، کارل یان، ویلهلم آیلرس و دیگر خاورشناسان و ایران شناسان آلمانی زبان اشاره کرد.

همچنین «برت فراگنر» که قبل از بازنشستگی ریاست «انستیتوی مطالعات ایران شناسی» در اتریش را عهده دار بود و پیشتر نیز در دانشگاه «بامبرگ» آلمان فعالیت می کرد، از پرکارترین استادان حوزه ایران شناسی در سرزمین های آلمانی زبان طی دهه‌های اخیر بوده است.

## شکوفاترین دوره پژوهشی های ایران شناسی

گفته می شود در دوره ای که دکتر پرویز ناتل خانلری در تصمیم گیری های علمی - فرهنگی مشارکت موثر داشت، بدون هیچ شائبه ای در گسترش شاخه های گوناگون ایران شناسی گام هایی موثر برداشته شده است. از جمله فعالیت های سودمند وی افزون بر کتاب هایی بی نظیر که در گستره ی ایران شناسی در «بنیاد فرهنگ ایران» منتشر گردید، دست چین کردن دانشجویان با استعداد ایرانی رشته های مختلف ایران شناسی و اعزام آنان به دانشگاه های معتبر اروپا و آمریکای شمالی بود؛ تا از این طریق به آموزش و پرورش استادان ایرانی یاری رساند.

این استادان مهم شاخه های گوناگون رشته ایران شناسی که در دانشگاه های معتبر جهان و از جمله در آلمان، اتریش و سوئیس تدریس می کردند و در رشته تخصصی خود صاحب کرسی استادی بودند، به خوبی شناخته می شدند.

پس از انقلاب اسلامی ایران این ارتباطات دستخوش تحولات بسیار شد، در چند سال اخیر کوشش‌هایی در جهت گسترش زبان فارسی و همکاری و تبادل نظر با نهادهای علمی اروپایی انجام می‌گیرد که البته بیشتر جرقه‌هایی است که گاه به گاه به همت برخی از مسوولان دلسوز زده می‌شود.

در حال حاضر «انستیتوی مطالعات ایران‌شناسی» در وین و دانشگاه‌های گوتینگن، برلین، فرایبورگ، بامبرگ، ماربورگ، توبینگن و هامبورگ در آلمان، از فعال‌ترین موسسات و دانشگاه‌های سرزمین‌های آلمانی زبان در رشته ایران‌شناسی محسوب می‌گردند.

### گسترش فعالیت‌های «انستیتوی مطالعات ایران‌شناسی» در وین

فعالیت‌های «انستیتو مطالعات ایران‌شناسی» که وابسته به آکادمی علوم اتریش است، به ویژه در زمانی که پروفیسور برت فراگنر (Prof. Dr. Bert G. Fragner) از دانشگاه بامبرگ آلمان به وین عزیمت نمود، بسیار گسترده تر گردید.

در این راستا فراگنر و همکارانش و از آن جمله دکتر نصرالله رستگار که سمت معاونت «انستیتوی مطالعات ایران‌شناسی» را به عهده دارد، کتابی به زبان آلمانی با عنوان «ایران‌شناسی در اروپا؛ دیروز، امروز، فردا» منتشر نمودند.

پروفیسور فراگنر در طی مدت همکاری خود با این انستیتو در برقراری و استحکام روابط علمی فرهنگی با نهادهای علمی و دانشگاهی ایران و دیگر سرزمین‌های فارسی زبان کوشا بود. اعزام دانشجویان آلمانی و اتریشی رشته‌های مختلف ایران‌شناسی به این کشورها و به خصوص به ایران از جمله فعالیت‌های شایسته فراگنر محسوب می‌گردد.

در دورانی که دکتر نصرالله پورجوادی مسوولیت مرکز نشر دانشگاهی را به عهده داشت، همکاری‌های خوبی میان وین و تهران صورت می‌گرفت، از جمله انتشار نسخ خطی «ظفرنامه» حمدالله مستوفی به انضمام «شاهنامه فردوسی» مستوفی به صورت چاپی که مرکز نشر و آکادمی علوم اتریش به طور مشترک در دو مجلد منتشر کردند.

اصولاً پیشنهادی ایران شناسی در اتریش به حداقل دویست سال پیش برمی‌گردد. یعنی زمانی که «یوزف هامر - پورگشتال» در سال ۱۸۰۹ میلادی نخستین شماره نشریه ای به نام «یافته های شرق» (یا گنجینه شرق) را منتشر کرد. این نشریه ادبی ادواری تا سال ۱۸۱۹، یعنی به مدت ده سال منتشر می‌شد و مقالات و تحقیقات بسیاری درباره زبان و ادبیات و فرهنگ ایران و معارف اسلامی در آن به چاپ می‌رسید.

گفتنی است «هامر پورگشتال» مترجم معروف ترین ترجمه کامل دیوان غزلیات حافظ به زبان آلمانی بود که بین سال های ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۴ میلادی منتشر شد که بعدها همین ترجمه از دیوان حافظ، دستمایه اصلی گوته در آفرینش «دیوان غربی - شرقی» بود.

به هر حال، «هامر - پورگشتال» از جمله کسانی بود که در تاسیس «آکادمی علوم اتریش» که در سال ۱۸۴۷ میلادی به وجود آمد، نقش اساسی داشت. «کمیسیون ایران شناسی آکادمی علوم اتریش» در واقع عنوان رسمی همین «انستیتوی مطالعات ایران شناسی» است که اکنون در وین فعالیت می‌کند.

## جایگاه بین‌المللی انستیتو ایران شناسی فرهنگستان علوم اتریش

بر اساس تعریف بعمل آمده از سوی فرهنگستان علوم اتریش، انستیتو ایران شناسی در این فرهنگستان تنها موسسه‌ی آکادمیک در اتریش محسوب می‌گردد که مشخصاً به پژوهش‌های مربوط به ایران می‌پردازد.

رشته‌ی ایران شناسی در برنامه‌های آموزشی هیچ دانشگاهی در اتریش وجود ندارد. در کشورهای دیگر اروپائی رشته‌هایی با محتوای ایران شناسی اغلب به دانشگاه‌ها وابسته است و در محدوده‌ی علوم "خاورشناسی" و "اسلام شناسی" و در کنار مطالعات عربی و ترکی به آن پرداخته می‌شود، اما انستیتو ایران شناسی اتریش با تمرکز بر زمینه‌ی پژوهشی یاد شده تلاش دارد چشم‌اندازهای نوینی را در مطالعات ایران شناسی کشورهای اروپایی ایجاد نماید.

## اولویت‌های پژوهشی

انستیتو ایران شناسی اتریش در حال حاضر پنج پروژه علمی - تحقیقاتی را پیگیری می‌کند که هر یک از آنها چند پروژه با ارجحیت‌های پژوهشی را شامل می‌شود. این پنج پروژه عبارتند از:

۱- فرهنگ‌های شکل گرفته از فرهنگ ایران میان سنت و تجدد.

۲- نامنامه‌ی ایران / نامشناسی ایران (Iranische Onomastik)

۳- پژوهشهای ایران‌شناختی در رابطه با اتریش.

۴- شبکه‌ی پژوهش‌های ایران شناسی در اروپای مرکزی (CENIS)

۵- ایجاد کتابخانه‌ی تخصصی مربوط به ایران شناسی.

## ۱- فرهنگ‌های شکل گرفته از فرهنگ ایران میان سنت و تجدد

بخش بزرگی از طیف پژوهشی انستیتو ایران شناسی اتریش با اولویت اول پروژه‌ی پژوهشی "فرهنگ‌های شکل گرفته از فرهنگ ایران میان سنت و تجدد" فعالیت می‌کند. این اولویت شکلی علمی- فرهنگی دارد و به شیوه‌های گوناگونی عمل می‌کند و چهارچوب زمانی آن از اوائل قرون جدید تا عصر حاضر را در بر می‌گیرد. عرصه‌ی جغرافیایی این پژوهشها شامل مناطقی می‌شود که امروزه هنوز فارسی زبان هستند، (ایران، افغانستان، تاجیکستان) و گسترده آن در بُعد تاریخی از قفقاز تا آسیای مرکزی و همچنین آسیای جنوبی است.

## ۲- نامنامه‌ی ایران / نامشناسی ایران (Iranische Onomastik)

پروژه‌ی نامنامه‌ی ایران با تلاش‌های پرفسور مانفرد مایر هوفر (Manfred Mayrhofer) (عضو فرهنگستان علوم اتریش)، پرفسور رودیگر شمیت (Rüdiger Schmitt) (دانشگاه ساربروکن آلمان، عضو وابسته‌ی فرهنگستان علوم اتریش) و پرفسور هاینر آیشنر (Heiner Eichner) (عضو وابسته‌ی فرهنگستان علوم اتریش) که تا ۳۱ اکتبر ۲۰۰۲ سرپرستی کمیسیون ایران شناسی را بر عهده داشت، از معروفیت جهانی برخوردار است.

در قالب پروژه‌ی عظیم زبانشناسی نامنامه‌ی ایران (Iranisches Personennamenbuch = IPNB) پژوهش‌های بنیادی علوم انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

نامنامه‌ی ایران (IPNB) از همان آغاز بصورت اثری از گونه‌ی "نامنامه‌ی تاریخی" طرح ریزی شده بود. هدف گردآوری از این نامنامه تهیه مجموعه‌ای کامل از نامهای اشخاصی است که ریشه در زبانهای ایرانی دارند.

در این پژوهش نه تنها منابع ایرانی متعلق به دوره‌ی زمانی از قرن نهم پیش از میلاد تا عصر حاضر مورد کنکاش و جمع‌آوری می‌گردد، بلکه نامهای ذکر شده در روایات (ادبی، سنگ نوشته‌ها و غیره) متعلق به اقوامی که ایرانیان با آنان در آن دوران تماس داشته بودند، نیز جمع‌آوری و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳- پژوهشهای ایران شناختی در رابطه با اتریش

یکی دیگر از اولویتهای این انستیتو، پژوهشهای ایران‌شناختی در رابطه با اتریش است. در این چهارچوب تحقیق و پژوهش بر روی آثار باقی مانده از ایران پژوهان اتریشی از قبیل دست نوشته‌های مربوطه که در کتابخانه‌ها یا مراکز فرهنگی اتریش نگهداری می‌شود، صورت می‌پذیرد.

### ۴- شبکه‌ی پژوهشهای ایران‌شناسی در اروپای مرکزی (CENIS)

چهارمین اولویت پژوهشی انستیتو ایران‌شناسی فرهنگستان اتریش که جنبه‌ی کاربردی دارد، ایجاد "شبکه‌ی پژوهشهای ایران‌شناسی در اروپای مرکزی" است. هدف از ایجاد چنین شبکه‌ای برقراری ارتباط بین مؤسسات و پژوهشگران فعال در تحقیقات ایران‌شناسی در کشورهای اروپای مرکزی است تا بستری فرامرزی و شبکه‌ای مناسبی برای همکاریهای پژوهشی و آموزشی بین محققان و اندیشمندان این حوزه فرهنگی و علمی فراهم گردد.

## ۵- ایجاد کتابخانه‌ی تخصصی ایران‌شناسی

پنجمین حوزه از فعالیت‌های انستیتو ایران‌شناسی فرهنگستان اتریش ایجاد و توسعه‌ی یک کتابخانه‌ی جامع و تخصصی در این انستیتو است. هدف از تأسیس این کتابخانه ایجاد امکانات پژوهشی و مطالعاتی لازم برای پژوهشگران داخلی و خارجی این انستیتو جهت تحقیق و مطالعات ایران‌شناسی است.

## نگاهی به مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه‌های آلمانی زبان

همانگونه که اشاره گردید مطالعات ایران‌شناسی در آلمان چندی است از محدوده‌ی تحقیقات سنتی و کلاسیک پیشین بیرون آمده و محدوده مطالعاتی و زمینه‌های تحقیقاتی آن گسترش یافته است. اگر در گذشته دانشجویان رشته ایران‌شناسی دانشگاه‌های آلمان می‌بایستی فصلی از «سوانح» احمد غزالی یا حکایتی از «گلستان» سعدی را به آلمانی ترجمه می‌کردند، امروزه دانشجویان رشته ایران‌شناسی دانشگاه بامبرگ، در کنار تحقیق و تفحص در متون کهن، برای مثال داستان‌های کوتاه نویسندگان معاصر ایران را زیر نظر استادان خود به آلمانی ترجمه و حتی گاه شیوه و سبک نویسندگان و عناصر زبانی داستان یا رمان را بررسی می‌کنند.

«پژوهشی آماری درباره سبک تازه نثر فارسی»، «بررسی آثار فروغ فرخزاد»، «شعر شاعران زن معاصر ایران»، «طنز مدرن در ایران» و «زنان در رسانه‌ها» از جمله عناوین رساله‌های کارشناسی دانشجویان رشته ایران‌شناسی دانشگاه‌های آلمان است. اگر در میانه قرن نوزدهم میلادی، خاورشناسان آلمانی چون «کارل هاینریش گراف» (Karl Heinrich Graf) و «فریدریش روکرت»، غزلیات سعدی را به آلمانی ترجمه می‌کردند. در آغاز قرن بیست و یکم میلادی، غزلیات «سیمین بهبهانی» را کسانی چون «آنه ماری شیمل» (Annemarie Schimmel) و «کورت شارف» (Kurt Scharf) ترجمه نموده و درباره شاعران زن ایرانی و مسلمان کتاب منتشر نمودند.

اصولاً پژوهش درباره سرآغاز و پیشینه حضور زنان در عرصه شعر و ادبیات داستانی و نقش آنان در توسعه و تکامل این گستره از ادبیات و نیز تاثیری که شعر و داستان و رمان شاعران و نویسندگان زن بر

رشد و گسترش زبان فارسی و فرآیند تحولات اجتماعی داشته، از جمله مباحثی است که در طی دهه‌های گذشته مورد توجه پژوهش‌های دانشگاهی قرار گرفته است و در آینده می‌تواند به موضوعی برای تحقیقات ایران‌شناسی مبدل شود.

## مهمترین گرسی‌های ایران‌شناسی در آلمان

به نظر می‌رسد رشته ایران‌شناسی دانشگاه‌های ماربورگ، بامبرگ، گوتینگن، برلین، هامبورگ و توینگن در آلمان، در سال‌های اخیر به فعالیت‌های خود افزوده و اعتبار خوبی کسب کرده‌اند.

گسترش این فعالیت‌ها، به ویژه پس از پیوستن کشور تاجیکستان به سرزمین‌های فارسی‌زبان محسوس‌تر شده است. تحقیقات در زمینه‌های گوناگون، برگزاری سمینارهایی با موضوعات متنوع، انتشار کتاب و اعزام دانشجویان به کشورهای فارسی‌زبان و پیش از همه برقراری روابط علمی با دانشگاه‌های ایران، از جمله این فعالیت‌هاست.

یکی از استادان فعال در پژوهش‌های ایران‌شناسی و به ویژه مطالعات فولکوریک و فرهنگ عامه، پروفسور «اولریش مارتسولف» (Prof. Dr. Ulrich Marzolph) است که در «دانشنامه‌ی قصه» وابسته به «آکادمی علوم گوتینگن» به تحقیق مشغول است. مارتسولف در زمینه فرهنگ عامه مردم ایران مطالعات و تالیفات ارزشمندی منتشر کرده است.

او که به زبان فارسی تسلط دارد، سفرهای متعددی به ایران داشته و حتی چند سالی در دانشگاه مشهد تحصیل و تحقیق کرده است و هر از گاه به ایران می‌رود و با کوله‌پشتی خود به دهکده‌ها و روستاها و شهرهای دور و نزدیک ایران سفر می‌کند و با تحقیقات میدانی، شناخت و دانش خود را در زمینه مردم‌شناسی و فرهنگ عامه گسترش می‌دهد.

یکی از کتاب‌های جالب او که پس از انتشار در آلمان، در ایران هم منتشر شد و مورد توجه قرار گرفت، کتاب «قصه‌های مشدی گلین خانم» است که در واقع یادداشت‌هایی به جامانده از «لورنس پاول الول ساتن» (Laurence Paul Elwell-Sutton) ایران‌شناس انگلیسی است که مارتسولف آن را تنظیم، تدوین و منتشر کرده است.

به هر حال، این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های ایران‌شناسی، حداقل در آلمان، به تدریج از محدوده سنتی گذشته فراتر می‌رود و اگر نتوان گفت هویت تازه‌ای یافته، حداقل می‌توان ادعا کرد وارد مرحله تازه‌ای شده است و نسلی تازه از ایران‌شناسان در راه هستند. از این رو هر دانشگاه و نهاد و نشریه و مجله‌ای که با هدف گسترش مطالعات و تحقیقات ایران‌شناختی فعالیت می‌کند، ناگزیر باید با نگاهی نو به این گستره پهناور بنگرد و راه، روش و ساز و کار خود را با وضع جدید تطبیق دهد.

## زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی

یگانه رشته دانشگاهی در حوزه زبان آلمانی که نام "ایران" را با خود یا بر خود دارد همان رشته "زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی" (یا به قول آلمانی زبانها IRANISTIK) است. این رشته دانشگاهی سالیان دراز قلمرو انحصاری زبانها و لهجه‌هایی بوده که به گروه زبانهای ایرانی تعلق داشته‌اند.

از نظر روش‌شناسی توجه اصلی رشته IRANISTIK، به زبان‌شناسی و فقه‌اللغه معطوف است. اکثر محققان این رشته، اگر نخواهیم بگوییم همه آنها، حتی امروزه نیز همین تعریف را برای این رشته می‌پذیرند و بنابراین، ترجمه کردن اصطلاح آلمانی IRANISTIK، به "مطالعات ایرانی" یا IRANIANSTUDIES معمولاً باعث بدفهمی‌هایی می‌شود. ترجمه درست یا نادرست‌تر اصطلاح مزبور اگر نقل به معنا شود "زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی" است.

همانگونه که اشاره گردید، مطالعات جدید ایرانی در زبان آلمانی از اوایل قرن نوزدهم میلادی، یعنی از وقتی که «گئورگ فردریک گروتفند»، معلم ریاضی ساده و بعدها متخصص زبان‌شناسی زبانهای کهن از دانشگاه گوتینگن، توانست رمز نوشته‌های خط میخی کتیبه‌های بیستون در نزدیکی کرمانشاه را کشف کند، باب شد. مطالعه در حوزه زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی کما بیش در تطبیق با زبان‌شناسی یا مطالعه در فقه‌اللغه هندی و در جنب آن پیش می‌رفت. بخش اعظم توجهی که زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در میان روشنفکران و متفکران آلمانی بر انگیخت، ناشی از روابط و پیوندهای نزدیک هند و اروپایی و زبان‌شناسی تطبیقی بود.



مطرح شدن مساله منشاء تاریخی و زبانی قوم ژرمن (یعنی ریشه قومی مردم آلمان)، زمینه ی تحقیقات گسترده در تشابه میان زبانهای هند و اروپایی (بعنوان وجهی از پیوندها و اشتراکات عمیق تر قومی و نژادی میان اقوام "هند اروپایی") را فراهم نمود. بر این اساس تلاش شده، نژاد اصیل و اولیه قوم اصطلاحاً آریایی شناخته و بازسازی شود.

این تلاشها در قرن نوزدهم در تکاپوی گسترده ناسیونالیستهای آلمانی برای یافتن مبنای ماقبل تاریخی دعاویشان متبلور گردید. بر خلاف آنچه در مورد قدرتهای دیرین استعماری مثل فرانسه و انگلیس مشهود بوده، در آلمان توجه عمومی به زبان شناسی و فقه اللّغه ایرانی اساساً ناشی از انگیزه های اقتصادی و میل به سلطه مستقیم و بلاواسطه نبود، بلکه انگیزه سیاسی توجه به موضوعات ایرانی، مبنایی به ظاهر هویتی، داشت و تفحص در فقه اللّغه ایرانی، دست کم گاهی به عنوان مشارکتی در جستجوی ریشه های "آریایی" قوم ژرمن تلقی می شد.

این عنصر آریایی علی الخصوص در آلمان نقش مهمی در انگیزش مطالعات و تحقیقات ایرانی ایفا کرد و تا دیر زمانی همچنان مقرون به تعهد عالمانه و آرمانی برای نیالودن تحقیقات علمی "ناب" به اغراض دنیوی و مبتذل، باقی ماند. توجه و تعلق خاطر عمومی و در عین حال علناً سیاسی آلمانها به ریشه و خواستگاه های "آریایی" محیط کاملاً مناسبی برای رشد سالم ثمرات فقه اللّغه ایرانی در آلمان فراهم آورد.

به برکت این ثمرات و جهت گیری های زبان شناسانه، محققانی که در این زمینه مشغول تحقیق بودند تا مدتها وارد کشاکش های سیاسی نشدند. حتی زمانی هم که موضوع تحقیق این محققان به نحوی به زبانهای جدید مربوط می شد باز با این زبانها چنان مواجه می شدند که گویی این زبانها نیز به لحاظ ارزش تاریخی، هم دوش زبانهای فارسی باستان و اوستایی است نه زبانهای زنده رایج در جهان امروز. می توان گفت که این نحو تلقی، نوعاً در همه محققان ایران شناس آلمانی زبان بیش از بقیه ایران شناسان جهان بوده است.

با عنایت به همین امر است که می توان دریافت چگونه بسیاری از متخصصان زبانهای باستانی و زبان شناسی با حوزه مربوط به فقه اللّغه زبانهای ایرانی همکاری ندارند و تنها در گروه های مطالعات هند و اروپایی کار می کنند. با این حال، بسیاری از آنها همچون «مانفرد مایرهوفر» در وین «کارل

هوفمان» در ارلانگن، «هلموت هومباخ» در ماینتس، «برتفیلد شلرات» در برلین، و «رودیگر اشمیت» در زاربروکن از محققان ایران‌شناس واقعی محسوب می‌گردند.

## وضعیت امروز کرسی‌های ایران‌شناسی در دانشگاه‌های آلمان

در دو دهه اخیر، رشته ایران‌شناسی و کرسی ایران‌شناسی در دانشگاه‌های آلمانی زبان به تدریج رو به افول گذاشت و در مواردی مشخصاً رشته‌های دیگر نظیر ترک‌شناسی جای آن را گرفت.

ایران‌شناسان آلمانی ادعا می‌کنند که یکی از علل این سیر افولی و غیبت ناگهانی مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه‌ها و موسسه‌های علمی غرب را می‌توان در عدم توجه کافی مسوولان فرهنگی ایران دانست. زیرا پویایی و گسترش رشته‌هایی چون ایران‌شناسی، ترک‌شناسی، هندشناسی یا مطالعات باستان‌شناسی در کشورهای نظیر ایران، مصر، عراق، به یاری و پشتیبانی «سرزمین مادر» نیازمند است و بدون مراوده‌های فرهنگی و علمی و بدون امکان تحقیقات میدانی، عملاً پیشرفتی نخواهد داشت.

در گذشته مطالعات ایران‌شناسی نه فقط در دانشگاه‌های کشورهای آلمانی زبان، بلکه در دانشگاه‌های اروپا و آمریکای شمالی، گسترش و پیشرفت چشمگیری داشت و این امر به مدد پشتیبانی مراکز علمی ایران صورت می‌پذیرفت. بعنوان نمونه در مقاطعی که دانشگاه تهران با جدیت بیشتری به دانشجویان خارجی بورس تحصیلی اعطا می‌کرد، آنان به تحصیل در دانشگاه تهران و رشته زبان و ادبیات فارسی تشویق می‌شدند. بی‌تردید این اقدام و سرمایه‌گذاری در گسترش زبان فارسی به عنوان پایه اصلی ایران‌شناسی در جهان بی‌تاثیر نبود. هم‌اکنون بسیاری از استادان خارجی زبان فارسی را در گوشه و کنار جهان می‌توان یافت که دکترای خود را در این دوره کسب کرده‌اند.

در ادامه گزارشی از موضوعاتی که در رشته‌های ایران‌شناسی برخی از دانشگاه‌های آلمان تدریس می‌شوند، ارائه می‌گردد.

## دانشگاه آزاد برلین

در دانشگاه آزاد برلین ذیل عنوان «ایران شناسی» به موضوعات زیر پرداخته می شود:

- ← حقوق در ایران قبل از اسلام، تلاش برای بازسازی نظام حقوقی زرتشتی / ساسانی<sup>۱</sup>
  - ← تعامل نظام حقوقی ساسانی با سایر نظامات حقوقی (یهودی، مسیحی نسطوری، بیزانسی، حقوق اسلامی)<sup>۲</sup>
  - ← مدارک اقتصادی و حقوقی در دست نوشته های پهلوی، مشکلات خط پهلوی<sup>۳</sup>
  - ← زرتشتی گری در دوران ساسانی<sup>۴</sup>
  - ← مطالعات مانی گرایی<sup>۵</sup>
  - ← تصحیح متون خطی کهن و دوران میانه ایرانی<sup>۶</sup>
  - ← زبان و ادبیات کردی<sup>۷</sup>
  - ← ادبیات کلاسیک و معاصر ایران و سایر انواع ادبی<sup>۸</sup>
- در این بخش «ادبیات کلاسیک و معاصر ایران» بیشتر مطالعات بر سه موضوع زیر متمرکز است:
- ← صادق هدایت<sup>۹</sup>
  - ← تاریخ ادبیات ایران<sup>۱۰</sup>
  - ← افسانه طهمورث و جمشید<sup>۱۱</sup>

<sup>1</sup> Vorislamisches Recht in Iran: Arbeiten zur Rekonstruktion der zoroastrisch/sasanidischen Jurisprudenz

<sup>2</sup> Interaktion des sasanidischen Rechts mit anderen Rechtssystemen (jüdisches, nestorianisch-christliches, byzantinisches, islamisches Recht)

<sup>3</sup> Wirtschafts- und Rechtsdokumente in der Pahlavi-Kursive, Probleme der Pahlavi-Schrift

<sup>4</sup> Die Rezeption des Zoroastrismus in der Sasanidenperiode

<sup>5</sup> Manichäismusforschung

<sup>6</sup> Editionen alt- und mittelfranischer Manuskripte

<sup>7</sup> Kurdische Sprache und Literatur

<sup>8</sup> Klassische und moderne persische Literatur sowie andere iranische Literaturen

<sup>9</sup> Sādeq Hedāyat

<sup>10</sup> History of Persian Literature

## دانشگاه بامبرگ

در دانشگاه بامبرگ ذیل عنوان «ایران‌شناسی» به موضوعات زیر پرداخته می‌شود:

- ← فرهنگ حوزه فارسی زبان در دوران معاصر<sup>۱۲</sup>
- ← ایران: دوران پهلوی، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، سیاست خارجی ایران<sup>۱۳</sup>
- ← افغانستان: حکومت سلطنتی، چالش افغانستان، دوران طالبان و روزگار پس از آن<sup>۱۴</sup>
- ← آسیای میانه: دوران اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری‌های استقلال یافته پس از آن روزگار<sup>۱۵</sup>
- ← هندوستان و پاکستان: از اواخر روزگار استعمار تا امروز<sup>۱۶</sup>
- ← حوزه فارسی زبان در تاریخ<sup>۱۷</sup>
- ← ایران از اسلامی شدن تا قرن ۱۹<sup>۱۸</sup>
- ← افغانستان: فرایند تکوین دولت در قرن ۱۸ و ۱۹<sup>۱۹</sup>
- ← آسیای میانه: مغول‌ها و تیموریان (قرن ۱۳ تا ۱۵)، ازبکستان (قرن ۱۶ تا آغاز قرن ۲۰)<sup>۲۰</sup>
- ← هند مسلمان از اسلامی شدن تا استعمار انگلیس<sup>۲۱</sup>
- ← فرهنگ روزمره و تاریخ ذهنیت و خلق و خو<sup>۲۲</sup>

<sup>11</sup> Die Erzählung von ʿIahmuras und Čamšid

<sup>12</sup> Der persischsprachige Kulturraum in der Gegenwart

<sup>13</sup> Iran: Pahlavi-Zeit, Islamische Revolution, Islamische Republik, iranische Außenpolitik

<sup>14</sup> Afghanistan: die Monarchie, der Afghanistan Konflikt, Taliban- und Post-Taliban-Zeit

<sup>15</sup> Zentralasien: die Sowjetzeit und die zentralasiatischen Republiken nach der Unabhängigkeit

<sup>16</sup> Indien und Pakistan: von der späten Kolonialzeit bis heute

<sup>17</sup> Der persischsprachige Kulturraum in der Geschichte

<sup>18</sup> Iran von der Islamisierung bis zum 19. Jahrhundert

<sup>19</sup> Afghanistan: Staatsbildungsprozesse im 18. Und 19. Jahrhundert

<sup>20</sup> Zentralasien: Mongolen und Timuriden (13. Bis 15. Jahrhundert); Usbekenzeit (16. Bis frühes 20. Jahrhundert)

<sup>21</sup> Muslimisches Indien von der Islamisierung bis zur britischen Kolonialzeit

<sup>22</sup> Alltagskultur und Mentalitätengeschichte

- ← خورد و خوراک، نوشیدنی‌های الکلی و مواد مخدر<sup>۲۳</sup>
  - ← احترام به مقدسات و فرهنگ زیارتگاه‌ها<sup>۲۴</sup>
  - ← سنن نگاه دارنده ساختار قدرت و تعاملات نمادین در حوزه عمومی<sup>۲۵</sup>
  - ← جشن‌ها و مناسبت‌های دینی<sup>۲۶</sup>
  - ← زبان و فرهنگ<sup>۲۷</sup>
  - ← زبان فارسی (۱-۴)<sup>۲۸</sup>
  - ← تعمیق در قرائت متن (متن مطبوعات، داستان‌های کوتاه، شعر جدید، خاطرات و رمان‌ها)<sup>۲۹</sup>
  - ← تعمیق قرائت متن‌های کلاسیک (شاهنامه، دوران رمانتیک، شعر عاشقانه و مدح)<sup>۳۰</sup>
  - ← زبان تاجیک<sup>۳۱</sup>
  - ← برگزاری مرتب دوره‌های سایر زبان‌های حوزه فارسی (کردی، ترکی آذری، گرجی، ارمنی، ازبکی، پشتو و اردو)<sup>۳۲</sup>
- گفتنی است دانشگاه بامبرگ دوره‌های فشرده آموزش زبان فارسی را نیز برپا می‌کند. بعلاوه در قالب یک تفاهم‌نامه همکاری همه ساله شش دانشجوی دکتری این دانشگاه می‌توانند یک ترم را در دانشگاه تهران تحصیل کنند.
- 

<sup>23</sup> Kulinarik, Rausch- und Suchtmittel

<sup>24</sup> Heiligenverehrung und Schreinkultur

<sup>25</sup> Machtrituale und symbolische Kommunikation im öffentlichen Raum

<sup>26</sup> religiöse Feste und Feiertage

<sup>27</sup> Sprache und Literatur

<sup>28</sup> Persisch Unterricht (I-IV)

<sup>29</sup> Vertiefende Lektüre modern (Presstexte, Kurzgeschichten, moderne Dichtung, Memoiren, Romane)

<sup>30</sup> Vertiefende Lektüre klassisch (Schahname, romantische Epen, Lob- und Liebesdichtung, Chroniken etc.)

<sup>31</sup> Tadschikisch

<sup>32</sup> Im Turnus Kontaktsprachen des Persischen (Kurdisch, Azeri Türkisch, Georgisch, Armenisch, Usbekisch, Pashto und Urdu) – im Rahmen eines orientalistischen Studienangebotes einmalig im deutschsprachigen Raum!

دو پروژه دیگر که در حال حاضر در دستور کار این دانشگاه قرار دارد، به شرح زیر است:

- ← شکل دادن به خویش: نویسنده ایرانی «بزرگ علوی» (۱۹۹۷/۱۹۰۴)<sup>۳۳</sup>
- ← درآویش قلندری به عنوان دگرباشان اسلامی در میان اسلام و مسیحیت در اروپای شرقی (قرن ۱۳ تا ۱۶)<sup>۳۴</sup>

## دانشگاه گوتینگن

در دانشگاه گوتینگن ذیل عنوان «ایران‌شناسی» سه محور کاری به شرح زیر معرفی شده است: (شایان ذکر است پروژه‌های تحقیقاتی که در عمل اجرا می‌شود در محدوده‌ی کوچکتری از این حوزه‌ها انجام می‌پذیرد.)

← فرهنگ، تاریخ و دین در ایران پیش از اسلام با گرایش زرتشتی‌گری و بررسی زبان و خط این دوره

← فرهنگ، تاریخ و دین در ایران و کشورهای همسایه پس از اسلام

← جامعه و فرهنگ کردی با تاکید بر لهجه‌های اصلی و ادیان

پروژه‌های تحقیقاتی که در حال حاضر در دست اجرا است، به شرح زیر است:

← فرقه خاکساریه میان فرق اهل حق و عرفان شیعی<sup>۳۵</sup>

← سنت اهل حق، متون، منقولات و مشاهدات<sup>۳۶</sup>

← بررسی متون دینی یزیدی‌ها و نتایج آن در مباحث الهیات<sup>۳۷</sup>

<sup>33</sup> „Selbstentwürfe in der Fremde: Der iranische Schriftsteller Bozorg Alavi (1904-1997) im deutschen Exil“

<sup>34</sup> Die heterodox-islamischen Qalandari-Derwische im Spannungsfeld zwischen Christentum und Islam in Südosteuropa (13.-16. Jahrhundert)

<sup>35</sup> Der Khaksar-Orden zwischen Ahl-e Haqq und schiitisch-mystischen Orden: Prof. Dr. Philip G. Kreyenbroek, Dr. Shahrokh Raai, Gefördert von der DFG ab August 2009.

<sup>36</sup> Die Tradition der Ahl-e Haqq: Texts, narratives, observances: Prof. Dr. Philip G. Kreyenbroek.

<sup>37</sup> Theological Implications of the Religious Texts of the Yezidis: Dr. Khanna Omarkhali (Usoyan). Gefördert von dem Graduiertenkolleg ‚Götterbilder, Gottesbilder, Weltbilder‘.

- ← مستند سازی زبان و فرهنگ گورانی<sup>۳۸</sup>
- ← حافظه فرهنگی جماعت یزیدی در آلمان با عنایت به پرسش های دینی<sup>۳۹</sup>
- ← فیلم ایرانی به عنوان شاهی برای شکوفایی اجتماعی و فرهنگی<sup>۴۰</sup>
- ← سنت شفاهی دینی یزیدی<sup>۴۱</sup>
- ← ضمائر اشاره در زبان سغدی و سایر زبان های ایرانی<sup>۴۲</sup>
- ← آرشیو دیجیتال متون ایرانی، آرشیو صدای ایرانی<sup>۴۳</sup>
- ← تصحیح و شرح متون یهودی فارسی از قرن ۱۱ تا ۱۴<sup>۴۴</sup>

## دانشگاه ماربورگ

مطالعات ایران شناسی در دانشگاه ماربورگ به لحاظ تاریخی، دوران مغول در ایران تا قرن بیستم را زیر پوشش قرار می دهد. در این حوزه بیشتر کار بر منابع دست اول متمرکز است و از جمله به پروژه طولانی مدت و مثال زدنی اسناد فارسی (Asnad.org) می توان اشاره نمود.

موضوع دیگر مطالعه، ادبیات معاصر ایران است که بخصوص بر تحقیق روی نثر فارسی و خاطره نویسی در تبعید متمرکز است که در این زمینه چندین پروژه دکتری<sup>۴۵</sup> وجود دارد.

<sup>38</sup> Dokumentation von Sprache und Kultur der Gorani: Prof. Dr. Philip G. Kreyenbroek, Prof. Dr. L. Paul (Hamburg), PD Dr. Geoffrey Haig (Kiel). Gefördert von der Volkswagenstiftung.

<sup>39</sup> Kulturelles Gedächtnis der Yezidi-Gemeinschaft in Deutschland hinsichtlich religiöser Fragen: Prof. Dr. Philip G. Kreyenbroek, Dr. Khalil Rashow, Dr. Khanna Omarkhali (Usoyan), Zekiye Kartal M.A., Gefördert von der DFG bis Dezember 2005. Beendet.

<sup>40</sup> Der iranische Film als Zeugniss gesellschaftlicher und kultureller Entwicklungen: Dr. Katja Föllmer.

<sup>41</sup> Mündlich überlieferte religiöse Texte der Yeziden: Übersetzung und Kommentierung: Prof. Dr. Philip G. Kreyenbroek, Dr. Khalil Rashow. Gefördert von der DFG. Beendet.

<sup>42</sup> Deixis in Soghdian and other Eastern Iranian Languages: Dr. Antje Wendtland.

<sup>43</sup> Digitales Archiv iranischer Texte, Iranian Sound Archive: Prof. Dr. Philip G. Kreyenbroek.

<sup>44</sup> Edition und Kommentierung jüdisch-persischer Dokumente vor allem aus dem 11.-14. Jahrhundert: Dr. L. Paul, in Zusammenarbeit mit der Hebrew University, Jerusalem, Projektdauer: 1/98 – 12/99. Gefördert von der Volkswagen-Stiftung. Beendet.

<sup>45</sup> Dissertationen

بعلاوه، گروه ایران شناسی این دانشگاه در حال تصحیح آثار «انگلبرت کمپفر» (Engelbert Kämpfer) (1651-1716) عالم و سفرنامه نویس قرن هفدهم و هجدهم تحت عنوان *Amoenitates Exoticae* است.

دورنمای فهرستوار مطالعات این بخش ایران شناسی دانشگاه ماربورگ در حال حاضر به شرح زیر است:

← مطبوعات ایران در قرن بیستم و آغاز دوره پهلوی<sup>۴۶</sup>

← ادیبان مدرن و معاصر ایران با پایان نامه هایی درباره گلی ترقی، عتیق رحمانی و غزل مدرن فارسی<sup>۴۷</sup>

← اسناد سیاسی و اداری ایران<sup>۴۸</sup>

← تاریخ اجتماعی ایران در آغاز دوره جدید بخصوص تاریخ بنیادها<sup>۴۹</sup>

## دانشگاه فرایبورگ<sup>۵۰</sup>

در این دانشگاه در گروه شرق شناسی و اسلام شناسی تنها یک استاد (Prof. Dr. Tim Epkenhans) به تدریس در حوزه ایران شناسی مشغول است. شایان ذکر است که کرسی ایران شناسی این دانشگاه چند سال پیش با کرسی ایران شناسی دانشگاه ماربورگ تلفیق گردید. گفتنی است در حال حاضر در این دانشکده بیش از ۱۵۰ دانشجو در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای رشته های مختلف شرق شناسی، اسلام شناسی و ایران شناسی مشغول به تحصیل هستند که بیش از ۵۰ نفر از آنان به فراگیری زبان فارسی مشغول هستند.

<sup>46</sup> Iranische Presse im 20. Jahrhundert und die frühe Pahlavizeit.

<sup>47</sup> Moderne persische Gegenwartsliteratur. Mit Dissertationen zu Goli Taraghi, Atiq Rahimi und zum modernen persischen Ghazal.

<sup>48</sup> Persische Diplomatie und Urkundenlehre. Exemplarisch das Datenbankprojekt Asnad.org und zahlreiche Einzelpublikationen.

<sup>49</sup> Sozialgeschichte Irans in der frühen Neuzeit, insbesondere das Stiftungswesen in der iranischen Welt

<sup>50</sup> <https://www.orient.uni-freiburg.de/islam/mitarbeiter/epkenhans>



نکات ذیل پیرامون ساختار و فعالیت دانشگاه فرایبورگ آلمان قابل تامل است:

⇐ تاسیس دانشگاه "آلبرت لودویگ" - Albert-Ludwig-Universität Freiburg - شهر فرایبورگ به سال ۱۴۵۷ میلادی بر می‌گردد و یکی از قدیمترین دانشگاه‌های آلمان محسوب می‌گردد. این دانشگاه در یازده شاخه مختلف پزشکی، علوم تجربی و علوم انسانی به تعلیم و تربیت دانشجوی می‌پردازد. تعداد رشته‌های تحصیلی این دانشگاه به ۱۸۳ شاخه می‌رسد که در ۹۸ انستیتوی مختلف این دانشگاه تدریس می‌گردد.

⇐ تعداد دانشجویان این دانشگاه در ترم زمستانی سال ۲۰۱۳/۲۰۱۴ میلادی از یکصد ملیت مختلف بالغ بر ۲۳۰۰۰ نفر هستند که مشغول به تحصیل می‌باشند. بودجه سالیانه این دانشگاه به رقم ۲۶۸/۳ میلیون یورو (دویست و شصت و هشت میلیون و سیصد هزار یورو) می‌رسد. سطح زیر بنای دانشگاه فرایبورگ ۲۸۷۶۸۲ مترمربع است که دربرگیرنده ۸۷۱۴ کلاس، سالن و تالار اجتماعات و کتابخانه است که از این تعداد ۴۴۵ تالار اجتماعات و ۳۴۳ کتابخانه شامل می‌شود. همچنین ۱۴ کلینیک درمانی با مجموع ۲۰۰۰ تخت درمانی نیز در اختیار این دانشگاه است.

⇐ در سال ۲۰۰۷ میلادی طی مراسم ویژه‌ای جشن پانصد و پنجاهمین سالگرد تاسیس دانشگاه فرایبورگ آلمان با شرکت جمع گسترده‌ای از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی آلمان و اروپا در این دانشگاه برگزار گردید. در مراسم جشن پانصد و پنجاهمین سالگرد تاسیس دانشگاه فرایبورگ بیش از دو هزار میهمان داخلی و خارجی دعوت بعمل آمده بود.

⇐ کرسی "اسلام شناسی و تاریخ اقوام اسلامی" دانشگاه فرایبورگ بعنوان یکی از مهمترین رشته‌های علوم انسانی محسوب می‌گردد که به زیر مجموعه‌های مختلفی از جمله "ایران‌شناسی"، "عرب‌شناسی" و "ترک‌شناسی" تقسیم بندی می‌گردد.

«سی‌امین کنگره‌ی خاورشناسان آلمان» در سال ۲۰۰۷ میلادی با حضور بیش از یک‌هزار خاورشناس از سرتاسر جهان در هیجده رشته‌ی گوناگون خاورشناسی در دانشگاه فرایبورگ برگزار گردید. این گروه از پژوهشگران که شامل دانشمندان و اساتید رشته‌های ایران‌شناسی، فرهنگ و ادبیات عرب، اسلام‌شناسی، ترک‌شناسی، ژاپن‌شناسی، آفریقا‌شناسی و زبانهای شرقی قدیم بودند، در سیصد سخنرانی خود به زبان‌های آلمانی، انگلیسی و فرانسه نتایج آخرین تحقیقات بعمل آمده در موضوعات مختلف را به علاقمندان عرضه نمودند.

«قدمت برگزاری کنگره‌ی خاورشناسان آلمان» که هر سه سال یکبار در یکی از شهرهای کشور آلمان برگزار می‌گردد، به هشتاد و شش سال پیش بر می‌گردد.

«در چارچوب پروژه‌های همکاری عملی و تحقیقاتی «موسسه تبادلات آکادمیکی آلمان» مشهور به - DAAD - با دانشگاه‌ها و مراکز عملی و تحقیقاتی کشورمان، دانشگاه فرایبورگ نقش مهمی را ایفا می‌نماید. بطور مثال می‌توان از پروژه برگزاری دوره آموزشی «سلامتی و جهانی شدن» در سال ۲۰۱۰ میلادی در دانشگاه فرایبورگ نام برد. در این دوره آموزشی بخش پزشکی دانشگاه فرایبورگ به سرپرستی آقای پروفیسور شایت - Prof. Dr. Scheidt - پذیرای دانشجویان و اساتید میهمان دانشگاه اصفهان بود.

«پروفیسور دکتر "تیم اپکنهانس" - Prof. Dr. Tim Epkenhans - استاد بخش ایران‌شناسی دانشگاه فرایبورگ متولد سال ۱۹۷۲ میلادی در شهر «گوتززلو» - Gütersloh - در آلمان است. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌های اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌های قاهره و تهران به انجام رسانده است. رساله کارشناسی ارشد وی تحت عنوان «مدرنیته ایران در تبعید» در سال ۱۹۹۹ میلادی و رساله دکتری ایشان پیرامون «اخلاق و انضباط سید حسن تقی‌زاده و بررسی ساختار شخصیتی وی در مدرنیته ایران گذشته» بوده است.

## دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیان مونیخ<sup>۵۱</sup>

در این دانشگاه در گروه شرق شناسی تنها یک استاد (Dr. Walcher, Heidi) به تدریس در حوزه ایران مشغول است که وی نیز استاد صاحب کرسی نیست و بعنوان دستیار علمی موسسه مشغول به کار است. لینک زیر نشان می‌دهد که از ترم زمستانی ۲۰۱۳/۲۰۱۴ بخش ایران شناسی دانشگاه مونیخ تعطیل شده است:

## دانشگاه هامبورگ<sup>۵۲</sup>

بخش ایران شناسی دانشگاه هامبورگ در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس می‌گردد. حوزه‌های تحقیقاتی در بخش مطالعات ایرانی این دانشگاه بیشتر بر زبان‌های ایران قدیم و میانه (مانند زبان اوستایی، زبان فارسی میانه) و فرهنگ و تاریخ معاصر ایران متمرکز است.

همچنین نگرش به نظام سیاسی و ساختارهای اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش پیرامون فرهنگ، مذهب، زبان و سیاست در گذشته و حال سرزمین‌های همسایه ایران از دیگر حوزه‌های تحقیقاتی این دانشگاه محسوب می‌گردد که با همکاری سایر دانشگاهها و در سطح بین‌المللی صورت می‌پذیرد.

## دانشگاه هایدلبرگ<sup>۵۳</sup>

در دانشگاه هایدلبرگ ایران شناسی به عنوان یک رشته فرعی در حوزه شرق شناسی و اسلام شناسی در سطح کارشناسی تدریس می‌شود و بیشتر بر ادبیات و زبان فارسی معاصر متمرکز است.

<sup>51</sup> <http://www.freunde-islamischer-kunst.de/nachrichten/keine-iranistik-mehr-am-institut-fur-den-nahen-und-mittleren-osten-der-lmu/>

<sup>52</sup> <http://www.aai.uni-hamburg.de/voror/MA-IRAN.html>

<sup>53</sup> <https://www.uni-heidelberg.de/studium/interesse/faecher/iranistik.html>

## موضوع ایران‌شناسی در سطح رسانه‌های آلمانی

اما به رغم وجود تحقیقات علمی و مقالاتی که زمینه‌های گوناگون پژوهش‌های ایران‌شناختی را دربرمی‌گیرد، تاکنون نشریه یا مجله‌ای اختصاصی - علمی که صرفاً به انتشار و معرفی چنین آثاری بپردازد، وجود نداشته است.

موضوع وسیع و بالقوه مستقلی همچون پژوهش‌های ایران‌شناختی در آلمان ذیل موضوعات کلی دیگری چون «شرق‌شناسی»، «مطالعات خاورمیانه»، «مطالعات هند و ایرانی»، «اسلام‌شناسی» یا «آسیاشناسی» قرار دارد. البته موسسه باستان‌شناسی آلمان مجله‌ای به نام «گزارش‌های باستان‌شناختی از ایران» منتشر می‌کند که مقالات آن بیشتر به ایران دوره اسلامی اختصاص دارد.

قبلاً هم «مرکز نشر دانشگاهی» در ایران به انتشار مجله‌ای به زبان آلمانی اقدام کرد که بیشتر به بررسی‌های کلاسیک در زمینه تحقیقات ایران‌شناسی اختصاص داشت و مقاله‌هایی از استادان ایران‌شناس و شرق‌شناس دانشگاه‌های آلمان در آن منتشر می‌شد. این مجله که با عنوان «پژوهش‌های ایران‌شناختی» سالانه دو بار منتشر می‌شد، عمر چندانی نداشت و پس از شش شماره (آخرین شماره پاییز ۱۳۸۳)، با تغییراتی که در مدیریت «مرکز نشر دانشگاهی» به وجود آمد، انتشار آن متوقف شد یا حداقل به حالت تعلیق درآمد. البته نشریه «اشپکتروم ایران» وابسته به رایزنی فرهنگی ایران در آلمان نیز بعضاً به این موضوع پرداخته ولی شکل مستمر و مستقلی نداشته است.

## بازتاب پژوهش‌های دانشگاهی در افکار عمومی

به طور قطع پژوهش‌های دانشگاهی و فعالیت‌های نهادهای علمی، در افکار عمومی بی‌تاثیر نبوده است، اما در واقع بیرون از حلقه پژوهش‌های دانشگاهی و غیر از فعالیت‌های علمی، آشنایی مردمان سرزمین‌های آلمانی زبان با فلات پهناور ایران و شناخت آنان از تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی و زبان و ادبیات فارسی، اغلب از طریق گزارش‌ها و نوشته‌های روزنامه‌ها و نشریه‌های گوناگون و فیلم‌های مستند تلویزیونی و آثار جدید فیلمسازان ایرانی صورت می‌گیرد. مطالعه کتاب‌هایی که در باره تاریخ و فرهنگ ایران برای عامه کتابخوان به زبان آلمانی نشر و پخش می‌شود، نیز به این موضوع کمک

می‌کند. گرچه این گونه اطلاعات و آگاهی‌ها همیشه بی طرفانه و خالی از پیشداوری و عاری از شائبه‌های سیاسی نیست، اما به هر حال در آشنایی آلمانی‌زبانان با تمدن و فرهنگ و هنر ایران بی‌تأثیر نبوده است.

سفرهای تفریحی- فرهنگی نیز که بعضی موسسات جهانگردی، به خصوص در سال‌های گذشته، به علاقه‌مندان عرضه می‌کنند، یکی از راه‌های خوب شناخت ایران و آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان است. مطالعه آثار ادبی نویسندگان معاصر ایران، به ویژه ادبیات داستانی هم که در سال‌های اخیر گسترش یافته، با اقبال خوانندگان آلمانی زبان مواجه شده و در آشنایی بهتر آنان با فرهنگ و هنر ایران موثر بوده است.

اما آنچه تازگی دارد، رویکرد آلمانی‌زبانان به موسیقی اصیل ایرانی است که البته هنوز گستردگی مطلوب را ندارد. در رشته موسیقی‌شناسی دانشگاه برلین، بخشی به مطالعه تطبیقی درباره موسیقی اختصاص دارد که از جمله به موسیقی سنتی و کهن ایران و آسیای میانه نیز پرداخته می‌شود. حتی چند سال پیش از این، دانشجویی آلمانی پایان‌نامه خود را درباره «مقام سه‌گانه در موسیقی سنتی ایران و عراق» نوشته است.

## سنت ایران شناسی در آلمان شرقی

مطالعه در زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی در جمهوری دموکراتیک آلمان سابق نیز قابل ملاحظه بوده است. نمایندگان این سنت مطالعاتی اکثراً شاگردان استاد برجسته فقه‌اللغه ایرانی، یعنی "هاینریش یونکر" در سال‌های اخیر بودند. این رشته مطالعاتی به دانشگاه هومبولت در برلین شرقی منضم شده بود و "مانفرد لورنتس" آن راندریس می‌کرده است. "بزرگ علوی" نویسنده مشهور ایرانی نیز در سال‌های زیادی در همین گروه فعالیت می‌کرد.

جالب است که تحقیقات زبان‌شناختی محققان ایران‌شناس هومبولت، بر خلاف آنچه در آلمان غربی سابق مشهود بوده، عمدتاً متوجه زمان حاضر است و مهمتر از آن اینکه جنبه‌های علمی دارد و این

خود بازتاب و بیانگر تصور خاصی از علم و تحقیق در جمهوری دموکراتیک آلمان است که تفاوت‌های اساسی با سنت رایج در آلمان فدرال دارد.

اهتمام اصلی محققان ایران‌شناس جمهوری دموکراتیک آلمان به مساله فرهنگ‌نویسی و دستور زبان فارسی معطوف بوده و فرهنگ فارسی علوی و لورنتس، و دستور زبان پشتو از نتایج آن شمرده می‌شود. به ادبیات فارسی نیز توجه زیادی می‌شده است و ترجمه‌های فراوانی که از آثار فارسی به زبان آلمانی به عمل آمده، حاصل این گرایش بوده است. یکی از مهمترین این آثار، کتاب تاریخ و تطور ادبیات نوین ایران (۱۹۶۴) نوشته بزرگ علوی است. این کتاب، که بعد از گذشت بیش از دو دهه همچنان جامعترین و مفصلترین اثر در باره ادبیات جدید ایران است، هنوز به زبان انگلیسی ترجمه نشده است.

سومین زمینه مورد علاقه ایران‌شناسان جمهوری دموکراتیک آلمان سابق، تحقیق و مطالعه در باره زبانهای ایرانی متداول در جمهوریهای استقلال یافته شوروی، مثل زبان آسی و تاجیکی است.

دومین مرکز مطالعه در فقه‌اللغه ایرانی در ساحت سنتی "گروه فقه‌اللغه ایرانی" در آکادمی علوم جمهوری دموکراتیک آلمان سابق بوده که زیر نظر "ورنر زوندرمن" فعالیت می‌کرد.

این گروه، تحقیقات خود را بر روی مجموعه‌ای موسوم به "متون تورفان (طرفان)" متمرکز کرده بود که حاوی اسناد و متون بازیافته دین مانی توسط گروههای کاوشگر آلمانی اعزامی به تورفان در آسیای مرکزی در سالهای قبل از جنگ اول جهانی بوده است. بخش اعظم این متون و اسناد در برلین شرقی نگهداری می‌شدند.

در آلمان غربی سابق سه گروه دانشگاهی فعال بود که کماکان در هامبورگ و گوتینگن و برلین در زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی کار می‌کنند. زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی را در هامبورگ "رونالد امریک" تدریس می‌کرد که متخصص در زبان‌های ایرانی میانه، کردی و پشتو بود.

در برلین نیز این رشته را "گونبر گوبرخت" تدریس می‌نمود که تحقیقاتش را در زبانهای ایرانی کهن، میانه و جدید بسط داده و در زبان کردی نیز تحقیق می‌کرد.

به رغم تداوم این سنتها، در طول سالهای قرن بیستم تحولات قابل توجهی در تصور آلمانها از مطالعات ایرانی رخ داده است.

## ایران شناسی به عنوان بخشی از «اسلام شناسی»

در قرن نوزدهم در دانشگاه‌های کشورها و سرزمینهای آلمانی زبان، معمول بود که مطالعات زبان‌شناسی در همه زبان‌های غیر اروپایی (یعنی زبانهای آفریقایی و آسیایی) را کلاً تحت عنوان «مطالعات شرقی» طبقه بندی کنند. نمایندگان و محققان این زمینه تحقیقاتی همگی خود را نوعاً «شرق شناس» می نامیدند.

ایران‌شناسان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. با این حال، در پایان قرن نوزدهم زمینه های تحقیقاتی فرعی متعددی بوضوح از یکدیگر تمایز یافتند و بدین ترتیب زبان شناسی و فقه‌اللغه ایرانی به عنوان یکی از زمینه های تحقیقاتی مستقل، همچون هندشناسی، ترک شناسی، زبان شناسی سامی و فقه‌اللغه عربی ظاهر گردید.

در میان افراد غیر متخصص آلمانی زبان، هنوز هم به همه این رشته ها و زمینه های تحقیقاتی متمایز از هم، همان «شرق شناسی» (Orientalistik) گفته می شود. با این حال، کسی که امروزه در سرزمینها و کشورهای آلمانی زبان خود را «شرق شناس» بنامد، مرادش این است که در زبانهای غیر اروپایی، بخصوص در زبانهای آسیا و شمال آفریقا، تحقیق و مطالعه می کند.

اسلام‌شناسی به عنوان یک رشته مطالعاتی از بطن شرق‌شناسی سربرآورد، اما آشکارا عناصری از زبان‌شناسی و سایر موضوعات و روشها را در خود داشت. این رشته یا زمینه مطالعاتی برخورد زبان‌شناسانه با زبانهای عربی و فارسی و ترکی را با سؤلهایی ماهیتاً دینی درباره اسلام و نیز تاریخ و ادبیات خاورمیانه در هم آمیخته بود.

در قرن بیستم میلادی، متدلوزی یا روش شناسی تحقیق درباره اسلام به مدد رشته های علوم سیاسی و تاریخ و انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی توسعه یافت و در بسیاری از دانشگاهها رهیافتها و مفاهیم بسیار متنوع و بدیعی در مطالعات اسلامی مطرح شد. مشخصه این گرایش کلی، تلاش فزاینده ای است برای غلبه بر میراث زبان‌شناسانه شرق‌شناسان در یکی جلوه دادن این زمینه مطالعاتی با زبان‌شناسی و فقه اللغه.

در آلمان، اسلام‌شناسی همواره بر مدار منابع و زبان عربی استوار بوده است. این درست نقطه مقابل گرایشی است که در اتریش در زمینه مطالعات اسلامی شایع است. چرا که رویارویی و درگیریهایی چند قرنی خاندان هابسبورگ با امپراتوری عثمانی باعث شده بود که عده‌ای از شرق‌شناسان اتریشی قرون نوزدهم و بیستم میلادی توجه عمده خود را به جای عربی به زبان ترکی معطوف کنند و این امر ایشان را به «کشف» زبان فارسی به عنوان مهمترین زبان فرهنگی امپراتوری عثمانی رهنمون کرد.

«یوزف فن هامر پورگشتال»، محقق برجسته اتریشی، بر اساس همین گرایش، سنت مطالعاتی را در این کشور پایه‌ریزی کرد که بعدها به آلمان نیز سرایت یافت.

مشخصه این سنت مطالعاتی توجه جدی به تاریخ و نیز ادبیات خاور نزدیک اسلامی در قرون میانه و جدید، با تأکید عمده بر زبان ترکی و در مرتبه بعد زبان فارسی است. البته روشن است که زبان عربی حتی در این سنت نیز جایگاهی جدی دارد و از یاد نرفته است. به همین قیاس، دین اسلام نیز در این سنت مطالعاتی به عنوان جریانی که از نظر تجربی پیامدهای مهمی داشته است، تلقی و بررسی می‌شود و به ندرت به عنوان موضوعی جداگانه مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌گیرد.

با این حال نمایندگان این سنت و نسل‌های بعدی ایشان خود را در وهله نخست اسلام‌شناس و شرق‌شناس می‌دانند و در مرحله بعد، محققانی که کمابیش دستی نیز در زبان‌شناسی کاربردی زبانهای شرقی دارد، می‌پندارند. تا همین اواخر، تاریخ و ادبیات ایران اسلامی به ندرت موضوع تحقیق مورخان حرفه‌ای و یا محققان حوزه ادبیات قرار می‌گرفت.

عدم توجه متخصصان مجرب و کارآموده تاریخ و ادبیات به تاریخ و ادبیات ایران اسلامی باعث می‌شود که همان نحوه دیرین تحقیق به عنوان یگانه راه و رهیافت مطالعه درباره تاریخ و ادبیات ایرانی-اسلامی باقی بماند.

در این میان تنها جمهوری دموکراتیک آلمان توانسته بود تا حدودی بر این مشکل فایق آید. در این کشور مطالعه درباره ادبیات ایران مشغله اصلی ایران‌شناسان بود. اما به تاریخ ایران، که باید از جمله زمینه‌های مورد علاقه مورخان باشد، چندان توجهی نمی‌شد. البته این بی‌توجهی به ایران و اسلام در سایر رشته‌ها، مثل جغرافیا، علوم سیاسی، انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی، باستان‌شناسی، و تاریخ



هنر مصداق ندارد. با این حال، در نتیجه این تقسیم کار، مشکل بتوان محققانی را در این زمینه ها یافت که قابلیت‌های زبانی یا زبان شناسانه شان بتواند با قابلیت‌های زبان شناسانه اسلام شناسان برابری کند.

یک ویژگی مشخص دیگر این وضع که هم جنبه ی مثبت دارد و هم جنبه ی منفی، آن است که بسیاری از اسلام‌شناسانی که در تحقیق درباره ایران مشارکت می‌جسته‌اند، توجه خود را منحصرأً به مسایل مربوط به ایران معطوف نمی‌کردند. این وضع یا گرایش تا مدت‌های مدیدی باعث شده بود که به اسم ایران، به موضوعات و مسایل عربی تأکید شود. در همین احوال، مطالعه درباره زبان و تاریخ و فرهنگ امپراتوری عثمانی و ترکیه خود به زمینه مطالعاتی مستقلی در کشورها و سرزمین‌های آلمانی زبان تبدیل می‌گردید.

فراهم آمدن این زمینه جدید مطالعات عثمانی حاصل همکاری محققان ترک شناس با محققان اسلام‌شناس بوده است که به مسایل و موضوعات عثمانی بی‌علاقه نبوده‌اند.

در عرصه مطالعات اسلامی- ایرانی نیز تحول مشابهی رخ داده است. هر چند نتایج همکاری‌های محققان ایران‌شناس با اسلام‌شناسان در این عرصه هنوز به اندازه حاصل این همکاری در مورد ترکیه امیدوار کننده و رضایت بخش نیست.

در نتیجه همه این امور و عوامل، هنوز مطالعه درباره زبانها و تاریخ و فرهنگ ایران دوره اسلامی، به عنوان یک رشته مشخص تحقیقاتی، مبانی روشن و منظمی نیافته است.

تحولاتی که از سال ۱۹۷۹ به این سو در مطالعات ایرانی (در کشورهای آلمانی زبان) روی داده، این وضع را به روشنی نشان می‌دهد. دشواری‌های برقراری ارتباط با محققان و نهادها و مؤسسات تحقیقاتی ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی باعث گردیده است که بسیاری از اسلام شناسان آلمانی زبان که پیشتر به تحقیق و مطالعه درباره ایران بی‌علاقه نبوده‌اند، توجهشان را بیشتر به جانب موضوعات و مسایل اعراب معطوف بدارند. همچنانکه برخی از ایران‌شناسان آلمانی زبان نیز (به سبب همین دشواریها) علاقه و توجهشان را از مسایل و موضوعات معاصر ایران به موضوعات و مطالب تاریخ باستان ایران برگردانده‌اند.

## زبان، تاریخ و فرهنگ ایران در دوره اسلامی

سابقه‌گرایی آلمانیها بر روی زبانها و تاریخ و فرهنگ در مطالعات اسلامی و ایرانی را باید در نیمه نخست قرن بیستم جستجو کرد. در میان محققانی که توجه جدی‌تری به زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی داشته‌اند.

"هانیس هاینریش شیدر"، "ولفگانگ لنتس" و "والتر هینتس" از دیگران مشهورترند. "شیدر" در سالهای پیش از جنگ دوم جهانی استاد زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی در دانشگاه برلین بود و بعداً به گوتینگن رفت. "هینس" نیز تا دهه ۱۹۷۰ استاد زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی در گوتینگن بود و "لنتس" سالهای متمادی همین سمت را در دانشگاه هامبورگ داشت.

به نظر هر سه ایران‌شناس مذکور، در همان اوایل دهه ۱۹۳۰ و حتی پیشتر از آن محدود کردن سنت مطالعات ایران‌شناسی به زبان‌شناسی محض بیش از حد تنگ نظرانه آمد. "شیدر" حوزه عمل خود را به مطالعه درباره مسایل تاریخ عمومی و بررسی تطبیقی تمدنها توسعه داده بود و درباره سهم ایران در تطور تمدن بشر نیز تحقیق می‌کرد. باید خاطر نشان ساخت که دقیقاً از رهگذر همین نحوه برخورد با مطالعات ایرانی بود که موضوعات قرن نوزدهمی فوق‌الذکر و بخصوص عطش یافت آبشخورها و منشأهای اولیه «نژاد آریایی» بار دیگر در هیات نوینی مطرح گردید. همین جریان بناگزیر "شیدر" را به مفاهیم فرهنگی ایدئولوژی ناسیونال سوسیالیستی نزدیک ساخت.

"ولفگانگ لنتس" بیش از هر امر دیگری مشتاق بود که زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی را با استفاده از روشها و سؤالاتی که به علوم اجتماعی و انسان‌شناسی مربوط می‌شد، تقویت کند.

هدف واقعی مطالعه در زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی از نظر او عبارت بوده از تحقیق در پیشینه اوضاع و احوال اجتماعی - فرهنگی مردم ایران. به زعم او تحقیق در این مطالب می‌تواند به زبان‌شناسی و فقه‌اللغه، که دیگر از نظر او هدف غایی نیست بلکه خود وسیله وصول به یک هدف واقعی دیگر است معنای تازه‌ای ببخشد.

"والتر هینتس" در سال ۱۹۳۶ کتابی تحت عنوان ظهور ایران به عنوان یک دولت ملی در قرن پانزدهم منتشر کرد و با این کار در آلمان راه تازه‌ای در مطالعه تاریخی در باب ایران اواخر قرون

وسطی گشود. این نخستین باری بود که او درباره موضوعی تحقیق می کرد که در جای دیگر، یعنی روسیه، مطالعه آن آغاز شده بود.

معطوف شدن توجه جدی محققان تاریخ روسیه تزاری به ایران، بی شک با علایق استعماری نیرومند امپراتوری روسیه در آسیای مرکزی و ایران مربوط بود. با این حال تعلق خاطری که میان شرق شناسان روسیه نسبت به تاریخ ایران پدید آمد، نیز همان اندازه اهمیت داشت.

از رهگذر عنایت جدی محققانی همچون «خانیکف»، «دورن» و از همه مهمتر «و. بارتولد» به این جریان، مکتب برجسته‌ای در مطالعات تاریخی درباره ایران و آسیای مرکزی در بطن مطالعات روسها درباره اسلام پدید آمد. شخصیتی که بیش از همه در انتقال سنت این مکتب مطالعاتی به فرانسه و کشورها و سرزمینهای انگلیسی زبان نقش داشت کسی جز «ولادیمیر مینورسکی» نبود.

در آلمان والتر هینتس با تحقیقات تاریخی خود درباره ایران دوره قرون وسطی و اوایل عصر جدید سنت دیرپایی در مطالعات ایرانی به وجود آورد که هم شامل زبانشناسی و فقه اللغه ایرانی می شد و هم شامل اسلام شناسی. هانس روبرت رومر و برتولد اشپولر از همان ابتدای این جریان با هینتس و برای او کار می کردند. بعدها رومر به مقام استادی درس (تاریخ) اسلام در دانشگاه فرایبورگ رسید و سالها در این مقام ماند، در حالی که علایق خاص و مشخص اشپولر در زمینه مطالعات ایرانی به محدوده زمانی اوایل عصر اسلامی تا پایان دوره مغول محدود گردید، رومر همچون خود هینتس، بیشتر در مورد خاندانها و سلسله های بعد از مغول، مثل تیموریان و ترکمانان، تا سقوط صفویه در اوایل قرن هجدهم میلادی به مطالعه پرداخت.

این اقدامات و تحقیقات، تاریخ ایران در دوره های قبل از عصر جدید را در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم به صورت حوزه مطالعاتی ارزشمند و بالنسبه گسترده ای در دانشگاههای آلمان در آورد. برخلاف وضعی که در مورد مطالعات درباره عثمانی رخ داد، هیچ کدام از سه محقق ایرانیشناسی اخیرالذکر بر آن نشدند که مطالعه در تاریخ ایران دوره اسلامی را به رشته مطالعاتی مستقلی تبدیل کنند. در حالی که هینتس، تأکید بر نگرش تاریخی را وسیله توسعه به حق حوزه مطالعات ایرانی می دانست.

اشپولر و رومر چشم انداز تاریخی را وسیله گسترش دامنه مطالعات اسلامی می شمردند. هینتس پس از سال ۱۹۶۰ بیش از پیش به موضوعات ایران باستان علاقه یافت و تا حدود بسیار زیادی از مطالعات

پیشین خود درباره تاریخ ایران در قرون وسطی و دوران پیش از عصر جدید دست کشید. علاقه روز افزون او، از آن پس به مطالعه درباره تمدن و زبانهای هخامنشیان و ایلام باستان گراییده است.

وجه امتیاز رومر، جدای از کاری که در مورد تاریخ ایران کرده، تحقیق گسترده‌ای بوده است که در تاریخ مصر اواخر قرون وسطی، بویژه در دوره ممالیک انجام داده است. اما اشپولر هیچگاه رشته پیوند علایق ایرانی خود را با تعلق خاطر آشکارش به تاریخ دینی اسلام و نیز ترک‌شناسی نگسسته است. او و رومر هر دو همواره درصدد بوده‌اند که در تحقیقات و نیز دروس خود سراسر عرصه اسلام‌شناسی را بشناسانند. رهیافت و نگرش چندوجهی ایشان، که آن را به شاگردان خود نیز انتقال داده‌اند، برای خود مزایایی دارد. اما در عین حال، این رهیافت و نگرش چندوجهی جنبه یا جنبه‌های ابهام‌انگیزی نیز دارد که عملاً سبب گردیده است این مکتب مطالعاتی در اسلام‌شناسی و فقه‌اللغه‌زبانهای ایرانی به رسمیت شناخته نشود. بازتاب‌های این امر را در انتخاب دانشجویان دانشگاهی سه استاد مزبور می‌توان دید، جای هینتس را در دانشگاه گوتینگن «ایران‌شناس» برجسته‌ای گرفت که در فقه‌اللغه متبحر بود و دلبستگی شدیدی به تحقیق در زبانهای کهن ایرانی داشت، در حالی که رومر و اشپولر کرسیهای خود را به نمایندگان ممتاز اسلام‌شناسی واگذاشتند. به هر حال هیچیک از این دانشجویان همه‌اهتمام خود را مصروف تحقیق در زبانها و تاریخ و فرهنگ ایران دوره اسلامی نکرده‌اند.

تنها دو دانشگاه در آلمان وجود داشت که تحقیق و مطالعه نهادی درباره تاریخ و فرهنگ و جامعه ایران در دوره اسلامی در آنها کمابیش جدی گرفته می‌شد. یکی از این دانشگاهها همان توپینگن بود که رهبری این مطالعات بر عهده «هاینتس گائوبه» بود، دیگری دانشگاه برلین غربی بود که اداره مطالعات ایرانی در آن با «برت گ. فراگنر» بود. با این حال، تلاشهایی که برای قبولاندن شایستگی مطالعات ایرانی برای تبدیل شدن به یک رشته تمام‌عیار دانشگاهی در چارچوب ایران‌شناسی می‌شده است همچنان بی‌وقفه ادامه دارد.

## روند مطالعه در باره تمدن ایرانی به عنوان بخشی از مطالعات اسلام‌شناسانه

### ادبیات

یکی از برجسته‌ترین چهره‌ها در زمینه مطالعات اسلام‌شناسانه در آلمان قرن بیستم «هلموت ریتز» است. او تحقیق در زبان‌شناسی و فقه‌الغیه و نیز تجزیه و تحلیل علمی اسلام را از لوازم ضروری فهم فرهنگ سنتی اسلام می‌دانست و لذا گستره تحقیقات و مطالعاتش از صرف پرداخت به موضوعات و مطالب ایرانی یا فارسی بسیار فراتر می‌رفت.

او هر گاه می‌خواست توجه خود را به نحو جدی به مطالعه در باره ایران معطوف بدارد، بیشتر در باره فصول مشترک ادبیات با اسلام و یا به عبارت دقیقتر، شعر و تصوف تحقیق می‌کرد.

نوع نگرش و رویکرد او به شعر ایرانی و (عمدتاً) تصوف ایرانی به صورت سرمشقی برای شاگردان او و نیز نسل‌های بعدی اسلام‌شناسان آلمانی زبان در آمد. محققان ایران‌شناس و اسلام‌شناس آلمانی زبان کنونی مدیون تحقیق بسیار ارزشمند او در باره مجاز و استعاره در شعر نظامی (۱۹۲۷) و نیز اثر عظیم و ماندگار او تحت عنوان «دربای جان» (۱۹۵۵) هستند که تحقیقی بسیار ممتاز در باره اصطلاحات و تعبیر ادبی و دینی حوزه‌های عرفانی و صوفیانه فریدالدین عطار است.

در سال‌های اخیر «فریتس مایر»، اسلام‌شناس برجسته سوئسی و از اساتید دانشگاه بال، در همین زمینه‌ها به مطالعه اشتغال داشته است.

خانم «آنه ماری شیمل»، محقق برجسته آلمانی که بیشتر به مطالعات اسلامی اشتغال داشت نیز در کارهای خود توجهی جدی به شعر و عرفان ایرانی مبذول داشته است. او بیشتر آثار خود را به زبان انگلیسی نوشته و لذا در میان محققان و کتابخوان‌های انگلیسی‌زبان بخوبی شناخته شده است. یکی از ویژگی‌های آثار او توجهی است که وی به تاثیر عنصر هندی در ادبیات فارسی کرده است.

در میان محققان و وابستگان به محافل روشنفکری غیر دانشگاهی آلمان غربی (سابق)، هیچ‌کس به اندازه شیمل در انظار محققانی که در باره ادبیات ایران تحقیق می‌کنند، شهرت نیافته است.

«یوهان کریستف بورگل»، محقق آلمانی که در حال حاضر با دانشگاه زوریخ همکاری می‌کند، با تحلیل‌ها و ترجمه‌های ادبی خود پیوند‌هایی بین ادبیات قدیم و جدید برقرار نموده است.

«رودلف گلپگه»، محقق سوئیسی که در طول حیاتش از هر آلمانی زبان دیگری با ادبیات جدید ایران آشناتر بود نیز نقب‌هایی از ادبیات جدید به ادبیات کهن ایرانی زده بود. او شاگرد «فریتس مایر» بود. از جمله متخصصان دیگر آلمانی زبان در زمینه ادبیات ایران که لازم است در اینجا یاد شود «ابرهارد کروگر» از مونیخ بود. ممتازترین اثر او در زمینه تحلیلی پیرامون آثار صادق هدایت (۱۹۷۷) است.

«گوتفرد هرمان»، از استادان دانشگاه گوتینگن، نیز در باره نثر جدید فارسی کار کرده است. او با فرامرز بهزاد، متخصص ادبیات آلمانی در دانشگاه تهران، ترجمه آلمانی مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه فارسی متعلق به قرن بیستم (بهزاد، بوگل، هرمان ۱۹۷۸) را انجام داده است.

بخش اعظم ترجمه‌های آلمانی از ادبیات فارسی کار آن عده از محققان دانشگاهی است که در زمینه فقه‌اللغه کار می‌کنند. این جریان خصوصاً در مورد محققان ایران‌شناس جمهوری دموکراتیک آلمان سابق، که ترجمه آثار ادبی ایران را یکی از وظایف مهم و عمومی متخصصان دانشگاهی می‌دانستند، صادق است.

کارهای «مانفرد لورنتس» و «ورنر زوندرمن» از بهترین مصادیق این مدعاست. پیشتر به نقش پیشگامانه اثر بزرگ علوی در زمینه تاریخ ادبیات نوین اشاره کردیم.

سرانجام لازم است که در این مقوله به ادبیات اصطلاحاً عامیانه نیز اشاره کنیم. سهم محققان دانشگاهی در این زمینه اندک و پراکنده است. در این راستا «کسانا هاگ هیگوشی» و «اولریش مارتسولف» در اثر خود (۱۹۸۴) به تجزیه و تحلیل داستان‌های عامیانه فارسی پرداخته‌اند.

تحقیق «اینگرگ تالهامر»، ترک‌شناس اتریشی مقیم بامبرگ در باره ترانه‌ها و آوازهای عامیانه ازبک‌های شمال افغانستان (۱۹۸۴) نیز از آن جهت که ازبکها دو زبانه (ازبکی و فارسی) اند در اینجا قابل ذکر است.

## مطالعات فرهنگی - تاریخی ایرانی در دانشگاه توپینگن و «اطلس خاور نزدیک

### توپینگن»

«هاینتس گائوبه» در «سمینار شرقی دانشگاه توپینگن» زمینه تحقیق تازه و بدیعی را در حوزه مطالعات ایرانی مطرح و معرفی کرد که ریشه در دو زمینه سنتی تر تحقیقات ایران شناسی دارد. بدین معنی که او فقه اللغه ایرانی و عربی را به نحوی خلاق و پویا با فنون و دقایق باستان شناسی و جغرافیا تلفیق کرده و با این کار به رهیافتی در خور توجه در طرح سوالاتی در باره تاریخ اسکان و ابنیه در فلات ایران رسیده است.

نتایج این تحقیق در بررسی پردامنه گائوبه در باره تاریخ اسکان و ارتباطات در ایالت اَرْجان - کهکیلویه در جنوب ایران، از آمدن اعراب تا پایان عصر صفوی (۱۹۷۳) و هم در تحقیق و تالیف او به زبان انگلیسی در باره تاریخ شهرسازی سنتی، تحت عنوان شهرهای ایران (۱۹۷۹) و سرانجام در بررسی تحلیل گرانه او به اتفاق «اویگن ورت» در باره بازار اصفهان (۱۹۸۷) منعکس است.

یکی از بهترین آثاری که در این زمینه چند وجهی یا میان رشته ای تحقیقات ایرانی انتشار یافته، اطلس خاور نزدیک توپینگن است.

در اینجا لازم است که علاوه بر تعداد کثیری نقشه های جغرافیایی و تاریخی و فرهنگی و اجتماعی از برخی آثار منتشر شده دیگر که به این طرح مطالعاتی ارتباط دارند، یاد شود. یکی از این آثار تالیف «هاینتس هالم» (۱۹۷۴) است که در آن گسترش مذهب فقهی شافعی در ایران قرون میانه به تفصیل بررسی شده است.

«دروتی کراولسکی» نیز دو اثر مهم در زمینه جغرافیای تاریخی نوشته است: یکی بررسی تاریخی - جغرافیایی در باره ایران دوره ایلخانان در قرون هفتم و هشتم هجری (۱۹۷۸) و دیگری تحلیلی زبانی و محتوایی در باب وصف خراسان در جغرافیای حافظ ابرو (تاریخ نگار و جغرافیدان مشهور ایرانی در عصر تیموری).

## دین و مذهب و تاریخ علم

بنابر آنچه پیشتر گفته شد، روشن گشت که بیشتر مطالعات محققان آلمانی زبان در باره مسائل دینی و مذهبی ایران در آثار تحقیقی ایشان در باره مسائل ادبی و تاریخی ایران مندرج است. از نام آورترین محقق آلمانی زبانی معاصر که در باره عرفان ایرانی کار کرده، یک مورخ ادیان از میان دانشجویان «فریتس مایر» به نام «ریچارد گراملیش» است. کتاب سه جلدی طریقه های درویشی شیعی در ایران (۱۹۶۵، ۱۹۷۶ و ۱۹۸۱) که هیچ کتابخانه جدی در ایران از داشتن آن بی نیاز نیست، اثر اوست. این اثر سه جلدی در واقع دایره المعارف عظیمی در باره تصوف از نظر زندگی اجتماعی و روحانی ایران کنونی است.

گراملیش یکی از محققان پر اثر در این زمینه است. با این حال وی در سایر آثارش توجه چندانی به ایران نداشته است. تحقیق و مطالعه در باره الهیات شیعه اثنی عشری سالیان متمادی دستمایه مرحوم پروفیسور عبدالجواد فلاطوری، استاد درس اسلام در دانشگاه کلن بوده است. در تحقیقات و مطالعات او نیز ایران شناسی در کانون توجه نبوده است. فلاطوری در سالهای اخیر در زمینه تحلیل عناصر دینی در کتابهای درسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران تحقیق می کرده است.

کاری که «هارلد اوشنر»، متخصص حقوق دانشگاه ارلانگن در باره اصول فقه شیعه امامیه کرده است (۱۹۷۰)، هرچند از مدار بحث حاضر ما خارج است، اما دریغ است که در همین حد نیز بدان اشاره نشود. اکثر متخصصان اسلام شناس آلمان هنوز برای مطالعه در باره شیعه اثنی عشری منزلت در خوری قایل نیستند. متأسفانه محققانی هم که به طور تخصصی و حرفه ای در باره شرایع مختلف تحقیق می کنند، کمترین توجهی به مسائل فقه اسلامی ندارند.

در باره مطالعاتی که در زمینه تاریخ دینی و مذهبی ایران عصر صفوی شده بوده، اجمالاً سخن گفتیم. لازم بذکر است که انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن چندان مورد توجه و تحقیق ایران شناسان آلمانی قرار نگرفته و جز چند مقاله محققانه (انده ۱۹۸۰، فراگتر ۱۹۸۳، رومر ۱۹۸۲) مطلبی در باره آن نوشته نشده است.

در اینجا تنها باید به دو رساله فوق لیسانس که به هر حال بارقه هایی از عنایت به این جریان دارند، اشاره کنیم. یکی از دو رساله در حوزه اسلام شناسی تهیه شده است و دیگری در فقه اللغه ایرانی.



رساله نخست توسط «یورگن یاکوبیس» در باره ذهنیت تاریخی شهید مرتضی مطهری تنظیم شده است. رساله دوم نیز تحقیقی است که فاطمه سمازاده در باره «اسلامی کردن» کتاب ها و برنامه های درسی ایران در سالهای بعد از انقلاب اسلامی فراهم آورده است (۱۹۸۶).

علاوه بر این ها، لازم است از نخستین رساله دکتری که در حوزه مطالعات اسلام شناسانه آلمانی در باره جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است، یاد کنیم. این رساله (۱۹۸۵) حاصل تحقیق «سیلویا تلباخ» در باره قانون اساسی سال ۱۳۸۵ ایران است و وی آن را در دانشگاه فرایبورگ زیر نظر استاد رومر گذرانده است.

توجه محققان ایران شناس و اسلام شناس آلمانی زبان به جنبش ها و سنت های شبه دینی و یا جوامع اقلیت غیر مسلمان در تاریخ ایران معاصر نیز بسیار کم و محدود بوده است. توجه جدی فرهاد سبحانی، ایران شناس ایرانی و مدرس دانشگاه آزاد برلین، به عقاید بابیه و بهائیه در خلال تدریس و تحقیق خود، یکی از این موارد است. سایر جوامع و گروه های مذهبی همچون یزیدیها و اهل حق نیز گاهی موضوع تحقیقات اجتماعی و انسان شناسی قرار گرفته اند.

در سراسر این تحقیقات معدود و پراکنده به جامعه اقلیت زرتشتیان امروز ایران تقریباً هیچ توجهی نشده است. در باره مسیحیان ایرانی نیز بندرت، آنهم در خلال مطالعات سامی، تحقیق شده است.

توجه «رودلف ماکوخ»، محقق سامی شناس دانشگاه برلین به ماندایی ها یا صابئین و زبانشان (۱۹۷۶) از همین دست است. اما هیچ مطلبی که به زبان آلمانی در باره یهودیان دوران جدید و معاصر ایران نوشته شده باشد، نمی توان یافت.

## علوم سیاسی و تاریخ معاصر ایران

منطقه خاور نزدیک و میانه حداکثر بیست سال است که به صورت زمینه ای مطالعاتی برای رشته های علوم سیاسی دانشگاه های آلمانی زبان در آمده است و در همین مدت به نحو روز افزونی مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است. با این حال رویکرد به مسائل و موضوعات ایران در این مطالعات جنبه کاملاً

فرعی دارد و نسبت به مسائل و موضوعات جهان عرب، منازعات اعراب و اسرائیل و جمهوری ترکیه، کمتر به آن توجه می‌شود.

روشن است که این چنین رویکردی به مسائل سیاسی معاصر ایران با اهمیتی که روابط بازرگانی با ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی برای آلمان داشته، همساز و هماهنگ نبوده است.

روشنفکران آلمان غربی سابق نیز به نوبه خود از دهه ۱۹۶۰ به این سو نظری منتقدانه نسبت به ایران داشته‌اند. مواضع ایشان در این زمینه عمدتاً معطوف به همبستگی سیاسی با جریان‌های مخالف نظام در ایران شده که برای قاطبه کتابخوان‌های آلمانی نوشته شده‌اند. البته بخش اعظم این آثار در سطح بالایی هستند و اکثر آنها را متخصصان علوم سیاسی که تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، نوشته‌اند.

با این حال تعداد آثار به تمام معنی محققانه که در این زمینه انتشار یافته‌اند، اندک است. به این معنی که بیشتر این آثار هر چند در سطح بالا و پیشرفته‌ای باشند، اساساً روزنامه‌نگارانه‌اند.

البته در مواردی کشیدن مرزهای مشخص بین آثار محققانه و روزنامه‌نگارانه کمابیش دشوار است، اما این مسلم است که آثار متعلق به هر کدام از این دو مقوله بر فرض‌های متفاوتی مبتنی هستند. این تفاوتها بویژه در متون دانشگاهی کشورهای آلمانی زبان کاملاً قابل تشخیص هستند. در طیف آثاری که بینابین آثار محققانه علوم سیاسی و آثار مشخصاً عمومی‌تر در این زمینه منتشر شده‌اند، می‌توان از کتاب ایران اولریخ گرکه و هارالد مینترت (۱۹۷۵) و کتاب ما و ایران فردریک کوخ واسر (۱۹۶۱) نام برد.

همچنان که گفته شد، حاصل تحقیقات صرفاً دانشگاهی در این زمینه بسیار اندک بوده است. هیچیک از موسسات تحقیقاتی علوم سیاسی در آلمان برنامه منظمی برای پرداختن به امور و مسائل ایران ندارند. در آلمان سابق هر جا هم که مثل ارلانگن و برلین غربی و یا موسسه آرنولد - برگستراسر در فرایبورگ توجهی جدی به تحقیق در مسائل خاورمیانه می‌شود، باز کشورهای عربی و ترکیه در کانون توجه و تحقیق قرار دارند.

در جمهوری دموکراتیک آلمان سابق هم وضع از همین قرار است. در آلمان شرقی سابق و خصوصاً در لایپزیک تحقیقات به اصطلاح چند وجهی در باره خاورمیانه بسیار پیشرفته‌تر از بقیه کشورهای آلمانی زبان است.

حاصل این گرایش به ویژه در سالهای اخیر دو اثر بسیار مهم در این زمینه بوده است. یکی از این دو اثر اولین و تا به امروز یگانه ترجمه آلمانی حکومت اسلامی امام خمینی (اینخرنسکا - حسن، ۱۹۸۳) است. اثر دیگر حاوی گزارش تفصیلی و در عین حال تحلیلی انقلاب اسلامی و پی آمدهای آن در ایران است که «اِرب»، و «فورتیگ» و «مولر» (۱۹۸۷) مشترکاً آن را تدوین کرده اند.

همچنان که انتظار می رفت، نویسندگان این کتاب که در آلمان غربی نیز عرضه گردیده است، در توصیف و تحلیل‌های خود از روش شناسی و نوع نگرش خاص معهود در علوم اجتماعی مارکسیستی - لنینیستی پیروی کرده اند. اما این دقیقاً همان نکته ای است که شکوفاتر بودن این گونه مطالعات را در آلمان شرقی نسبت به بقیه کشورهای آلمانی زبان توضیح می دهد.

در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ بنیاد فریدریش ابرت که پیوند های نزدیکی با حزب سوسیال دموکراتیک آلمان دارد، دو کنفرانس بین المللی در باره انقلاب اسلامی ایران برگزار کرد. مجموعه مقالاتی که در این دو کنفرانس عرضه شد به صورت کتابی به نام «ایران در بحران» (۱۹۸۰) در بن انتشار یافت.

همین بنیاد در سال ۱۹۸۴ کنفرانس دیگری برای بررسی مساله جنگ ایران و عراق برگزار کرد. آثار مهم دیگری که از این نقطه نظر در باره ایران و افغانستان منتشر شده است، همانهایی است که در موسسه مطالعات اجتماعی تطبیقی برلین فراهم آمده است.

در اینجا حتماً باید از دو اثر بسیار عالمانه ای یاد کرد که «بان - هیرن گرومه یر» و «کورت گروسینگ»، از محققان سخت کوش برلین غربی سابق، فارغ از هر گونه حمایت تشکیلاتی نگاشته و منتشر کرده اند (۱۹۸۰ و ۱۹۸۱). نویسندگان انگلیسی زبان در دومین مجلد سهم داشته اند (دین و سیاست در ایران، ویراسته نیکی کدی، نیوهیون، ۱۹۸۳)

متأسفانه مقالات آلمانی اثر مزبور به انگلیسی ترجمه نشده است تا مورد استفاده خوانندگان انگلیسی زبان قرار بگیرد.

در طول بیست یا سی سال گذشته، علمای علوم سیاسی توجه چندانی به ایران بعد از جنگ اول جهانی مبذول نکرده اند. با این حال احمد مهرداد، از مورخان و متخصصان ایرانی علوم سیاسی در آلمان در باره اوضاع و احوال ایران در سالهای بعد از جنگ اول تحقیقات منظمی انجام داده و مهمتر از همه آنکه

مناسبات ایران و آلمان را در دوره رضا شاه بر اساس اسناد و گزارش‌های بایگانی‌های آلمان (مهرداد ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۸۵) کاویده است.

سایر آثار این مقوله از مطالعات ایرانی بیشتر به صورت اتفاقی پدید آمده‌اند تا به عنوان نتیجه تحقیقات برنامه‌ریزی شده (مثلاً رواسانی «بدون تاریخ» زورر ۱۹۷۸).

یگانه موسسه تحقیقاتی آلمانی که بدون ارتباط با هیچ دانشگاهی به مسائل و موضوعات ایران امروز می‌پردازد، «موسسه شرق‌شناسی آلمان» در هامبورگ است که «اودواشتاین‌باخ» آن را اداره می‌کند. فصلنامه‌ای که این موسسه با نام Orient (شرق) منتشر می‌کند به طور منظم حاوی مقالاتی در باره ایران است.

### علوم اجتماعی و انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی

آنچه در باره فقدان برنامه‌روشنمندی در تحقیقات حوزه علوم سیاسی در باره ایران گفته شد، در باره تحقیقاتی که در حوزه علوم اجتماعی در کشورهای آلمانی زبان در زمینه ایران به عمل می‌آید به مراتب بیشتر صادق است. تحقیقاتی که از نظر علوم اجتماعی در باره موضوعات و مسائل ایران می‌شود سازمان‌یافته نیست و حتی در چارچوبی عالمانه و دانشگاهی نیز ارائه نمی‌شود، بلکه اتفاقی و صرفاً انفرادی است. در این حوزه نیز همچون حوزه علوم سیاسی، توجه عمده اکثر محققان جامعه‌شناس و انسان‌شناس آلمانی، که در مسائل و موضوعات خاورمیانه کار می‌کنند به جهان عرب و ترکیه معطوف است. یکی از استثناها توجهی است که به افغانستان مبذول می‌گردد، این گرایش که نوعی عنایت به موضوعات و مسائل «ایرانی» شمرده می‌شود در فصل نهم همین نوشتار مورد بحث قرار خواهد گرفت.

در دهه ۱۹۷۰ مباحث جامعه‌شناسانه روشنفکران ایرانی و ترک در میان انسان‌شناسان اجتماعی آلمان که در باره خاورمیانه کار می‌کردند، باعث شد که به صورت بندی‌های اجتماعی دوران پیش از عصر جدید (در ایران) توجه اثر بخشی مبذول شود. یکی از نشانه‌های این جریان اقبالی بود که در سمینارهای دانشگاه‌های آلمان به کتاب اسلام و سرمایه‌داری «ماکسیم رودنسون» می‌شد. علاوه بر این میان این جریان و جریان به اصطلاح «مباحثات فتودالیسم» که بین مورخان آلمانی و مورخان

کشورهای دیگر برقرار شده بود، نوعی همخوانی وجود داشت. همه این جریان‌ها به مباحثاتی در باره مفهوم مارکسیستی «طریقه تولید آسیایی» و مفهومی که «ویتفوجل» از «استبداد شرقی» در نظر داشت راهبر شد، آن بخش از این مباحثات که به جامعه ایران مربوط می شد عمدتاً در قلمرو کار دانشجویان و معمولاً دانشجویان ایرانی بود که مقالات و مطالبی در سمینارهای جامعه‌شناختی ارائه می کردند. مهمترین مانع وسعت دادن و عمق بخشیدن به این مباحثات ایرانی عبارت بود از انقطاع کمابیش کامل ارتباط میان این متخصصان تاریخی نگر علوم اجتماعی و درسها و مباحثات ایران شناسان از نوع هینتس و رومر و اشپولر.

با این وصف «سوزان سرخوش» در رساله دکترای جامعه‌شناسی خود در دانشگاه مونستر کوشیده بود تا جامعه ایرانی قرن نوزدهم را بر اساس همان مفهوم «طریقه تولید آسیایی» تجزیه و تحلیل و بررسی کند (سرخوش ۱۹۷۵). موضوع کتابی که با ویراستاری «گئورگ استوات»، جامعه‌شناس دانشگاه بیلفلدف منتشر شد (۱۹۸۰) نیز صورت بندیهای اجتماعی (ایران) در دوره قبل از عصر جدید بود، با این تفاوت که استوات در این کتاب مفاهیم «طریقه تولید آسیایی» و «استبداد شرقی» را مورد انتقاد قرار داده بود.

اثر دیگر، کتابی است که «کورت گروسینگ» در باره اقتدار، اقتصاد و جامعه مقطع در تاریخ اجتماعی ایران نوشته است. جالب توجه است که تا این زمان هیچ یک از متخصصان آلمانی تاریخ ایران در زمینه های اسلام‌شناسی و زبان‌شناسی و فقه‌الغه نظر مشخصی در باره ساختارهای اجتماعی ایران در دوره قبل از عصر جدید اتخاذ نکرده اند. شاید یگانه استثناء در این مورد فراگنر باشد که در سال ۱۹۷۹ در کنفرانسی در وین، مطالبی در باره مسائل مربوط به ساختارهای اجتماعی قبل از عصر جدید در تاریخ ایران عرضه کرد.

در حوزه مطالعات انسان‌شناسی فرهنگی نیز گاه و بیگاه عنایتی به مسائل و موضوعات ایرانی می شده است. ولی توجه و تمایل مشخصی که این مطالعات به عشایر و اقلیتها داشته است چندان بر این توجه موردی و شماراندک موضوعات که از ایران انتخاب می شده، نیفزوده است و عنایتی که متخصصان این حوزه به مسائل ایران داشته اند حتی از توجهی که در حوزه مطالعات سیاسی و اجتماعی به مسائل ایران می شده نیز کمتر بوده است.

## جغرافیا

وقتی علوم اجتماعی نتوانسته باشد که انگیزه مهمی در کشورهای آلمانی زبان برای تحقیقات دانشگاهی در باره ایران باشد، وضع جغرافیا به خصوص جغرافیای فرهنگی، امری هویدا است.

بخش معتناهی از آثاری که در دیگر کشورها به همت متخصصان انسان‌شناسی اجتماعی فراهم می‌آید در آلمان غربی و اتریش در ذیل عناوین جغرافیا و جغرافیای فرهنگی طبقه بندی می‌شود.

ذکر فهرست تفصیلی آثار الرس در باره ایران در حوصله این نوشتار نیست. وانگهی او خود با نشر یک کتاب شناسی توصیفی کامل از آثار و تحقیقات جغرافیای آلمانی در باره ایران (۱۹۸۰)، آلمانی و انگلیسی) که طبعاً در بردارنده فهرست و مشخصات آثار خود او نیز هست، ما را از این وظیفه فارغ ساخته است. با این حال یکی از مهمترین آثار الرس که نمی‌توان بدون ذکر آن از این مرحله گذشت، کتاب مهمترین وجوه و جنبه‌های جغرافیای ایران (۱۹۸۰) اوست. این کتاب بی‌تردید جامع‌ترین بررسی جغرافیایی در باره ایران است و طبعاً همه کسانی که در باره جهات و جوانب جغرافیایی ایران تحقیق می‌کنند باید این کتاب را از جمله مراجع و منابع مهم خود بدانند.

مطالعات و تحقیقات الرس اساساً در باره روابط شهر و روستا و شبکه‌ها و ارتباطات محلی و منطقه‌ای در ایران است. بسیاری از دانشجویان او نیز به تحقیق و مطالعه در باره همین موضوعات علاقه یافته‌اند. سلسله انتشارات دانشگاه ماربورگ تحت عنوان مطالعات جغرافیایی ماربورگ، که بخش معتناهی از آن را مطالعه در باره ایران تشکیل می‌دهد، شاهد صادق این مدعا است.

حلقه دوستان و دانشجویان الرس بسیار گسترده است و در حقیقت بنوعی جنبه بین‌المللی دارد، زیرا مثلاً شامل محققانی همچون «مایکل بونین» از دانشگاه آریزونا و «مصطفی مومنی» از دانشگاه شهید بهشتی تهران و نظایر ایشان نیز می‌شود.

مشخصه بسیار برجسته مطالعاتی که به همت وابستگان به «مکتب الرس» انجام می‌شده تکیه و تاکید این مطالعات بر تحقیقات میدانی بوده است. «گوانتر شوایتزر» جغرافیدانی که معمولاً در دانشگاه توبینگن کار می‌کند و علایق خاصش به ایران شبیه علایق الرس است، همکار و همراه و تالی او نیز هست.

مرکز مطالعات جغرافیایی دیگری که در باره خاورمیانه تحقیق می کند، دانشگاه ارلانگن است، اما در آنجا مطالعه در باره ایران آن اهمیتی را که برای الرس و شوایتزر داشته است، ندارد.

در ارلانگن، «ولف دیتر هوتروف» بیشتر در باره آناتولی عثمانی و آناتولی جدید و سوریه و فلسطین کار می کند و «گوتنمایر» هم بیشتر به مطالعه در فعل و انفعالات کوچ نشینی و اسکان در هلال خصیب مشغول است. تنها «ویگن ور» در اینجا به نحو جدی و بیش از دیگران در باره ایران تحقیق می کند. از ورت علاوه بر کتابی که مشترکاً به قلم او و «هاینتس گائوبه» در باره بازار اصفهان منتشر شده آثار نومیاه و خلاقانه ای نیز در باره موضوعات کلی تر مربوط به ایران که مورد علاقه و توجه او بوده اند انتشار یافته است.

دو مقاله ابتکاری و راهگشایی که او در باره شهر اسلامی و ساختار «بازار» نوشته (۱۹۷۴ و ۱۹۷۵) از این جمله اند.

جز در جمهوری دموکراتیک آلمان سابق، اکثر جغرافیدان های کشورهای آلمانی زبان که در باره خاورمیانه تحقیق می کنند با مفهوم «سرمایه داری بهره بری» سروکار دارند و آن را یا با نظر مثبت و یا با نظر انتقادی به کار می برند. این مفهوم را که تصور می شود از جمله ویژگیهای اقتصادی خاورمیانه ای در دوره پیش از عصر جدید بوده است، درحوالی سال ۱۹۵۰ «هانس بوبک» جغرافیدان اتریشی، به عنوان نظریه ای ابداع و ارائه کرد.

بوبک از آن جمله جغرافیدانان وین بود که از سالها پیش از جنگ دوم جهانی توجه فعالانه ای به ایران داشتند. او و محققان دیگری همچون «استراتل - ساور» به مرور شبکه سنجیده و مفصلی از مبانی تحقیقات میدانی به وجود آوردند که در دهه های اخیر در تحقیقات خود ایشان و دانشجویانشان بسیار مفید واقع شده است. نظریه «سرمایه داری بهره بری» اساساً حاصل سالها تحقیقات میدانی و بلاواسطه هانس بوبک در باره ایران بوده است.

این نظریه به بوبک امکان داد تا از این رهگذر توجه دانشجویان و همکاران جوانترش را در اتریش و آلمان غربی سابق به ایران جلب کند. این نظریه که مدلی اجتماعی - اقتصادی برای توضیح عقب ماندگی جهان سوم ارائه می کند، سرانجام مقبولیتی بین المللی یافت و در کشورهای مثل آمریکا و فرانسه متداول شد و در عین حال مورد انتقاد قرار گرفت. برخی از دانشجویان بیست ساله گذشته بوبک

امروزه از جمله ایران‌شناسان ثابت قدمی هستند که تحقیقات و مطالعات در خور توجهی در باره موضوعات اجتماعی و جغرافیایی ایران کرده‌اند.

«سگر» که در باره ساختار شهری و بویژه در باره بازار تهران تحقیقاتی کرده (۱۹۷۹) یا «پوزدنا» که حاصل مطالعات خود را در باره قبایل و اشتغالات روستایی در بلوچستان منتشر کرده (۱۹۷۵ و ۱۹۷۸) از آن جمله‌اند.

در زمینه جغرافیا همکاری بسیار نزدیکی میان جغرافیدانانی که تاکید اصلی آنان بر مطالعه در باره ایران است با اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان برقرار است و این وضع با آنچه در حوزه مطالعات علوم اجتماعی در باره ایران گفته شد، تفاوتی فاحش دارد.

## تاریخ

### مکتب تاریخ «والتر هینس»، «هانس روبرت رومر» و «برتولد اشپولر»

از سال ۱۹۴۵ به این سو، عده‌ای از محققان ایران‌شناس آلمانی تحصیلات دانشگاهی خود را در بستر سنتی که سه استاد مزبور فراهم آورده بودند، گذرانده‌اند.

در این بخش از این گزارش تنها از کسانی سخن خواهیم گفت که یا از جمله شاگردان این سه استاد بوده‌اند و بیشتر از بقیه احساس دلبستگی و تعلق به رهیافت تاریخی مزبور داشته‌اند و یا هر چند شاگردان بلاواسطه این سه استاد نبوده‌اند، اما قویاً از سنت نگرش تاریخی ایشان تاثیر پذیرفته‌اند.

ضمناً لازم است در همین مقام توضیح دهیم که بسیاری از محققان این دو گروه تحقیقات خود را صرفاً به موضوع تاریخ ایران محدود نکرده، بلکه اغلب به زمینه‌ها و موضوعات دیگری نظیر فقه اللغه ایرانی، اسلام و یا حتی ترک‌شناسی نیز پرداخته‌اند.

وجه برجسته‌ای که از همان ابتدا تاکنون در زمینه مطالعه تاریخ در باره ایران در آلمان وجود داشته، شکل و شیوه وقایع‌نگاری بوده است.



خلاء های محسوس اطلاعات در تحقیق تاریخی در باره ایران تفوق این شیوه را تضمین می کرده است. در این زمینه علاوه بر اثر پیش گفته هینتس در باره تاریخ ایران قبل از به قدرت رسیدن صفویان، لازم است از اثر سترگ اشپولر در باره تاریخ ایران در اوایل عصر اسلامی و عهد مغول (که تحت عنوان تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی در دو جلد، به ترتیب به قلم دکتر محمد جواد فلاطوری و خانم مریم میراحمدی به فارسی ترجمه و منتشر شده است) و نیز اثر رومر در باره تاریخ ایران از قرن چهاردهم تا قرن هیجدهم نیز یاد شود.

تاکید خاص این مکتب تاریخی بر روی اسناد، نهادهای و تشکیلات دیوانی است و همین نگرش به فراهم آمدن ارزشمندترین آثار محققان و متخصصان ایران شناسی آلمانی در باره تاریخ قرون میانه و اوایل عصر جدید ایران راهبر شده است.

والتر هینتس به پیروی از مینورسکی در تصحیح و ترجمه تذکره الملوک کتابی در باره مبانی و ترتیبات اخذ مالیات ها (در ایران) از سال ۱۳۶۳ به این سو منتشر کرد. (هینتس ۱۹۵۲)

برخی از دانشجویان هینتس نیز (مثل «نجات گویونج»، ۱۹۶۲؛ «میرکمال نبی پور»، ۱۹۷۳) رساله های خود را در باره متون دیگری در باره امور مالی ایران از اواخر قرون وسطی به این سو نوشتند.

توجه اولیه هانس روبرت رومر به متون «انشاء» (ادب الکاتب) معطوف بود. وی علاوه بر آثاری که همچون مکاتبات و رسایل دیوانی دوره تیموریان (۱۹۵۲)، خود در این زمینه منتشر ساخته، دوستان و دانشجویان زیادی را نیز به تحقیق در این زمینه تشویق کرده است.

اثر «هریبرت هرست» در باره حکومت و تشکیلات دیوانی در عهد سلاجقه و خوارزمشاهیان (۱۹۶۴) و تصحیح و ترجمه آلمانی «نامه نامی خواند میر» به همت «گوتفرید هرمان» (۱۹۶۸)، که وی به عنوان رساله ای زیر نظر والتر هینس تهیه کرد، از جمله آثاری بودند که به تشویق رومر پدید آمدند.

یکی از کارهای بسیار مورد علاقه رومر تصحیح و طبع اسناد تاریخی، و به عبارت مشخص تر، اسناد و گزارش ها و مکاتبات سیاسی فارسی بوده است (رومر، ۱۹۵۴، ۱۹۵۷). در سی سال گذشته در آلمان در خصوص اسناد تاریخی و مکاتبات سیاسی فارسی تحقیقات فراوانی شده است و اکثر محققانی که به این تحقیقات علاقه و اشتغال داشته اند، تحت تاثیر هینتس و رومر و اشپولر بوده اند.

مشخصات مشروح تحقیقاتی را که در این زمینه انجام شده می‌توان در کتاب شناسی مجموعه فرمان‌های فارسی از پروفیسور فراگنر (۱۹۸۰) یافت. در اینجا باید از تحقیق «هریبرت بوسه» (۱۹۵۹) در باره دیوان‌های رسایل در کشورهای اسلامی نیز یاد کرد. همچنین شایسته است که از مقاله محققانه و مهمی که هم در باره مطالعه در اسناد فارسی نوشته (۱۹۶۱) و سرانجام از مقاله او ذیل مدخل «دیپلماتیک» Diplomatic در طبع جدید دایره المعارف اسلام (چاپ لیدن) یاد شود.

دو اثر نخست «بوسه» آن اندازه اهمیت دارند که لازم است به زبان‌های مختلف ترجمه شوند تا همه محققان ایران‌شناس کشورهای مختلف بتوانند از آنها استفاده کنند و در میان آثار جدیدتر بایستی از کتاب فرمان‌نامه‌های صفویان تألیف «رنه شیمکورت» (۱۹۸۲) و تحقیق «مونیکا گرونکه» در باره اسناد مربوط به اردبیل در دوره پیش از مغول (۱۹۸۵) یاد کرد.

«گوتفرد هرمان» نیز در گوتینگن تحقیق ارزشمندی در باره اسناد و گزارش‌های سیاسی دوره مغول انجام داده است (فراگنر، ۱۹۸۰؛ هرمان، ۱۹۶۸). شاید بتوان گفت که مورخان ایران‌شناس آلمانی همدوش محققان ایرانی و روسی در چهل سال گذشته بیشترین سهم را در تحقیق و مطالعه در باره اسناد و گزارش‌های سیاسی و فارسی داشته‌اند.

محققان ایران‌شناس آلمانی علاوه بر رساله‌های متفرد متعدد، آثار بسیار مهمی در زمینه مطالعات تحلیلی و استنتاجی در باره نهادها و تشکیلات دیوانی، بویژه در عصر صفوی، منتشر ساخته‌اند.

در این زمینه، دو اثر از «کلاوس میکاییل رهر برون»، شاگرد «اشپولر» بویژه در خور ذکر است. (رهربورن، ۱۹۶۶، ۱۹۷۷). هر دوی این آثار از بهترین کتاب‌هایی هستند که در چند دهه اخیر در باره صفویان منتشر شده است.

روی آوردن از تحقیق در تاریخ نهادها و تشکیلات دیوانی به مطالعه در تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران، جریان کاملاً یک سوئی و برگشت ناپذیری نیست. کارهای والتر هینتس در زمینه مطالعه در تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران (هینتس، ۱۹۵۲، ۱۹۵۰، ۱۹۴۹) راه تازه‌ای در این حوزه مطالعاتی گشود.

«پاول لوفت» که پیشتر از شاگردان هینتس بوده و اینک در دانشگاه «دورهام» انگلیس است، آثاری از الهامات و تأثیرات هینتس را در رساله دکترای خویش در باره ایران در عصر شاه عباس صفوی نمودار می‌سازد. یکی از آثار بسیار قابل تحسین در این زمینه تحقیق استادانه خانم «رزماری کویریینگ زوکه»

در باره تاریخ اجتماعی اصفهان در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی «مطابق با قرون نهم و دهم هجری» است.

رساله دکتری «هاینتس گئورگ میگود» در باره ساختار جامعه ایرانی در نیمه دوم قرن نوزدهم (میگود ۱۹۵۹) نیز از جمله آثار قابل توجه در این زمینه است. میگود نیز از شاگردان «والتر هینتس» بوده است. در همین زمینه بی مناسبت نیست که به سهم پروفیسور فراگنر در جلد ششم تاریخ ایران کیمبریج (فراگنر، ۱۹۸۶) نیز اشاره شود.

زمینه تاریخی دیگری در مطالعات ایرانشناسی، که با اقبال جدی محققان آلمانی مواجه بوده است، طبع و تصحیح منابع روایی مهم و تاریخ های وقایع نگرانه فارسی و ترجمه آنها (بیشتر به زبان آلمانی) بوده است. یکی از کارهای بسیار مورد علاقه «رومر» فعالیت در همین زمینه است. تعدادی از رساله های دکتری که به موضوعات مختلفی در همین زمینه پرداخته اند، زیر نظر وی تهیه شده اند.

بیشتر این نوع رساله ها را موسسه انتشاراتی کلاوس شوارتز (که پیشتر در فرایبورگ مستقر بود و اینک در برلین فعالیت می کند) چاپ و منتشر کرده است.

یکی از جدیدترین این آثار ترجمه بسیار روان کتاب رستم التواریخ محمد هاشم آصف (متعلق به اوایل قرن نوزدهم میلادی) به آلمانی به همت خانم «بیرگیت هوفمان» (۱۹۸۶) است که شروح و حواشی ارزشمندی نیز بر آن افزوده است. «هریبرت بوسه» نیز (بخشهایی از) فارسنامه ناصری، اثر مهم مربوط به عهد قاجاریه، را به انگلیسی ترجمه کرده است. (۱۹۷۲)

در سالهای اخیر، تاریخ ایران در دوره قاجاریه نیز مورد توجه محققان ایران شناس آلمانی قرار گرفته است. از آثار و تحقیقات میگود (۱۹۵۶)، بوسه (۱۹۷۲) و هموفمان (۱۹۸۶) در باره این دوره از تاریخ ایران پیشتر سخن گفتیم. هریرت بوسه در بسط و گسترش این حوزه تحقیقاتی سهم و اعتبار زیادی دارد و یکی از دانشجویان ایرانی او به نام «کامران اقبال» در اثری که در سال ۱۹۷۷ - ۱۳۵۶ منتشر کرده، در جنب مطالعه در بخشی از اسناد رسمی این دوره از تاریخ ایران به مساله مقدمات نفوذ انگلیسی ها در ایران نیز عنایت کرده است (اقبال، ۱۹۷۷).

اقبال که اینک در دانشگاه بوخوم تدریس می‌کند، همچنان دامن تحقیق در تاریخ قرن نوزدهم ایران را از دست نهاده است. سرانجام پروفسور فراگتر نیز تحت عنوان استفاده از تذکره‌ها و خاطرات فارسی در مطالعه در باره تاریخ جدید ایران (۱۹۷۹) نوع ادبی خاصی در متون تاریخی قرن نوزدهم ایران، یعنی همان تذکره‌ها و خاطرات، را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

همچنانکه در خلال سطور گذشته به مناسبت دیگری اشاره رفت، با وجود توفیق مکتب تاریخ هینتس، رومر، اشپولر، بسیاری از محققان ایران‌شناس آلمانی به این موضوع پشت کرده‌اند. در حال حاضر «بوسه» توجه عمده خود را به جهان عرب معطوف کرده است. «هرست» و «نیونر» نیز کما بیش همین کار را کرده‌اند. «اریکا گلاسن» مدتهاست که به مطالعه در ادبیات تطبیقی رو کرده است. «ورهر بورن» امروزه عمدتاً سرگرم مطالعات ترک‌شناسی در حوزه فقه اللغه است. مطالعه در تاریخ ایران ظاهراً برای این محققان آن اندازه جاذبه نداشته است که همچنان ایشان را به خود معطوف بدارد.

## هنر، موسیقی و باستان‌شناسی

هنر ایرانی - اسلامی در هیچ یک از دانشگاه‌ها یا موسسات تحقیقاتی آلمانی زبان موضوع درسی یا مطالعاتی مستقلی نیست. در معدود مواردی هم که توجهی به این موضوع می‌شود نه در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی بلکه در موزه‌ها و جاهایی است که برخی مجموعه‌های هنری نگاهداری می‌شود و تازه در این موارد هم هنر ایرانی اساساً ذیل عنوان کلی هنر اسلامی جای می‌گیرد. با این حال امید می‌رود که بزودی در دانشگاه بامبرگ یک کرسی هنر اسلامی دایر شود.

متخصصان هنر اسلامی همچون «کلاوس بریش» که در موزه هنر اسلامی برلین کار می‌کند، معمولاً متخصص هنر ایرانی صرف نیستند. در میان این متخصصان «باربارا فینستر» از جهت عنایت جدی‌تر به هنر ایرانی کما بیش یک استثنا محسوب می‌شود، هر چند در این اواخر او نیز توجه خود را بیشتر به هنر یمن معطوف داشته است شگفت‌انگیز است که این بی‌اعتنایی جدی به هنر ایرانی در حالی روا داشته می‌شود که بیشتر مجموعه‌های هنر اسلامی در سراسر کشورها و سرزمینهای آلمانی زبان حاوی نمونه‌های متعددی از آثار ایرانی گرانبهاست تا جائیکه بعضاً با ارزش‌ترین بخش آن مجموعه‌ها شمرده می‌شوند. این موضوع خصوصاً در مورد مجموعه‌های موجود در موزه هنر اسلامی

برلین غربی و بخش کم نظیر هنر اسلامی موزه پرگامون برلین و سرانجام، مجموعه منحصر بفرد فرشهای موزه هنرهای دستی وین صادق است.

در دانشگاههای کشورهای آلمانی زبان به مطالعه در باب موسیقی های سنتی غیر اروپایی نیز ابدآ توجه بایسته نمی شود و به همین لحاظ اشاره به این که در دانشگاه آزاد برلین یک گروه مطالعه تطبیقی درباره موسیقی، به عنوان بخشی از موسسه موسیقی شناسی این دانشگاه دایر است بسیار اهمیت دارد. در این گروه در جنب موسیقی سرزمینهای مختلف، درباره موسیقی سنتی و کهن ایران و آسیای میانه نیز مطالعه می شود. وجود «حبیب حسن توما» در این موسسه که متخصص موسیقی کهن ایران اسلامی و مناطق مسلمان نشین دیگر است برای محققان و دانشجویان این موسسه بسیار مغتنم است. چندی پیش یکی از علاقمندان موسیقی ایرانی به نام «توماس اوگر» در رساله فارغ التحصیلی خود در این گروه مقام سه گاه را در موسیقی سنتی ایران و عراق مقایسه کرده است.

باستان شناسی ایرانی در آلمان اساساً به دوره پیش از اسلام توجه داشته است و این گرایش در فعالیتهای شعبه موسسه باستان شناسی آلمان در تهران به روشنی منعکس است. یکی از استثنایهای جدی این گرایش را می توان در «ولفرام کلایس» مدیر اول همین شعبه تهران جستجو کرد که دیری است مشغول مطالعه در باره ساختمان پلها و کاروانسراها در ایران قبل از قرن بیستم است. آثار کلایس بیش از آن است که در اینجا فرصت ذکر آنها باشد. در اینجا همین قدر کافی است که به مجله موسسه باستان شناسی آلمان اشاره کنیم که (به همت او) با عنوان گزارشهای باستان شناختی از ایران منتشر می شود و بطور منظم حاوی مقالاتی در باره باستان شناسی است.

این نکته نیز گفتنی است که یکی از قدیمی ترین کاوشها و حفاریهای باستان شناسی آلمانها در ایران که در تخت سلیمان انجام شد، در جنب دستاوردهای مختلفی که داشت، به کشف یک قصر ایلخانی متعلق به قرن هفتم، نیز منجر شد. شایستگی های «هاینتس گائوبه» از محققان دانشگاه توپینگن، در اینجا نیز مشهود است. او با مطالعات چند وجهی درباره تاریخ ایران، توانسته است به طرز بی نظیر روشها و دقایق تاریخ باستان شناختی و تاریخ هنر را با روشها و رهیافتهای زبان شناختی و تاریخی درهم آمیزد.

## تأثیر متقابل سیاست و جامعه و تحقیق علمی در مطالعات ایرانی

بحث حاضر به روشنی نشان می‌دهد که هنوز در کشورهای آلمانی زبان شرایط لازم برای پیدایش رهیافتی منسجم و متمرکز در مطالعات ایرانی در حوزه علوم اجتماعی فراهم نیامده است این مطلب در مورد مطالعاتی که در این کشورها درباره کل خاورمیانه می‌شود نیز صادق است.

در کشورهای آلمانی زبان هنوز تشکیلاتی با عنوان «مرکز مطالعات خاورمیانه‌ای» ساخته و شناخته نشده است. یگانه عرصه‌ای که در آن بر حسب تعریف، به مطالعه در مسائل مهم ایران عنایت می‌شود آن عرصه از ایران‌شناسی است که توجه به ایران در آن اساساً منبعث از علایق فقه‌اللغه‌ای و زبان‌شناختی است. درباره مشکلات و مسائلی که پیوسته در اعمال رهیافتها و روشهای معمول زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی در مورد مسائل تاریخی و اجتماعی (مربوط به ایران) مطرح بوده‌اند در خلال سطور بالا به تفصیل سخن گفتیم. یکی از شواهدی که نشان می‌دهد این مشکلات و مسائل هنوز هم مطرح‌اند، اکراهی است که همچنان در این زمینه از تلقی تمدن ایرانی - اسلامی به عنوان یک موضوع تحقیق مستقل مشهود است. عرصه اسلام‌شناسی یا مطالعاتی که تحت عنوان اسلام‌شناسی انجام می‌شده، برای کسانی که به تحقیق درباره مطالعات ایرانی - اسلامی اشتغال داشته‌اند بیشتر حکم سرپناه را داشته است تا اقامتگاه دائم.

از تاریخ باز نشسته شدن «برتولد اشپولر» و در گذشت «هانس روبرت رومر» هیچ دانشگاهی در آلمان گروه اسلام‌شناسی‌ای که صریحاً و مشخصاً به مطالعه درباره ایران تأکید داشته باشد وجود ندارد. در سایر رشته‌ها - به استثنای رشته جغرافیا - توجه جدی به مطالعه درباره ایران از این هم کمتر و ااتفاقی‌تر است. بنابراین در چنین شرایطی قوت و استحکام مطالعات ایرانی در هر رشته و زمینه‌ای، تماماً موقوف به اهتمام و علاقه شخصی محققانی است که به ایران علاقه مندند و در عین حال مصمم‌اند که در حوزه مطالعاتی خود شهری‌تی کسب کنند. دلیل این مطلب را که چرا محققانی همچون "الرس" جغرافیدان، یا بانیان نگرش تاریخی، یعنی "هینتس" و "رومر" و "اشپولر" توانستند مکتبی خاص خود پدید آورند، تنها و تنها باید در همین علایق استوار و شدید و اهتمام‌های شخصی جستجو کرد.

در چارچوب وسیع‌تری از جامعه و سیاست، تحقیقات و مطالعات محققان آلمانی زبان درباره خاورمیانه و ایران موید نقش بسیار مهم و حتی گاهی تعیین‌کننده "تصادف"‌اند. تامل در باره شبکه باز هم

گسترده تر روابطی که در جوامع کنونی آلمانی زبان بین ادبیات و علوم انسانی و علوم اجتماعی با شرایط و اوضاع احوال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی این جوامع برقرار است از حوصله بحث فعلی ما خارج است و لذا در اینجا به آن نخواهیم پرداخت، چرا تحقیقات محققان آلمانی زبان درباره ایران غالباً پراکنده و فاقد جریان تصحیح کننده و انتقادی مستقل است؟ برای پاسخ دادن به این سوال باید توجه داشته باشیم که تحقیقات به اصطلاح «شرقی» که در سرزمینهای آلمانی زبان از قرن نوزدهم شروع شده بوده همواره منزلتی حاشیه ای در زندگی فکری محققان آلمانی زبان داشته است.

کسانی که در سرزمینهای آلمانی زبان به تحقیقات و مطالعات شرقی اشتغال دارند، بخش اعظم این مطالعات و تحقیقات را در حاشیه فعالیتهای دانشگاهی و نیز در حاشیه زندگی سیاسی و اجتماعی خود انجام می دهند. واکنش عامه مردم در مقابل کسی که بگوید در صدد مطالعه درباره ایران است همان ابرو بالا انداختن به نشانه حیرت و استهفام است. این وضع باعث شده است که بسیاری از محققان آلمانی زبان که درباره خاورمیانه یا ایران تحقیق می کنند با محیط اجتماعی و سیاسی جامعه خود احساس بیگانگی نمایند.

نسلهای پی در پی محققان آلمانی زبان چنین احساس و تصویری داشته اند. بری شدن از علایق سیاسی و در نتیجه راه بردن به نوعی بی خبری و ساده دلی، به راحتی می تواند این محققان را به پیروی بی چند و چون از جریانهای فکری روزگار شان وادارد. چنین محیط و شرایطی تنها توانسته به ظهور نوعی محافظه کاری غیر متعهدانه بیانجامد که در بیشتر موارد با لعابی از صورتهای ملایمتر لیبرالیسم قدیمی اروپایی تزیین شده است.

در چنین شرایطی حتی اگر حمایت از موضوعات جدید تحقیق هم بتواند انتقاداتی را که از ساختار و سستههای دانشگاهی می شود متوقف سازد، باز هم مباحثات نظری در بر نخواهد داشت. نمونه این وضع دعوت از محققان آلمانی برای عطف توجه بیشتر به دوره های بعد از مغول و عصر صفویان در دهه ۱۹۳۰ بود، امری که در آن سالها مطلقاً انتظار آن نمی رفت.

ایدئولوژی توتالیتاریستی حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان تلویحاً می خواست محققانی از آن دست را که شرحشان رفت به کار کردن در جهت «منافع عوام الناس» و خدمت به مصالح یا منافع دولت فاشیست برانگیزد. با این حال این خواست و توقع دولت در آن ایام پیشنهادی در برداشت. در دوره بین

۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵، نخستین بار بسیاری از محققان زبانشناسی به مناصب دولتی غیر علمی و غیر دانشگاهی، مثل مشاغل دیپلماتیک یا مترجمی برای ارتش آلمان گماشته شدند.

این جریان در مورد محققانی که به مطالعه درباره ایران دوره اسلامی اشتغال داشتند لزوماً باعث پریشان شدن اوضاع و احوال خصوصی و یا درهم ریختن کارهای تحقیقاتی آنان نشد. این طایفه از محققان می‌توانستند در محدوده‌هایی که مجاز دانسته شده بود همچنان به تحقیقات و مطالعات خود ادامه دهند. اما حتی همین تحقیقات و مطالعاتی که در محدوده‌های مجاز انجام می‌یافت کما بیش با منافع سیاسی حکومت ناسیونال سوسیالیست در تضاد بود. البته چنین وضعی در همه حوزه‌های این مطالعات پیش نمی‌آمد.

چنانکه مثلاً برخی از ترک‌شناسان تمامی تحقیقات و مطالعات خود را در خدمت تبلیغات جنگی آلمانها بر ضد اتحاد شوروی قرار دادند. این چنین مشکل و مساله‌ای در مورد مطالعاتی که درباره ایران قبل از عصر جدید انجام می‌شد به هیچ وجه موضوعیت نیافت. این نوع تحقیقات و مطالعات ایرانی، در سایه منزلت حاشیه‌ای خود بین سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ جز در موارد بسیار معدود و استثنایی اساساً تحت نفوذ ایدئولوژی حکومت ناسیونال سوسیالیست قرار نگرفتند. آثار عامیانه تری که در این زمینه منتشر می‌شد، مثل کتابهای راهنمای سفر وضع دیگری داشت. این نوع آثار غیر عالمانه و غیر دانشگاهی تنها توانستند عده بسیار معدودی از متخصصان خاورمیانه را به تاسی از «سون هیدین»، کاشف سوئدی آسیا که به خاطر مجیز گوئیها و هدیه‌هایش به ناسیونال سوسیالیسم مشهور خاص و عام بود، برانگیزند.

ردیابی نفوذ ناسیونال سوسیالیسم در تحقیقاتی که درباره ایران قبل از اسلام انجام می‌شده بسیار آسانتر است. مشخص‌ترین وجه این نفوذ در تلاش مجدد برای یافتن ریشه و منشاء نژاد آریایی، که از قرن نوزدهم شروع شده بود، مشهود بود. به هر حال هیچ وجهی ندارد که فارغ ماندن نسبی تحقیقات و مطالعات درباره ایران عصر اسلامی را نفوذ ناسیونال سوسیالیسم به کرامت اخلاقی محققانی که در این زمینه کار می‌کرده‌اند نسبت دهیم، زیرا این مصونیت تماماً به برکت منزلت حاشیه‌ای این مطالعات و تحقیقات حاصل شده است. نتیجه همه این جریانات نشان داد که ظهور ناسیونال سوسیالیسم در آلمان برای پیشرفت کل علوم اجتماعی در آلمان فدرال و اثریش ضایعه و مصیبتی بوده است.



تکوین و استقرار یک صورت انتقادی از علوم اجتماعی در آلمان غربی تا دهه ۱۹۶۰ و در اتریش از آن هم بیشتر طول کشیده است. گشایش تدریجی زمینه های «شرق شناسی» سنتی به روی بحثهایی که درباره نظریه اجتماعی و روش شناسی انجام می شد نیز در همین اواخر وعموما از رهگذر رشته هایی نظیر تاریخ و زبان شناسی و ادبیات صورت پذیرفت.

ظهور تحقیقات و مطالعات مستقل علوم سیاسی و جامعه شناسی درباره کشورها و جوامع خاور میانه نیز متعلق به همان دوره ای است که این گشایش تدریجی حاصل می گشت. تعبیراتی همچون «نظریه وابستگی»، «نظریه جهان سوم»، «نظریه توسعه»، «مساله فلسطین» و «گره خوردگی نظامی در خاورمیانه» از حدود سال ۱۹۷۰ به بعد در میان بسیاری از متخصصان علوم سیاسی و علوم اجتماعی رواج یافت. هر چند این اصطلاحات هنوز کاملا نتوانسته بودند به قلمرو مطالعات و تحقیقاتی که درباره ایران و اسلام می شد راه بیابند.

مشکلی که این امر در برقراری ارتباط میان محققان و متخصصان زمینه های مختلف به وجود می آورده در طول پانزده ساله اخیر تا حدود زیادی مرتفع گردیده است. اما خصلت جنبی بودن و انفرادی بودن تحقیقات و مطالعاتی که درباره ایران و اسلام انجام می شده همچنان به منزله خسیصه ای باقی مانده است. از طرف دیگر، ما امروزه عملا در حال پدید آوردن جریانی برای تعاطی فکری و تحقیقی و علمی هستیم که مقبولیت عام یافته است و همه کسانی که دستی در کار تحقیق و مطالعه درباره ایران و خاورمیانه دارند کلا از آن استقبال کرده اند. امتیاز پیشگامی در شکل دادن به این جریان عام برای تعاطی فکری و علمی احتمالا بسیار بیشتر از آنکه خود متخصصان و محققان جغرافیای خاور میانه تصور کنند، از آن ایشان است.

همچنانکه انتظار می رفت، تحقیقات و مطالعات خاورمیانه ای در جمهوری دموکراتیک آلمان سابق در جهت متفاوتی سیر کرده است. در حالی که استقرار دوباره یک چارچوب نظری در علوم اجتماعی (بعد از سقوط ناسیونال سوسیالیسم) در آلمان غربی سابق، وقت و انرژی فراوانی برد، پایه و اساس چنان چارچوبی در آلمان شرقی سابق، هم در زمینه علوم اجتماعی و هم در زمینه ادبیات و علوم انسانی سالها بیشتر یعنی در همان دهه ۱۹۵۰ نهاده شده بود که از جهات نظری ایدئولوژیک همگن و هماهنگ بود و اساسا همین امر باعث شد که جریانهای متفاوتی پدید بیاید و در جهات متفاوتی سیر کند. با این همه، چون مطالعات ایرانی در آلمان شرقی سابق نیز خصلت جنبی داشته در آنجا نیز نمی توان به طور

مشخص و محرز زبان یا جریان واحدی برای تعاطی تحقیقات و مطالعات خاورمیانه ای یافت. با این حال چه در آلمان غربی و چه در آلمان شرقی، محققان منفرد همچنان نقش وسهمی تعیین کننده در مطالعاتی ایران داشته اند.

## شرق شناسان و ایران شناسان شهیر آلمان در سده های گذشته میلادی

### انگلبرت کمپفر (Engelbert Kaempfer)

(\* 16. September 1651 in Lemgo; † 2. November 1716 in Lieme)

انگلبرت کمپفر سیاح آلمانی و مسافر مشرق زمین در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۶۵۱ در لمگو از توابع آلمان به دنیا آمده و پس از ۶۵ سال عمر در ۲۴ اکتبر ۱۷۱۶ بدرود حیات گفته و در همان شهر مدفون شده است.



کمپفر تحصیلات خود را در شهرهای لمگو، هاملن، لونه بورگ و لوبک به پایان رسانید و در دانشگاه دانزیک در هلند به تحصیل فلسفه و تاریخ و زبان های خارجی قدیم و جدید پرداخت. در سال ۱۶۷۶ در تورن و کراکو به تحصیل ادامه داد و به درجه فوق لیسانس نائل شد. آنگاه به تحصیل طب و داروسازی و جراحی و علوم طبیعی در دانشگاه کونیگسبرگ پرداخت و در سال ۱۶۸۰ به زادگاه خود بازگشت.

در زمان کمپفر، پادشاه سوئد به نام شارل یازدهم که در دوران جوانی می زیست، برای مسافرت به دربار ایران هیئتی را

تدارک می دید تا اولاً روابط تجارتي با ایران برقرار کند و نیز شاه ایران را بر ضد ترکان عثمانی برانگیزد. به کمپفر پیشنهاد کردند که به سمت منشی و پزشک هیئت مزبور که به مشرق زمین می رود، همراه آنها عازم شود. کمپفر این پیشنهاد را پذیرفت. هیئت سوئدی در ۲۰ مارس ۱۶۸۳ استکهلم راترک کرد و پس از عبور از هلسینکی وارد روسیه شد. سفیر سوئد که ریاست هیئت را عهده دار بود اعتبارنامه خود را به تزار روسیه تسلیم کرد و کمپفر بدینوسیله در دربار تزار راه یافت و هیئت پس از اندک توفقی به سوی

ایران حرکت کرد. هیئت نمایندگی سوئدی از راه آبی ولگا در دهم ژوئیه به سوی دریای خزر روانه شد و در هفتم ماه نوامبر ۱۶۸۳ به هسترخان رسید.

کمپفر از آغاز حرکت به نوشتن کتابی به زبان آلمانی مشغول شده بود و تمام حوادث و وقایع و اتفاقاتی را که در ضمن سفر برای آنها روی می‌داد در آن نوشت و نسخه خطی کتاب مزبور به صورت سفرنامه در کتابخانه موزه بریتانیا محفوظ است.

هیئت در هشتم نوامبر از هسترخان به قصد ایران بیرون رفت و سفرای کشورهای لهستان و روسیه هم با آنها همسفر شدند. هیئت در ۱۷ نوامبر به شماخی مرکز شیروان که تا زمان قاجاریه جزو کشور ایران بود رسید. در اینجا یک ماه به انتظار بار یافتن به دربار اصفهان ماند و پس از صدور اجازه حرکت کرد.

کمپفر در مدت توقف یک ماهه در آنجا به گردش‌های تحقیقی پرداخت و گزارش‌هایی درباره آنجا از جمله منطقه نفت‌خیز باکو که از نزدیک دیده بود و نیز وضع جغرافیایی و اقتصادی آن ناحیه به رشته تحریر درآورد. این هیئت در ۱۴ نوامبر شماخی را ترک کرد و از راه رشت به قزوین رسید.

پس از اندکی استراحت هیئت سوئدی قزوین را ترک کرد و از راه ساوه و قم به کاشان و نطنز، به اصفهان نزدیک شد و در ۲۹ مارس ۱۶۸۴ یعنی یک هفته پس از نوروز سال ۱۹۰۶ هجری در زمان شاه سلیمان صفوی به آن شهر وارد گشت.

کمپفر که تشنه اطلاعات جدید درباره اوضاع اجتماعی و جغرافیایی ایران بود، در موقع توقف در اصفهان حداکثر استفاده را کرد و با بازدید از نقاط مختلف شهر و تماس گرفتن با طبقات مختلف مردم یادداشت‌های بسیار دقیق و گرانبهای تهیه و حتی اسامی کوه‌ها و ارتفاعات محلی و مدارس و کاروانسراها را نیز ضبط کرد. مدت اقامت کمپفر در اصفهان بیست ماه بود، و در این مدت موفق شد بخش اول کتابی را که درباره گیاهان ایران به زبان لاتینی نوشته بود تکمیل کند.

از جمله یادداشت‌های پر ارزش کمپفر شرح کامل مشاغل و مناصب و سلسله مراتب اداری کارمندان و کارکنان درباری و کشوری ایران در قرن هفدهم میلادی است. کمپفر برای کسب اطلاعات دست اول و تماس مستقیم با طبقات مختلف مردم از بدو ورود به فراگیری زبان فارسی و ترکی با کوشش فوق‌العاده پرداخت و کسی که بیش از همه در تعلیم این دو زبان به کمپفر کمک کرد «رافائل دومان» کشیش مسیحی بود که در آن زمان سی و هشت سال از توقفش در اصفهان می‌گذشت.

کمپفر در نوشته‌های خود اغلب از رافائل و کمک‌های پرارزش او سپاسگزاری نموده و از شخصیت علمی او مطالب زیادی به رشته تحریر درآورده است.

رافائل برای کمک به کمپفر یک کتاب «دستور زبان ترکی» هم نوشته است. انگلبرت کمپفر در سفرنامه خود درباره ایران از کتاب رافائل استفاده شایانی کرده است. کمپفر به واسطه آشنایی به زبان و آداب و رسوم و فرهنگ ایرانیان اعتبار و محبوبیت خاصی در میان مردم پیدا کرده بود و برای وی ارزش و احترامی شایان توجه قائل بودند.

شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ه.ق) از وجود او در مذاکرات با سفرا و نمایندگان اروپایی به‌عنوان مترجم دربار استفاده می‌کرده است.

ادامه سفر کمپفر از ۱۶۸۵ - ۱۶۹۴ : وی پس از گذشت بیست ماه توقف در اصفهان از خدمت کردن در سفارت سوئد کناره‌گیری کرد، تا به سفرهای تحقیقی و آرمانی خود بپردازد و پس از تماس با ناخدایان هلندی توانست به‌عنوان پزشک کشتی‌های آنان استخدام شود تا بدین طریق وسیله سفر هند را که آرزوی دیدنش را داشت فراهم نماید. از این‌رو در دسامبر ۱۶۸۴ با رئیس شرکت هلندی مقیم اصفهان قراردادی بست و به‌عنوان پزشک شرکت هلندی استخدام شد و پس از یک سال دیگر توقف در اصفهان در ۲۱ نوامبر ۱۶۸۵ از راه تخت جمشید به سوی خلیج فارس رهسپار شد.

کمپفر در این سفر از شهر باستانی دارابگرد دیدن کرد و یادداشت‌های جالبی درباره نقش برجسته داراب یعنی پیروزی شاپور اول (۲۴۰ - ۲۷۱ میلادی) دومین پادشاه ساسانی بر والرین امپراتور روم شرقی که در مقابل اسب او زانو به زمین زده برداشته است. کمپفر بعداً در سال ۱۷۱۲ نتیجه تحقیقات و مشاهدات خود در دارابگرد را در کتابی به زبان لاتین به‌عنوان «نوادر دلپسند» انتشار داد.

کمپفر به دستور رؤسای هلندی خود مدت سه سال و نیم از تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۶۸۵ تا ۲۰ ژوئن ۱۶۸۸ در جزیره گرمسیر هرمز و بندرعباس به انجام دادن وظیفه پزشکی مشغول بوده و از این توقف اجباری در سفرنامه اش شکایت می‌کند و بسیار ناراحت بوده است.

پس از آن کمپفر به هند و جاوه و ژاپن سفر کرده و در اواخر سال ۱۶۹۴ به آلمان بازگشته و به کار طبابت اشتغال یافته است. این سیاح با پشتکار در هنگام توقف خود در ژاپن تحقیقات جالبی کرده و گزارش‌های مهمی جمع‌آوری نموده، به همین جهت او را از جمله ژاپن‌شناسان پیش‌قدم شناخته‌اند.

کمپفرد مدت اقامت خود در ایران نقاشی‌های دقیقی کشیده تا در موقع انتشار کتب خود از آنها استفاده کند. از این رو نامه‌ای به تاریخ اول نوامبر ۱۷۰۱ به یکی از دوستان هلندی خود در لندن به نام پاروه نوشته و اشاره کرده که مدت‌هاست مشغول تدوین کتابی به نام «دیدنی‌های کشورهای خارجی» می‌باشد، ولی تهیه کلیشه‌های نقاشی و متون خطی فارسی و ژاپنی آن با اشکالاتی مواجه شده و از او راهنمایی خواسته است. کمپفسفرنامه خود را که به زبان آلمانی نوشته بود در شهر لمگو به زبان ادبی لاتینی برگردانید و مطالبی هم از سفرنامه‌های مؤلفان قدیمی مانند دلواله، تاورنیه، شاردن اقتباس کرد و در آن درج نمود و سپس مقدمه‌ای بر آن نوشت.

این اثر بزرگ در حدود ۹۰۰ صفحه است که پس از هفده سال از مراجعتش به وطن آن را انتشار داده است. کتاب مزبور شامل پنج جلد و بیشتر آن درباره ایران است. قسمت اول درباره اوضاع و احوال ایران در زمان مؤلف، از قبیل تاجگذاری شاه سلیمان (۱۷۰۷ - ۱۱۰۵ ه.ق) و وضع سپاهیان و توپچیان و تفنگچیان، تسلیحات و سرداران، پزشکان، بازرگانان، روحانیان، کارمندان و کارگران، کتابخانه‌ها، خزانه، وصف ابنیه و آثار اصفهان و نقاط دیگر، خط و مذهب و غیر اینها. قسمت دوم، مخصوص وضع تاریخی و طبیعی ایران است از دریای خزر و شهرهای آن مانند باکو، شیروان، تفلیس، بناهای اصفهان، وصف تخت جمشید (چهل منار)، نقش رستم و تصاویر زیادی که از تخت جمشید و دیگر حجاری‌ها و آثار قدیم به دست آورده همه رادر کتاب خود گنجانده است. از موضوعات دیگر این قسمت، ابنیه مسجد سلیمان یا مقبره کورش بزرگ، بوده است. ضمناً به وصف مزارهای سعدی و حافظ پرداخته و تصویری هم از آنها رسم کرده است. در همین قسمت از حیوانات وحشی کوهی و گیاهان گوناگون، و وصف آبهای گرم نقاط جنوب و فرقه صائین (صبی‌ها) و مسیحیان ایران سخن رانده است.

موضوعات دیگر این قسمت به ژاپن و خاور دور ارتباط دارد. قسمت سوم، مخصوص مطالب طبی و دارویی است و دارای ۶۴ تصویر به انضمام یک نقشه خلیج فارس و اطراف آن می‌باشد.

قسمت چهارم، مخصوص اطلاعات مربوط به وصف بندرعباس و جزیره هرمز، وسایل تفریح و تفنن ایرانیان، تصاویر مربوط به آلات موسیقی ایران و محصول خرما می‌باشد.

آثار انگلبرت کمپفر: همان طوری که قبلاً اشاره شد این سیاح سفرنامه خود را ابتدا به آلمانی نوشت و بعد به زبان لاتینی برگردانید و به عنوان «شگفتی‌های کشورهای خارجی یا نوادر دلپسند» انتشار داد. بعدها

دکتر کارل مایرلمگو منتخبی از آن را از لاتینی به زبان آلمانی ترجمه کرد و با عنوان شگفتی‌های آسیا، منتخب کتاب شگفتی‌های کشورهای خارجی در سال ۱۹۳۳ انتشار داد. این کتاب دارای ۲۱۱ صفحه و ۲۸ عکس و ۲۱ تابلو می‌باشد.

بعداً پروفیسور "والتر هیتس" خاورشناس آلمانی (۱۹۰۶- معاصر) دفتر اول سفرنامه کمپفر را با عنوان «در دربار پادشاه بزرگ ایران» با همکاری هشت نفر از خاورشناسان معاصر از متن لاتینی به آلمانی ترجمه کرده و مقدمه‌ای هم در موضوع زندگی‌نامه انگلبرت کمپفر بر آن نوشته است.

این کتاب در ۱۳۵۰ شمسی به هزینه انجمن آثار ملی ایران به وسیله آقای کیکاوس جهاننداری به فارسی برگردانده شده و به چاپ رسیده است.

### یوهان فریدریش کلویکر (Johann Friedrich Kleuker)

(\* 24.10.1749 Osterode (Harz), † 31.5.1827 Kiel)

یوهان فریدریش کلویکر از خاورشناسان آلمانی و متخصص در زبان سانسکریت و زبان و ادبیات مزدیسنا بوده که در «اوسترد» (Osterode) سال ۱۷۴۹ متولد شده است. وی دکترای در رشته الهیات و رئیس دانشگاه «اوسنابروک» (Osnabrueck) بوده و تحقیقاتش بیشتر در زمینه زبان و ادبیات ایران باستان بوده است. آثار ارزشمندی نیز در زمینه زردشت و اوستا و... به رشته تحریر درآورده است. وی مترجم اوستا بود که ترجمه او بعدها در اثر مساعی اشپیگل کامل گردید.

دیگر از آثار او Zend Aresta , Zoroasters lebendiges Wort : زند و اوستای زرتشت، گفتار زنده او است.

مؤلف در این کتاب از عقاید زرتشت درباره خدا، روح، طبیعت انسان‌ها و عبادات پارسیان سخن گفته است.

Kurze Darstellung des lehrbegriffs der alten perser und ihres heiligen Dienstes.  
Izeschne und rispred, Riga, 1776

## فریدریش فون شلگل (Friedrich von Schlegel)

(\* 10. März 1772 in Hannover; † 12. Januar 1829 in Dresden)



فریدریش فون شلگل خاورشناس معروف آلمانی و متخصص زبان‌شناسی تطبیقی هند و ژرمنی، نقاد، هندشناس، ادیب و فیلسوف که در سال ۱۷۷۲ در هانور بدنیا آمده و پس از پنجاه و هفت سال عمر در سال ۱۸۲۹ در درسدن بدرود حیات گفته است.

وی در دانشگاه گوتینگن رشته‌های حقوق و فلسفه و السنه قدیم را تحصیل نمود و پس از آن به «ینا» رفت و در آنجا با «یوهان فیخته» فیلسوف آلمانی آشنا گردید. وی سپس به پاریس عزیمت نمود و در آنجا به تکمیل زبان سانسکریت پرداخت. فریدریش فون شلگل پس از مراجعت به گوتینگن با سمت استادی دانشگاه به تدریس اشتغال یافت.

شلگل آثار با ارزشی در زمینه سبک و کتیبه‌های چینی به رشته تحریر در آورده است. فهرست بعضی از آثار وی عبارتند از:

۱ - کتیبه‌های چینی در سنگ یادبود اویغوری در کارا، ۱۸۹۶.

۲ - راز روش چینی رونوشت برداشت از اصوات خارجی، ۱۹۰۰.

۳ - قانون موازی ساختن سبک چینی، ۱۸۹۶.

## گئورگ فریدریش گروتفند (Georg Friedrich Grotefend)

(\* 9. Juni 1775 in Hann. Münden; † 15. Dezember 1853 in Hannover)



گئورگ فریدریش گروتفند از خاورشناسان مشهور آلمانی و متخصص در خط‌شناسی و زبان‌شناسی بوده که در نهم ژوئن ۱۷۷۵ در «هان موندن» متولد شده و پس هفتاد و هشت سال عمر در پانزدهم نوامبر ۱۸۵۳ در فرانکفورت بدرود حیات گفته است.

وی دکترای رشته‌های زبان‌شناسی و الهیات و فلسفه از دانشگاه گوتینگن را در سال ۱۸۰۵ کسب نمود. ضمناً پایان‌نامه تحصیلی او در زمینه خط‌شناسی با عنوان «نسخه قدیمی فارسی به خط میخی هخامنشی»<sup>۵۴</sup> بوده است.

مشاغل گئورگ فریدریش گروتفند بشرح ذیل بوده است: مدیر مدرسه متوسطه فرانکفورت آم ماین در ۱۸۰۳، پروفیسور ادبیات کلاسیک در ۱۸۱۲ و مدیر مدرسه متوسطه دولتی در هانور در ۱۸۲۱. در ۱۸۴۹ به‌عنوان مشاور مدرسه در دوره بازنشستگی. در ۱۸۱۷ اتحادیه دانشمندان فرانکفورتی را برای زبان آلمانی تأسیس کرد و در ۱۸۱۹ معاون انجمن نشریه «تاریخ کنونی آلمانی»<sup>۵۵</sup> گردید.

گروتفند در خط‌شناسی و زبان‌شناسی و خاورشناسی به حدی پرآوازه شد که از مشاهیر خاورشناسان آلمانی گردید. وی بنیانگذار «انجمن علم گوتینگن» در ۱۸۲۱ بوده است. پایان‌نامه تحصیلی او تحت عنوان «کشف رمز نثرنویسی در ایران قدیم به خط‌میخی سه خطه مربوط به عهد هخامنشی (آکادی، سومری، فرس قدیم)» بود.

گروتفند آثار متعددی در زمینه علم خطوط میخی و غیره به رشته تحریر درآورده است.

<sup>54</sup> Die Altpersische version der achaemenidischen Keilschrift trilinguen

<sup>55</sup> Moumenta Germanica Historia



## ژوزف فون گوروس (Johann Joseph Görres)

(\* 25. Januar 1776 in Koblenz; † 29. Januar 1848 in München)



ژوزف فون گوروس از ایران‌شناسان آلمانی بوده که در ۲۵ ژانویه ۱۷۷۶ در «کوبلنز» از توابع آلمان به دنیا آمده و در ۲۹ ژانویه ۱۸۴۸ در سن هفتاد و دو سالگی در مونیخ بدرود زندگی گفته است.

تحصیلات وی در مدرسه متوسطه زادگاهش به پایان رسیده و پس از آن معلم آنجا شده (۱۸۰۶-۱۸۰۸) و بعداً دانشیار دانشگاه هایدلبرگ گردید. (۱۸۱۴ - ۱۸۱۶). سپس از سال ۱۸۲۷ به مقام استادی تاریخ در دانشگاه مونیخ نائل گردیده است.

ترجمه شاهنامه فردوسی<sup>۵۶</sup> به نثر آلمانی از جمله آثار او محسوب می‌گردد. نسخه‌ای از ترجمه این شاهنامه در کتابخانه ملی تهران نگهداری می‌شود.

## فریدریش فون اشپیگل (Friedrich (von) Spiegel)

(\* 11. Juli 1820 in Kitzingen; † 15. Dezember 1905 in München)

فریدریش فون اشپیگل از خاورشناسان مشهور آلمانی و متخصص در زبان‌های هند و اروپایی و زبان و ادبیات ایران باستان بود، که در ۱۱ ژوئیه سال ۱۸۲۰ در «کیت سینگن» نزدیک شهر وورسبورگ چشم به جهان گشود و پس از هشتاد و پنج سال عمر در ۱۵ دسامبر ۱۹۰۵ در مونیخ درگذشت.

وی تحصیلات خود را در دانشگاه‌های ارلانگن، لایپزیگ و بن در رشته زبان‌شناسی به پایان رساند و در ارلانگن زبان سانسکریت آموخت. وی سپس زبان‌های فارسی جدید و عربی را هم تحت تعلیم پروفیسور فریدریش روکرت (۱۷۸۸-۱۸۶۶) فرا گرفت و به دنبال آن به دانشگاه ینا رفت و در آنجا به اخذ درجه دکترای زبان سانسکریت نائل گردید.

<sup>56</sup> Das Heldenbuch von Iran aus den Schahnameh des Firdusi, Berlin 1820

از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۷ به کپنهاگ، لندن، آکسفورد و پاریس عزیمت نمود و در کتابخانه‌های شهرهای مزبور به مطالعه نسخه‌های خطی شرقی و کتب مربوط به خطوط میخی و رسم‌الخط ایران قدیم پرداخته و بعضی از رموز آن را هم کشف نمود.

پس از آن به قصد سیاحت به بسیاری از ممالک از جمله ایران عازم شده و جاهای زیادی را دیده و از اوضاع هر جا اطلاعاتی کسب نمود. سپس زبان و خط پهلوی را آموخته و نیز زبان‌های ارمنی و پشتو را هم فرا گرفته و بعدها اظهار داشت که زبان‌های مزبور آریایی می‌باشد.

اشپیگل در سال ۱۸۴۹ به‌عنوان استادی در دانشگاه ارلانگن به تدریس زبان‌های شرقی و تحقیق در زبان پالی و زبان‌های ایران قدیم و دین زرتشت اشتغال داشته است.

وی در سال ۱۸۹۰ به طبقه اشراف پروس ارتقاء یافته و مشاور محرمانه پادشاه پروس گردیده است. تحقیقات وی درباره زبان‌های ایران باستان، فرس هخامنشی، اوستا و زبان ایرانی میانه بوده، و تخصص او در این زمینه به حدی است که هنوز هم کارشناسان بین‌المللی او را بنیانگذار و محقق رشته مزبور می‌دانند.

او طریقه صرف و نحو هر یک از زبان‌های مذکور را پیدا کرد و خطوط میخی تخت جمشید را خواند و در یونان هم اوراقی به‌دست آورد که از پوست بود و روی آن خط میخی به ترجمه پهلوی نگاشته شده بود. وی به کمک حروف پهلوی الفبای میخی را خواند و پس از آن به ترجمه خطوط میخی تخت‌جمشید پرداخت و کتابی هم در این باب نوشت.

پروفسور اشپیگل آثار مهم زیادی از خود برجای گذاشته است که می‌توان به شماری از آنها اشاره نمود:

⇐ اوستا، نوشته‌های مقدس ایران قدیم با ترجمه آلمانی در ۳ جلد

⇐ دوره آریایی و اوضاع آن (۱۸۸۷)

⇐ تفسیر اوستا در دو جلد (۱۸۶۴-۱۸۶۸) پیرامون منشأ و قدمت اوستا

⇐ تاریخ مذهب در قدیم در سه جلد

⇐ اوستا و شاهنامه

⇐ داستان اسکندر نزد شرقی‌ها (۱۸۵۱)

- ⇐ دستور زبان بلخی باستان (۱۸۶۷)
- ⇐ قطعات برگزیده ی پارسی (لایپزیگ ۱۸۴۵)
- ⇐ مقدمه‌ای بر نوشته‌های سنتی پارسیان (۶۰-۱۸۵۶)
- ⇐ سنگ نوشته‌های پارسی باستان و بررسی دستور زبان و ساختار آن (۱۸۶۲)
- ⇐ نوشته‌های باستانی ایرانی (لایپزیگ ۷۸-۱۸۷۱)
- ⇐ جایگاه دستوری زبان‌های ایرانی باستان (۱۸۸۲)

### یوهان شلیمان (Johann Ludwig Heinrich Julius Schliemann)

(\* 6. Januar 1822 in Neubukow; † 26. Dezember 1890 in Neapel)



Library of Congress

هاینریش یولیوس شلیمان از باستان‌شناسان معروف آلمانی بوده، که در ششم ژانویه ۱۸۲۲ در «نوی بوکوو» از توابع «مکلن بورگ» آلمان به دنیا آمده و پس از شصت و هشت سال عمر در ۲۶ دسامبر ۱۸۹۰ در ناپل بدرود زندگی گفته است.

شلیمان هنگامی که به چهارده سالگی رسید با روشی که خودش مبتکر آن بود به فراگرفتن زبان‌های متعددی پرداخت و در مدت دو سال زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، هلندی، پرتغالی، اسپانیایی و روسی را فرا گرفت و به موازات اینکار استعداد و لیاقت خود را در اداره‌ای که او را استخدام کرده بود، ظاهر ساخت و به مقامات بالایی دست یافت.

در بیست و پنج سالگی خودیک تجارت‌خانه ی شخصی بنا نمود و به مسافرت‌های متعددی دست زد و بانکی را نیز در آمریکا بنیاد گذارد و در روسیه به جستجوی طلا پرداخت و در مواقع فراغ از کار به آموختن زبان یونانی قدیم و جدید اقدام می نمود.

شلیمان در سال ۱۸۶۳ تجارت را رها کرد و با ثروتی سرشار که از این راه به دست آورده بود، همت خود را در تحقق بخشیدن رویاهای خود یعنی یافتن شهر تروآ در آثار هومر بکار گرفت.

وی پس از چند سال مسافرت و بررسی و تحقیق در سال ۱۸۷۱ حفاری «حصارلیق» را به هزینه خود آغاز کرده و در آنجا به کشف چهار شهر نائل آمد و چنین نظر داد که خرابه‌های شهر باید ویرانه‌های شهر تروآ باشد؛ زیرا در همین محل بود که وی به دیوارهای قطوری که دارای آثار سوختگی و نیز دروازه بزرگی داشت، برخورد کرد و بدین وسیله باستان شناسی یونان قدیم را بنیان گذارد.

وی کاوش‌های قابل توجه دیگری در «میسن» در سال‌های ۱۸۷۶ - ۱۸۷۸ و «ایتاکا» در ۱۸۷۸ و «بتوسی» در ۱۸۸۱ - ۱۸۸۲ انجام داد.

آثار عمده شلیمان شامل چندین کتاب در شرح اکتشافات خود است و نیز مجموعه وسیعی از مآخذ و اوراق شخصی و زندگینامه خود را در سال ۱۸۹۲ به چاپ رساند و مراسلات وی در سال ۱۹۳۶ به وسیله دوستانش به چاپ رسید و انتشار یافت.

### ویلهلم پرچ (Wilhelm Pertsch)

(\*19. April 1832 in Coburg, † am 17. August 1899 in Gotha)

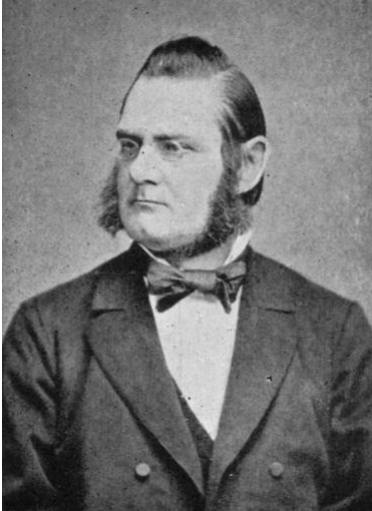
ویلهلم پرچ از خاورشناسان معروف آلمانی و متخصص در کتاب شناسی بوده که در مدرسه السنه شرقی برلین زبانهای فارسی و عربی، ترکی را فرا گرفته و در ۱۸۵۵ به خدمت کتابخانه درآمد است. وی در ۱۸۷۹ سرکتابدار کتابخانه دوکی گوتای آلمان شد و بر اثر کارهایی که در فهرست کردن نسخه های خطی شرقی انجام داد، به عضویت فرهنگستان های آکادمی علوم برلین، لایپزیگ و گوتینگن انتخاب شد.

از مهمترین کارهای وی می توان به جمع آوری نسخ خطی شرقی در کتابخانه گوتای آلمان اشاره نمود که به مدت ۲۵ سال بطول انجامید. وی موفق شد طی این مدت مجموعه ای بالغ در هشت جلد کتاب شامل ۳۳ هزار عنوان نسخ خطی از جمله ۲۸۹۱ عنوان نسخ خطی عربی بصورت کاتالوگ گردآوری نماید.

## ابرهارد شرادر (Eberhard Schrader)

(7. Januar \*1836 in Braunschweig; † 4. Juli 1908 in Berlin)

ابرهارد شرادر از خاورشناسان نامدار آلمانی و متخصص در آسورشناسی، کتیبه شناسی و محقق کتاب مقدس مسیحیان بوده که در هفتم ژانویه سال ۱۸۳۶ در برانشوایگ آلمان متولد شده و پس از هفتاد و دو سال عمر در چهارم ژوئیه سال ۱۹۰۸ در برلین درگذشته است.



وی پس از تحصیلات دانشگاهی در رشته خاورشناسی نزد پروفسور اوالد در سال ۱۸۵۸ به اخذ جایزه و نیز درجه دکترا در فلسفه نائل گردید. وی سپس در سال ۱۸۶۲ به سمت دانشیار و در ۱۸۶۳ به سمت استاد الهیات دانشگاه زوریخ و در ۱۸۷۰ در گیسن و در ۱۸۷۳ در ینا و در ۱۸۷۵ در برلین به عنوان استاد السنه سامی و آسورشناسی در برلین به تدریس و تحقیق پرداخت و سال‌های متمادی در این سمت باقی بود. از آثار مهم وی می توان به کتب ذیل اشاره نمود:

← کتیبه‌های آسوری و بابلی<sup>۵۷</sup> (به سال ۱۸۷۲)

← نقدی بر تحقیقات آسورشناسی: در سال ۱۸۷۶ (شایان ذکر است آلفرد گوتشمید استاد زبان شناسی و علوم تاریخی دانشگاه ینا نقدی بر تحقیقات آسورشناسی داشت که آن را با عنوان: Neue Beitrage zur Geschichte des Alten Orients انتشار داد.)

← شرادر هم با نوشتن کتابی با عنوان: «علم آسورشناسی در آلمان - کتیبه و تحقیقات کاربردی»<sup>۵۸</sup> به انتقادات پروفسور گوتشمید پاسخ داد که مورد پسند خاورشناسان معاصر خود واقع گردید.

← کتابخانه کتیبه‌ای<sup>۵۹</sup>: شرادر در این کتاب تمام کتیبه‌های آسورشناسان آلمان را گرد آورده و ترجمه کرده است.

<sup>57</sup> Die Assyrisch - Babylonischen Keilschriften, Leipzig 1872

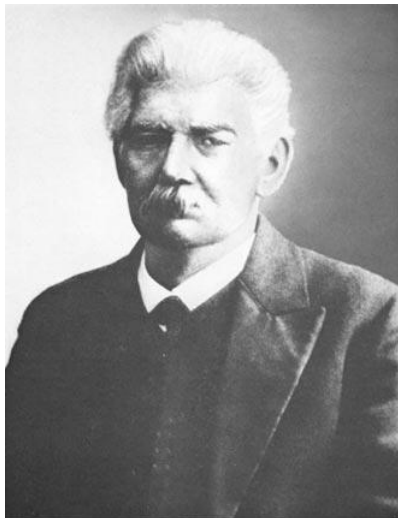
<sup>58</sup> Die Assyriologie in Deutschland - Keilschriften und Geschichtsforschung 1878

<sup>59</sup> Keilschriftlich Bibliothek - Bd. 1- 6 -, 2, 1888 - 1915

پروفسور ابرهارد شرادر بعدها به سمت عضو فرهنگستان علوم پروس برگزیده شد. وی در رشته آسورشناسی زحمات طاقت‌فرسایی متحمل شد و کتاب‌های ارزشمندی در این رشته نگاشته است، بگونه‌ای که خاورشناسان او را «پدر آسورشناسی» نامیده‌اند.

### فریدریش ویلهلم رادلوف (Friedrich Wilhelm Radloff)

(\* 17.1.1837 Berlin, † 12.5.1918 Sankt Petersburg)



*W. Radloff*

فریدریش ویلهلم رادلوف از خاورشناسان نامور آلمانی و متخصص در رشته ترک‌شناسی قدیم و جدید در نواحی مختلف قاره آسیا بوده که در هفدهم ژانویه ۱۸۳۷ در برلین متولد شده است.

تحصیلات عالی خود را در رشته هندشناسی تا مقطع دکترا در دانشگاه برلین به اتمام رسانده است. وی به علت علاقه وافری که به یادگیری زبانهای ملل آسیایی داشت به روسیه سفر کرد و در دانشکده شرقی پتربورگ به یادگیری زبانهای تاتاری، مغولی، عربی..... پرداخت.

رادلوف به عنوان مدرس زبان آلمانی و لاتینی برای مدت پنج سال در موسسه فرهنگستان واقع در شهر (بارنال) از

توابع روسیه استخدام شد و به تدریس پرداخت. همچنین در موزه نژادشناسی روسیه ماهها به بررسی و تحقیق پرداخت و از نتایج آن یادداشتها فراهم کرد که بعداً مبنای کتاب نژادشناسی او گردید.

رادلوف در سال ۱۸۸۶ به ریاست هیات باستان‌شناسی روسیه که عازم تورفان ترکستان شرقی بودند، منصوب شد. وی روی نسخ خطی اویغوری کشف شده به تحقیق و بررسی پرداخت و به مسائل تاریخی مهمی دست یافت. وی همچنین ضمن تحقیق درباره مذهب ترکهای نواحی مختلف روسیه اظهار داشت که ملت ترک همواره از اسلام در مقابل ملل نامسلمان پشتیبانی نموده‌اند. این خاورشناس در

کنگره جهانی خاورشناسان سال ۱۸۸۱ شرکت کرد و پیرامون پژوهشهای علمی و کشفیات تازه ی خود سخنرانی نمود که مورد توجه بسیار قرار گرفت.

دانشگاه دوریات در روسیه به پاس خدمات برجسته فریدریش ویلهلم رادلوف به زبان شناسی مشرق زمین، طی مراسم باشکوهی دکترای افتخاری به وی اهدا نمود و از کارهای علمی او با ستایش فراوان یاد شد. آثار و تحقیقات این شرق شناس شهیر در زمینه فرهنگ و تاریخ و ادب ترکستان (ترک شناسی در چین غربی) در خور توجه است. وی سرانجام پس از هشتاد و یک سال عمر در سال ۱۹۱۸ در سن پترزبورگ روسیه بدرود حیات گفت.

### کارل هرمان اته (CARL HERMANN ETHÉ)

(\* Stralsund, 13 February 1844; † Bristol, England, 7 June 1917)



کارل هرمان اته (در تصویر نفر دوم از سمت چپ) از ایران شناسان مشهور آلمانی بوده است که در ۱۳ فوریه ۱۸۴۴ در روستای شترالزوند (Stralsund) از توابع آلمان به دنیا آمده و پس از ۷۳ سال عمر در هفتم ژوئن ۱۹۱۷ بدرود حیات گفته است.

وی تحصیلات خود را در دانشگاه گرایزوالد و لایپزیگ در رشته ی زبان شناسی به اتمام رسانیده و در سال ۱۹۶۵ به درجه دکترا نایل شد. وی سپس به مونیخ عزیمت نمود و در آنجا به مطالعه و تحصیل زبانهای فارسی و عربی و ترکی پرداخت. وی در سال ۱۸۷۲ به منظور مطالعه نسخ خطی زبانهای فارسی و عربی و ترکی به انگلستان سفر

کرد. سه سال بعد از وی دعوت بعمل آمد تا به تدریس زبانهای شرقی در دانشگاه «آبرستوتیتس» بپردازد. کارل هرمان اته ضمن قبول این دعوت به مدت چهل سال (از سال ۱۸۷۵ تا ۱۹۱۵) به سمت

استاد السنه شرقی در آن دانشگاه به تدریس مشغول بود و طی این مدت با خاورشناسان مشهوری از قبیل ادوارد براون (۱۸۶۲-۱۹۲۶) آشنا گردید.

وی در این مدت مقالات محققانه متعددی در باب ادبیات فارسی نگارش نمود و آنها را در مجله های خاورشناسی معروف همانند مجله «انجمن خاورشناسی آلمانی»، «انجمن همایونی آسیایی» و «گزارشهای فرهنگستان علوم» منتشر ساخت.

از دیگر فعالیت های علمی و تحقیقاتی هرمان اته می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

← تاریخ ادبیات فارسی، که به وسیله دکتر صادق رضازاده شفق به فارسی ترجمه شده و انتشار یافته است.

← تکمیل فهرست نسخه های خطی فارسی و ترکی و هندی و پشتو در کتابخانه «بودلیان» که پروفیسور ساخائو خاورشناس مشهور آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۳۰) آن را آغاز کرده بود.

← تدوین نسخه های خطی فارسی کتابخانه «ایندیا افسیس» در ۱۹۰۳.

← چاپ یوسف و زلیخا منتسب به فردوسی طوسی با توضیحات و حواشی مفید.

← شعر دری و رومانتیک، ایرانیان، هامبورگ (۱۸۷۷).

← شعر عرفانی و پند و غزلیات و نویسندگی متاخرین ایرانیان، هامبورگ (۱۸۸۸).

← فهرست نسخه های خطی فارسی و عربی کتابخانه دانشگاه ادیمبورگ با همکاری محمد اشرف اسحق و روبرتسون (ادیمبورگ ۱۹۲۵).

← مقالات ادبی هرمان اته: ادبیات جدید ایران (مندرج در دایره المعارف بریتانیا: چاپ نهم ج ۸: ۶۶۰-۶۵۵ سال ۱۸۸۵).

← رودکی شاعر عهد سامانی (در مجله دانشوران، گوتینگن ۱۸۷۳).

← پیشروان و معاصران رودکی (در مجله پژوهشهای خاوری، ۱۸۷۵).

← فردوسی از لحاظ غزل سرایی (در سلسله مقالات فرهنگستان علوم مونیخ: ۶۵۴-۱۸۷۳).



- ⇐ درباره ابوالبراهیم بن نوح مختصر(در همین مجله: ۱۴۹-۱۸۷۴).
- ⇐ فردوسی شاعر حماسه سرا (در اخبار انجمن مونیخ: ۲۷۵-۳۰۴).
- ⇐ یوسف و زلیخای فردوسی (مندرج در انتشارات کنگره هفتم بین‌المللی خاورشناسان، وین، قسمت سامی: ۲۰-۴۵-۱۸۸۹).
- ⇐ مطالعه در خصوص مناظره های فارسی.

### کارل ادوارد ساخائو (Carl Eduard Sachau)

(\* 20. Juli 1845 in Neumünster; † 17. September 1930 in Berlin)



ساخائو آلمانی از متخصصین در فقه‌اللغه زبانهای عربی، فارسی، هندی، سریانی و آرامیو علاقه مند به طبع و نشر آثار بزرگان اسلامی بوده است. وی با دقتی برجسته تعداد زیادی نسخه‌های خطی مهم شرقی را تصحیح و تحشیه کرده و به چاپ رسانده است.

از خدمات این دانشمند بزرگ تاسیس مدرسه زبانهای شرقی در برلین بوده است و مدت مدیدی خود در آنجا تدریس می‌کرده است. تحصیلاتش را در فقه‌اللغه زبانهای شرقی تحت آموزش پروفیسور دیلمان در دانشگاه کیل و در سال ۱۸۶۴ زیر نظر پروفیسور فلاشر در دانشگاه لایپزیگ به پایان رسانده و به درجه دکترا در فقه‌اللغه زبانهای سامی نائل گردیده است.

وی به عنوان استاد فوق‌العاده زبانهای سامی در دانشگاه وین، پروفیسور رسمی زبانهای شرقی در دانشگاه برلین و ضمناً نماینده مطالعات شرقی در پروس خدمت کرده است.

گفتنی است این خاورشناس آلمانی به دقت و استقفا در تحقیقات علمی و ادبی خود معروف است و دارای افق فکری وسیعی بوده است.

دانشمندان آلمانی به منظور تجلیل و بزرگداشت او کتابی در سال ۱۹۱۵ حاوی ترجمه احوال و فهرست کارهایش تالیف کردند و انتشار دادند. آثار مفیدی نیز از وی به چاپ رسیده است. او سرانجام پس از ۸۵ سال عمر پرتلاش خود در برلین وفات یافت.

### ارنست ویلهلم آدالبرت کوهن (Ernst Wilhelm Adalbert Kuhn)

(\* 7. Februar 1846 in Berlin; † 21. August 1920 in München)



ارنست ویلهلم آدالبرت کوهن از ایران شناسان نامدار آلمانی و متخصص در زبان شناسی بوده که در هفتم فوریه ۱۸۴۶ در برلین پا به عرصه حیات گذارده و پس از هفتاد و چهار سال عمر در ۲۱ اوت ۱۹۲۰ در مونیخ در گذشته است.

وی تحصیلات خود را در دانشگاه های برلین و توینگن انجام داد و در سال ۱۸۶۹ دکتری خود با نوشتن رساله‌ی دستورنویسی پالی کسب نمود.

وی طی سالهای ۱۸۷۱ و ۱۸۷۲ استادیار دانشگاه لایپزیک و در سال ۱۸۷۵ استاد زبان شناسی آریایی و تطبیقی هند و اروپایی دانشگاه هایدلبرگ بود.

در جشن هفتادمین سال تولدش مقالات شرقی وی را دو دانشمند آلمانی به نامهای «شرمان» و «بزولد» جمع آوری کردند و در هفتم فوریه ۱۹۱۶ در برسلو به چاپ<sup>۶۰</sup> رسانده و به وی اهدا نمودند.

ارنست کوهن با همکاری ویلهلم گایگر (۱۸۵۶-۱۹۴۳) مجموعه‌ای از مقالات تحقیقی و فاضلانه هشت خاورشناس بزرگ راجع به شرق را گرد آورده و تحت عنوان «اساس فقه اللغه ایرانی»<sup>۶۱</sup> در دو جلد قطور از سال ۱۸۹۶ - ۱۹۰۴ در استراسبورگ به چاپ رساندند.

ضمناً ارنست کوهن در مجله "مقایسه تحقیقات زبان شناسی"<sup>۶۲</sup> که به وسیله برادرش آلبرت کوهن در سال ۱۸۷۳ تأسیس شد، مقالات تحقیقی علمی و ادبی ارزنده ای درباره زبان شناسی نگارش کرده است.

<sup>۶۰</sup> Aufsätze zur Kultur- und Sprachgeschichte vornaehmlich des Orients Ernst Kuhn zum 70. Geburtstag am 7. Februar 1916 gewidmet. Herg. von I.scherman und C.Bezold. Breslau Marcus 1916

<sup>۶۱</sup> Grundriss der Iranischen philologie

## کارل فریدریش گلدنر (Karl Friedrich Geldner)

(\* 17. Dezember 1852 in Saalfeld/Saale, † 5. Februar 1929 in Marburg, Hessen)



کارل فریدریش گلدنر از خاورشناسان مشهور آلمانی و متخصص در زبان‌شناسی و علم مقایسه زبان‌های هند و اروپایی و علم‌الادیان بوده که در هفدهم دسامبر ۱۸۵۲ در «زالفلد» از توابع «تورینگن» چشم به جهان گشوده و پس از هفتاد و شش سال عمر در پنجم فوریه ۱۸۲۹ در ماربورگ بدرود زندگی گفته است.

وی تحصیلات خود را در دانشگاه توبینگن در رشته زبان‌شناسی به پایان رسانید و در ۱۲۷ اکتبر ۱۸۷۵ به درجه دکترا نائل شد و پروفسور فوق‌العاده دانشگاه مزبور گردید. وی سپس به کپنهاگ سفر کرد و در کتابخانه آنجا

به بررسی نسخه‌های خطی پرداخت و از آنها یادداشت‌هایی برداشت که بعداً در موقع تألیف کتاب‌هایش مورد استفاده قرار گرفت.

پس از آن در سال ۱۸۷۱ در دانشگاه لایپزیگ به ادامه تحصیل پرداخت و زبان سانسکریت را تحت تعلیم پروفسور «ویندیش» و پروفسور «بروکهاوس» و اساتید دیگر فرا گرفت و مدتی هم در حوزه علمی پروفسور رودلف فون روت از معلومات وی بهره‌مند گردید.

وی بعداً با «البرشت وبر» و «پی شل» زبان‌شناسان آلمانی آشنا شد و از اطلاعات آنها هم بهره جست. گلدنر در سال ۱۸۸۷ در دانشگاه هاله به تدریس زبان‌های هندی و اروپایی پرداخت و پس از مدتی در دانشگاه هاله جهت تدریس زبان‌های هند و ایرانی استخدام گردید.

هنگامیکه دکتر فردیناند یوستی در سال ۱۹۰۷ درگذشت، گلدنر به دانشگاه ماربورگ فراخوانده شد و به جای وی به سمت استادی زبان‌شناسی مقایسه‌ای زبان‌های هند و اروپایی منصوب شد و همزمان به مطالعه و تحقیق درباره «ریگ ودا» از آثار ادبی هندی می‌پرداخت.

<sup>62</sup> Zeitschrift fuer vergleichende Sprachforschung, begrundet von Adalbert kuhn. Bd. 21. ff

در ۲۹ نوامبر ۱۹۱۲، در سمینار شرقی زبان‌های هند و ژرمنی به تدریس اشتغال یافت و در ۲۶ مارس سال ۱۹۱۴ به جای پدرش مشاور محرمانه دربار آلمان گردید. اما در ۳۱ مارس ۱۹۲۱ از امور اداری دست کشید و یکسره به کارهای علمی خود پرداخت.

گلدنر شاگردان برجسته ای هم تربیت کرد که از مشاهیر آنها پروفیسور جکسون آمریکایی (۱۸۶۲-۱۹۳۷) ایران شناس مشهور بود که بعضی از آثار گلدنر را خواند به هاله رفت و تحت تعلیم او قرار گرفت. گلدنر مدت بیست سال روی اوستا کارکرد، همان اوستایی که قبلاً وسترگارد (۱۸۱۵-۱۸۷۸) ایران شناس دانمارکی روی آن کار کرده و ناتمام مانده بود. از این رو گلدنر تمام اوستا را از اول تا آخرش به دقت مطالعه و تصحیح کرد و با توضیحات و حواشی فاضلانه در سه جلد در سال‌های ۱۸۷۵ - ۱۸۹۵ به طبع رسانید. وی برای کسب اطلاعات بیشتری به هند رفت و در آنجا به مطالعه نسخه های خطی مربوط به ادبیات سانسکریت از جمله «ریگ ودا» پرداخت.

در سال ۱۸۸۹ نخستین جلد منتخب آن را با ترجمه آلمانی و یک مقدمه و نیز توضیحات و تفسیرهایی به چاپ رسانید، و بعداً هم جلد دوم آن را با عنوان «ریگ ودا در انتخاب»<sup>۶۳</sup> انتشار داد. از دیگر کارهای وی «منظومه‌های بالادی هندی»<sup>۶۴</sup> بود که به آلمانی ترجمه کرده و در سال ۱۹۱۳ به چاپ رسانده است.

<sup>63</sup> Der Rigveda in Auswahl

<sup>64</sup> Die Indische Balladendichtung

## آلبرت گرون ودل (Albert Grünwedel)

(\* 31. Juli 1856 in München; † 28. Oktober 1935 in Lengries)



آلبرت گرون ودل از باستان شناسان آلمانی بوده که در ۳۱ ژوئیه ۱۸۵۶ در مونیخ متولد شده و پس از هفتاد و نه سال عمر در ۲۸ اکتبر ۱۹۳۵ در لنگریز بدرود زندگی گفته است.

این دانشمند به اتفاق فون لوکوک (۱۸۶۰ - ۱۹۳۰) باستان شناس دیگر آلمانی از طرف ویلهلم دوم امپراتور آلمان در ۱۹۰۲ به چین و در ۱۹۰۳ به ونیز و از ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ به ترکستان شرقی فرستاده شده است. این دو نفر در طی چندین سفر در شهرهای مختلف حوضه رود «تاریم» مانند «تورفان» و «ارومچی» آثار متعددی از

تمدن تخارها و اویغورها کشف کردند. مخصوصاً نسخه‌های فراوانی به خط پهلوی و زبان اویغوری و تخاری پیدا کردند که پس از ترجمه کردن آنها به زبان آلمانی از این راه به تاریخ تمدن و السنه آسیای میانه و ادبیات ایران قدیم و مذهب مانوی کمک بزرگی شد.

گرون ودل اولین آثار ترک‌های متمدن که همان اویغوری‌ها بوده‌اند، را کشف کرده و درحقیقت بنیان‌گذار آن بوده است. باستان‌شناس مزبور رئیس بخش هندشناسی موزه مردم‌شناسی در برلین هم بوده است.

برخی از آثار گرون ودل عبارت هستند از:

← افسانه‌شناسی بودایی، ۱۹۰۰.

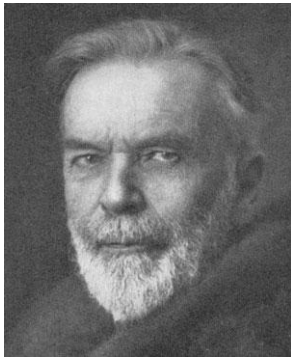
← بودای قدیم در چین و ترکستان، ۱۹۱۲.

← صنایع بودایی در هند، ۱۹۲۰.

← کوچای باستان، ۱۹۲۰.

## ویلهلم لودویگ گایگر (Wilhelm Ludwig Geiger)

(\* 21. Juli 1856 in Nürnberg; † 2. September 1943 in Neubiberg)



ویلهلم لودویگ گایگر از خاورشناسان مشهور آلمانی و متخصص در ایران شناسی و هندشناسی و زبان های هند و اروپایی بوده که در ۲۱ ژوئیه ۱۸۵۶ در نورنبرگ از توابع آلمان چشم به جهان گشوده و پس از ۸۷ سال عمر در دوم سپتامبر ۱۹۴۳ در همان جا بدرود زندگی گفته است.

وی تحصیلات خود را در دانشگاه های ارلانگن، بن و برلین در رشته زبان شناسی تحت تعلیم استادان عصر خود امثال فریدریش اشپیگل

در سال ۱۸۷۸ به پایان رسانید و بعدها به سمت استادیار دانشگاه مونیخ در ۱۸۸۶ به تدریس اشتغال یافت. پس از آن در ۱۸۹۱ به دانشگاه ارلانگن انتقال یافت و به سمت پروفیسور زبان شناسی در آنجا به تدریس پرداخت. تخصص گایگر در موضوع تاریخ پدید آمدن اوستا، تاریخ تمدن ایران باستان، گرامر زبان های ایرانی و علاوه بر این در زمینه هندشناسی به خصوص مذهب بودایی و زبان پالی و زبان و تاریخ و تمدن مردم سیلان بوده است.

تألیفات ویلهلم گایگر متعدد است و مهم ترین آنها عبارتند از :

← کتابی پیرامون زبان اوستایی، (۱۸۷۹) که به انگلیسی<sup>۶۵</sup> هم ترجمه شده است.

← تمدن ایرانی در عهد قدیم در منطقه شرقی، ۱۸۸۲

← عملیات لشکرکشی اسکندر مقدونی در سغدیان، ۱۸۸۴

← لهجه های اهالی کوهستان های پامیر، ۱۸۸۷

← یادگار زریران و رابطه آن با شاهنامه، ۱۸۹۰

<sup>65</sup> Civilisation of Eastern Iranian Ancient Time, London, 1885.

ویلهم گایگر مجله هندشناسی و ایران‌شناسی<sup>۶۶</sup> را تأسیس نمود و نیز با همکاری کریستیان بارتولومه و ارنست کوهن اساس فقه‌اللغه ایرانی و اطلاعات مربوط به عهد قدیم را تألیف نمود که شامل دو جلد بزرگ<sup>۶۷</sup> می‌باشد:

مندرجات اساس فقه اللغه ایرانی به شرح زیر می‌باشد:

جلد اول، قسمت اول: زبان ماقبل تاریخ ایران - زبان اوستایی و فارسی باستانی به قلم کریستیان بارتولومه. فارسی میانه به قلم زالمان.

جلد اول، قسمت دوم: زبان کتابی جدید فارسی. زبان افغانی، بلوچی و کردی. لهجه‌های فرعی و انواع لهجه.

جلد دوم، قسمت اول: ادبیات اوستایی، گلدنر: ۱ تا ۵۴. کتیبه‌های ایران قدیم، وایسباخ: ۵۴ تا ۷۴. ادبیات پهلوی، وست: ۷۵ تا ۱۲۹. حماسه ملی ایران، نولدکه: ۱۳۰ - ۲۱۱. ادبیات فارسی جدید، هرمان اته: ۲۱۲ تا ۳۶۸.

جلد دوم، قسمت دوم: جغرافیای ایران (۱۸۹۶). تاریخ ایران از قدیمی‌ترین ازمه تا انقراض ساسانیان، فردینان دیوستی. تاریخ ایران در دوره اسلام، پاول هورن. اطلاعات درباره نقشه‌های جغرافیایی و تاریخی کتاب حاضر، یوستی، مذهب ایرانی، ویلیامز جکسون آمریکایی. فهرست نام‌های مؤلفان. فهرست مندرجات و اعلام.

دیگر از آثار ویلهم گایگر: - آموزش ریشه کلمات و اصوات زبان افغانی. - آموزش ریشه زبان بلوچی ۱۸۹۰. - صوت‌شناسی زبان بلوچی. - رساله در باره فراگرفتن زبان سانسکریت.

ویلهم گایگر از سال‌های ۱۸۹۷ تا موقع فوتش تألیفات و مقالات متعددی درباره تاریخ و زبان و فرهنگ ایران و هند نوشته و انتشار داده که همگی ارزنده و از مراجع عمده مورد اعتماد این دو رشته محسوب می‌گردد.

<sup>۶۶</sup> Zeitschrift fuer Indologie und Iranistik

<sup>۶۷</sup> Grundriss der Iranischen Philologie und Altertumskunde, Stuttgart, 1895 - 1904

## آلبرت فون لوکوک (August Albert von Le Coq)

(\* 8. September 1860 in Berlin; † 21. April 1930 ebenda)



آلبرت فون لوکوک از باستان‌شناسان و نژادشناسان نامور آلمانی بوده که در هشتم سپتامبر سال ۱۸۶۰ در برلین متولد شده و پس از هفتاد سال عمر در ۲۱ آوریل ۱۹۳۰ در همان‌جا بدرود حیات گفته است.

وی در سال ۱۹۲۵ از طرف ویلهلم دوم امپراتور آلمان در رأس یک هیئت باستان‌شناسی به اتفاق (گرون ودل) به ترکستان چین اعزام شد. وی از نظر استعداد عجیبی که در فن باستان‌شناسی داشت به کشفیاتی در حوزه رود «تاریم»، «تورفان ترکستان» و

«اورومچی» ناآشنا گشت. وی آثار متعددی از تمدن و فرهنگ اویغورهای و تخارها و مانوی‌ها به خط پهلوی و زبان‌های اویغوری و تخاری یافت، که پس از خوانده شدن و کشف رمز آنها به وسیله کارشناسان فن و ترجمه آنها به روشن شدن تاریخ تمدن و ادبیات قدیم ایران و مذهب مانوی کمک مؤثری شد. اینها نخستین آثار ترک‌های متمدنی بوده که اویغوری نام داشتند.

فون لوکوک زبان ترکی را در ترکستان یاد گرفت، و موقعی که متون اویغوری به موزه برلین در پروس آورده شد به ترجمه و طبع آنها پرداخت. شایان ذکر است وی در مسافرت‌های خود از مطالعه سفرنامه‌های سون‌هدین (۱۸۶۵-۱۹۵۲) و سر اورل شتاین (۱۸۶۲-۱۹۴۳) جهانگردان اروپایی که هر دو قبلاً به ترکستان چین سفر کرده بودند، هم الهام گرفته است.

وی پس از بازگشت به پروس مدیر بخش آسیایی موزه برلین گردید و آثار با ارزشی هم از خود به یادگار گذاشت. فهرست برخی از آثار فون لوکوک به شرح زیر است :

← اکتشافات باستان‌شناسی در تورفان ترکستان شرقی.

← اطلس مصور درباره تاریخ صنایع و تمدن آسیای وسطی، ۱۹۲۵.

← متون خطی کردی و مانوی آسیای وسطی.



## فریدریش ویلهلم کارل موللر (Friedrich Wilhelm Karl Müller)

(\* 21. Januar 1863 in Neudamm, Westpommern; † 8. April 1930 in Berlin)

فریدریش ویلهلم کارل موللر (متولد ۱۸۶۳) و (متوفی ۱۹۳۰) از خاورشناسان نامدار آلمانی و متخصص در کتیبه‌شناسی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، ایران‌شناسی و مانوی‌شناسی بوده که در ضمن تتبعات تاریخی درباره آسیای مرکزی و خاور دور کارهای مهمی انجام داده است.

وی تحصیلات خود را در رشته خاورشناسی و فلسفه به پایان رسانیده و پایان‌نامه دکترای او «درباره وقایع نگاری سوربیایی» بوده است. وی به السنه سامی، هند و ژرمانی، چینی، ژاپنی، ترکی، مالایی تسلط داشت و در دوره تحصیلات متوسطه‌اش همدرس آلبرت فون لوکوک باستان‌شناس معروف بود. وی با پیمودن دوره دانشگاه به درجه دکترا نائل گردید.

پس از خاتمه تحصیلات در موزه مردم‌شناسی پروس استخدام شد و مدیر آن موزه گردید و در همان حال در السنه و مذاهب شرقی به تحقیق پرداخت. از آنجایی که اطلاعات عمیقی درباره زبان چینی داشت، از طرف وزارت فرهنگ پروس با هیئتی در سال ۱۹۰۱ برای جمع کردن اشیایی برای موزه پروس به چین و ژاپن و کره اعزام شد، و در این مأموریت اسناد و مدارک زیادی درباره مذهب بودایی و مواد فراوانی درباره مذهب مانوی در تورفان ترکستان به‌دست آورد که به موزه پروس تحویل داد.

این محقق بزرگ در حقیقت به منزله دایرة‌المعارفی بود که هر کس می‌خواست در خصوص موضوعات مربوط به زبان‌شناسی اطلاعاتی کسب کند، از وی که مانند فرهنگ جامع این علم بود، سوال می‌کرد.

سر دینسون راس (۱۸۷۱-۱۹۴۰) خاورشناس انگلیسی می‌گوید وقتی فریدریش موللر از هند به انگلستان آمد یک روز یک متن اویغوری راجع به مذهب بودایی را نزد او بردم و تقاضا کردم که مشکل مرا درباره آن رفع کند. نگاهی به آن انداخت و فوراً توضیحاتی کافی داد به طوری که مشکل من حل شد. فریدریش در ۱۹۰۵ به عضویت فرهنگستان علوم پروس انتخاب گردید و وقتی آوازه دانشمندی او در جهان بلند شد، مؤسسات علمی ممالک خارجی او را به عضویت افتخاری خودشان برگزیدند.

بزرگترین فرصت مناسب زندگی وی وقتی بود که نسخه‌های خطی هیئت باستان‌شناسی اعزامی به تورفان ترکستان به موزه پروس رسید، و او تمام آنها را خواند و رمز و راز آنها را کشف کرد. پاول کروگر اتریشی درباره اسناد مزبور چنین گفته است: «اینها اسناد مذهبی است که بیش از هزار سال زیر

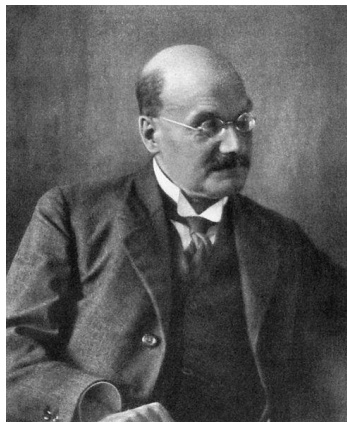
شن‌های بیابان‌های آسیای مرکزی مدفون بود و اینک به وسیله علامه فریدریش مولر خوانده شده و رمز آنها به وسیله این مرد دانشمند استثنایی کشف گردیده است».

از روی همین اسناد بود که اطلاعاتی درباره السنه سامی، ایرانی قدیم، ترکی، هند و چین، الهیات، تاریخ مذاهب، مبادی زبان‌شناسی، انتقاد تاریخی به‌وسیله پشتکار و استقامت و امانت علمی پروفیسور مزبور به‌دست آمد و او بود که کلید زبان و ادبیات مانوی و سعدی و اویغوری و نیز زبان ادبی ایرانی در ناحیه تورفان ترکستان و تخارستان و همچنین تاریخ فرهنگ آسیای مرکزی را به‌دست آورد و تحت بررسی و پژوهش قرار داد. آثار فریدریش مولر متعدد است و از جمله مهم‌ترین آنها که شهرت جهانی دارد کتابی است که تحت عنوان: بقایای نسخه‌های خطی در «استرانگلو» که از تورفان به‌دست آمده است.

دیگر از آثار او همکاری در اکتشافات باستان‌شناسی بود که با هیئت باستان‌شناسی فون لوکوک در ترکستان و نواحی آسیای مرکزی به‌عمل آورد. دیگر از کارهای او کتاب مذاکرات جلسات فرهنگستان علوم پروس (۱۹۰۸-۱۹۲۲) و کتاب متون (برلین ۱۹۱۲)، مطالعات درباره ملت ترک (به مناسبت بزرگداشت تومسین ۱۹۱۲ و بزرگداشت هیرت ۱۹۲۰)، مطالعات درباره ایران (به مناسبت تجلیل ادوارد ساخائو ۱۹۱۵) می‌باشد که از جمله تحقیقات وی محسوب می‌گردد.

### ویلهلم اشپیگل برگ (Wilhelm Spiegelberg)

(\* 25. Juni 1870 in Hannover; † 23. Dezember 1930 in München)



ویلهلم اشپیگل برگ از مصرشناسان آلمانی و متولد ۱۸۷۰ در هانور و متوفی ۱۹۳۰ در مونیخ و استاد دانشگاه هایدلبرگ و بعد از آن استاد دانشگاه مونیخ در رشته مصرشناسی بوده است.

از آثار او مطالعات درباره خط دموتیک مصر قدیم است. فهرست آثار تاریخی دموتیک موزه قاهره (۱۹۴۰ - ۱۹۰۸) و یک فرهنگ لغات قبطی از دیگر تحقیقات مکتوب وی بشمار می‌رود.

## ارنست والتر آندرائه (Ernst Walter Andrae)

(\* 18. Februar 1875 in Anger bei Leipzig; † 28. Juli 1956 in Berlin)



ارنست والتر آندرائه از معماران و باستان‌شناسان آلمانی است که در هجدهم فوریه سال ۱۸۷۵ در شهر لایپزیگ قدم به عرصه وجود نهاد.

تحصیلات عالی خود را در رشته باستان‌شناسی و معماری به پایان رسانید و با هیات باستان‌شناسان آلمانی در حفاریهای آشور و بابل شرکت کرد و به کشف آثار باستانی در این دو نقطه نایل گردید.

آندرائه تا پایان عمر خود در سمت استاد معماری و باستان‌شناسی دانشگاه برلین به تدریس مشغول بود. وی مدتی

نیز در برلین ریاست موزه آسیای نزدیک را عهده دار بود. از او آثار مفیدی به جای مانده است که می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

← هنر شرق کهن، برلین ۱۹۲۵ (دو جلد)

← بابل، برلین ۱۹۵۲

← استحکامات آشور، ۲ جلد، JC Hinrichs، لایپزیگ ۱۹۱۳

← معبد ایشتار در آشور، JC Hinrichs، لایپزیگ ۱۹۲۲

← هنر شرق نزدیک باستان (با هاینریش شافر)، تاریخ هنر Propylaea، جلد دوم، برلین ۱۹۲۵

← زندگی معنوی و روحانی، ۱۹۶۴ اشتوتگارت

## لودویگ ریچارد انو لیتمان (Ludwig Richard Enno Littmann)

(\* 16. September 1875 in Oldenburg; † 4. Mai 1958 in Tübingen)



انو لیتمان از باستان شناسان و حبشه شناسان معروف آلمانی بوده که در سال ۱۸۷۵ متولد شده و در سال ۱۹۵۸ بدروود حیات گفته است. وی پس از تحصیلات عالی در رشته زبان شناسی و باستان شناسی و زبان امهراری (حبشه ای قدیم) به سمت استادی زبان های شرقی در دانشگاه توپینگن و دانشگاه مصری در موقع تأسیس آن

و دانشگاه های دیگر آلمان به تدریس اشتغال داشته است. ضمناً به آمریکا مسافرت کرده و در ایالات متحده هم درس هایی به صورت سخنرانی در موضوع باستان شناسی داده و پس از آن به آلمان بازگشته است.

وی سپس با هیئتی برای حفاریات در سوریه و فلسطین و حبشه اعزام شده و به کشفیاتی ناآل آمده است. وی در نگارش مطالعات دائرة المعارف اسلامی، لیدن شرکت کرده و در کنگره های جهانی خاورشناسان و حلقه های مطالعات شرقی و ایجاد کتابخانه حبشی برای مطالعه علاقه مندان به زبان و ادبیات قدیم و جدید و تاریخ آن اقدام نموده است.

انو لیتمان به حدی در این زبان و السنه سامی تبحر یافته که انجمن های علمی لغوی در مصر او را به عضویت خود انتخاب و در کارهای علمی به خصوص زبان عربی و لهجه های آن در مصر با وی همکاری کردند. ضمناً کتابی به عنوان «تبعات شرقی» به منظور تجلیل به وی اهدا نمودند.

آثار انو لیتمان متجاوز از پانصد و پنجاه کتاب و رساله و مقاله اعم از تصنیف، ترجمه، تحقیق، فهرست نویسی، ترجمه احوال خاورشناسان در مدت یک قرن، حاشیه نویسی بر نوشته های آنان در موضوع السنه سامی و کتیبه های آن و نیز تاریخ و جغرافیا و تمدن ملل خاورمیانه و شمال آفریقا و حبشه دیده است که در اینجا تعدادی از آنها را فهرست می کنیم:

یکصد سال خاورشناسی، حاوی ترجمه احوال پانزده نفر از خاورشناسان معروف مذیل به فهرست آثارشان (ویسبادن، ۱۹۵۵) Ein Jahrhundert Orientalistik.

هیئت باستان‌شناسی آمریکایی به سوریه (۱۸۹۹ - ۱۹۰۰) مندرج در مجله باستان‌شناسی آمریکایی، سال چهارم (۱۹۰۰) هیئت مزبور کتیبه‌های سوریایی را در پنج قسمت و کتیبه‌های سامی را در ۱۰۵ صفحه در نشریات باستان‌شناسی آمریکایی در شماره مربوط به سال ۱۹۰۵ درج نموده و در چاپخانه لیدن به چاپ رسانده است. همچنین کتیبه‌های یونانی و لاتینی درحوران را در سال ۱۹۵۰ به طبع رسانده است و نیز با همکاری آلفرد بتلر و هوارد گروسی گزارشی درباره کارهای علمی هیئت اعزامی دانشگاه پرینستون به سوریه (مندرج در مجله باستان‌شناسی آمریکایی ۱۹۰۵) تنظیم نموده است. علاوه بر اینها فهرستی از نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه دانشگاه پرینستون (مندرج در روزنامه، کتابخانه‌ها در (۱۹۰۴)، فهرست نسخه‌های عربی مجموعه بریل در کتابخانه دانشگاه پرینستون (پرینستون، لایپزیگ)، مقاله اسلام در شمال حبشه (مجله اسلام ۱۹۱۰) تقویم اسلامی (مجله اسلام، ۱۹۱۸)، آثار باستانی جزیره‌العرب، ۱۹۱۸، جغرافیای مصر (مجله اسلام، ۱۹۲۰)، آثار فرات و دجله (مجله ادبیات شرقی ۱۹۲۱)، چاپ هزار و یک شب در ۶ جلد (لایپزیگ، ۱۹۲۱-۱۹۲۸)، کتیبه‌های عربی در حبشه ۱۹۲۴، کتیبه‌های عربی در شمال آفریقا ۱۹۲۴، کتیبه‌های عربی در سوریه ۱۹۲۹، مقاله در باره جغرافیدان‌های عرب (به مناسبت تجلیل از اوپنهایم، ۱۹۳۳)، قواعد عربی (بررسی‌های سامی، ۱۹۲۴) به رشته تحریر درآورده است.

مقالات انو لیتمان: مقالاتی که در مجله شرقی آلمانی نوشته است به شرح زیرمی‌باشد: - ترجمه احوال اغناطیوس گوئیدی، ۱۹۳۵، لهجه‌های عربی (۱۹۴۵ - ۱۹۴۹)، زندگینامه و آثار نالینو (۱۹۳۹) ابوریحان بیرونی (ادبیات شرقی ۱۹۴۳)، هاجر و اسماعیل (جهان اسلام، ۱۹۴۱)، ادبیات عربی معاصر که در سال ۱۹۵۱ در گوتینگن انتشار یافته است. زبان قبطی عربی (موریون، ۱۹۵۲) مقوقس (مجله شرقی آلمانی) ۱۹۵۵، ادبیات حبشی و نشریه دانشگاه پرینستون ۱۹۰۱، فلسفه حبشی (لایپزیگ)، ۱۹۰۴، داستان ملکه سبا (کتابخانه حبشی، ۱۹۰۴)، هیئت اعزامی پرینستون به حبشه در چهار جلد لیدن، ۱۹۱۰.

## مارتین شپرنگ لینگ (Martin Sprengling)

( \*1877; †1959 )

مارتین شپرنگ لینگ از خاورشناسان آلمانی و استاد زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه شیکاگو می باشد و به زبانهای فارسی و ترکی هم مسلط میباشد.

وی آثار ارزشمندی در زمینه فرهنگ فارسی، زبان عربی و ایران و ترکیه به رشته تحریر درآورده است که عبارتند از:

- ⇐ اصل زیدیه (۱۹۲۰-۲۱)،
- ⇐ شواهد گورهای عربی در مؤسسه شرقی شیکاگو (۱۹۳۵-۳۶)،
- ⇐ فرهنگ فارسی به عربی (۱۹۳۹-۴۰)،
- ⇐ روزنامه مطالعات خاور نزدیک (۱۹۴۳)،
- ⇐ ترجمه احوال سر چارلز لایل خاورشناس انگلیسی (۱۹۲۲-۲۳)،
- ⇐ ترجمه های عربی (۱۹۲۲-۲۳)،
- ⇐ کلیله و دمنه (۱۹۲۳-۲۴) با همکاری نیکل،
- ⇐ شعر صوفی به زبان عربی،
- ⇐ شوخی های هومر به زبان عربی (۱۹۳۲-۳۶)،
- ⇐ نمونه هایی از هزار و یک شب به زبان عربی که روی سنگ کنده شده است، در مؤسسه ی شرقی شیکاگو (۱۹۳۵-۳۶).

## رودولف اشتروتیمان (Rudolf Strothmann)

(\* 1877; † 1960)

رودولف اشتروتیمان در ۴ سپتامبر سال ۱۸۷۷ در لنگریش وستفالن (آلمان) به دنیا آمد. وی در دانشگاه‌های هاله و بن تحصیل کرد. کارل بروکلیمان یکی از استادان او بود.

از ۱۹۰۷ تا ۱۹۳۳ در شولپ فورتا تدریس می‌کرد. از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۸ مقاله‌های خود را در مجله ادبی شرق شناسان منتشر می‌ساخت. در ۱۹۲۳ بنا به توصیه بکر و ریتر استاد مطالعات شرقی در گیسن شد و در ۱۹۲۷ جانشین هلموت ریتر در دانشگاه هامبورگ گردید و تا ۱۹۴۷ که بازنشسته شد به تدریس در آنجا ادامه داد.

از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۰ با برتولد اشپولدر انتشار مجله اسلام همکاری داشت. وی عضو انجمن علوم گوتینگن و انجمن یواخیم یونگیوس در هامبورگ و همچنین عضو انجمن اسماعیلی بمبئی بود. در سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ و در ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ سفرهای تحقیقی به سوریه، فلسطین و یمن کرد. وی در ۱۵ مه سال ۱۹۶۰ در هامبورگ درگذشت.

## ارنست امیل هرتسفلد (Ernst Emil Herzfeld)

(\* 23. Juni 1879 Hannover; † 20. Januar 1948 in Schweiz)



یکی از دانشمندان نامور جهان و از محققان تاریخ و باستان شناسی ایران ارنست امیل هرتسفلد است. وی دارای حافظه‌ای قوی و اطلاعاتی عمیق بود. در دبیرستان، زبانهای انگلیسی، فرانسه، یونانی، لاتین و عبری را تحصیل کرد و تحصیلاتش را در دانشگاه‌های مونیخ و برلین به پایان رساند.

وی همچنین اطلاعات زیادی غیر از معماری از خطوط و السنه‌خاور نزدیک چون سومری قدیم، فارسی باستان، پهلوی و عربی و فارسی کسب نمود. هرتسفلد در سن ۲۴ سالگی برای

کشف ریشه‌های رموز هنر معماری به خاور نزدیک مسافرت کرد و به کار باستان‌شناسی پرداخت. وی تحت تعلیم استادش «فریدریش دیلیچ» -Friedrich Delitzsch- در اکتشافات آشور شرکت کرد و سپس در سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۵ بخش‌هایی از پاسارگاد و تخت جمشید را برای نخستین بار مورد کاوش قرار داد. وی از ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۴ در تهران اقامت داشت.

ارنست امیل هِرْتْسِفِلْدُ در ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۹ در هانوفر در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. ارنست امیل هرتسفلد پسر پزشک ارتش پروس یوزف هرتسفلد و مارگارته روزنتال، از نامی‌ترین باستان‌شناسان و متخصص امور شرق باستان و خط‌شناس و متخصص خطوط باستانی در آلمان بود. مارگارته روزنتال از پدر و مادری یهودی زاده شده بود.

هرتسفلد پس از پایان دوره دبیرستانی در برلین نخست به تحصیل در رشته معماری در دانشگاه عالی برلین پرداخت که در سال ۱۹۰۳ به پایان رساند. پس از آن وی به فراگرفتن تاریخ آشوریان و تاریخ هنر در دانشگاه‌های مونیخ و برلین روی آورد.

هرتسفلد در سال ۱۹۰۷ تز دکترای خویش را که در مورد پاسارگاد نوشته شده بود به استادان خویش ادوارد مایر (Eduard Meyer) و اشتفان ککوله (Stephan Kekulé) عرضه نمود و به اخذ درجه دکترا نایل گردید. موضوع تز دکترای وی در همان سال بصورت کتابی چاپ و منتشر گردید.

هرتسفلد ابتدا به عنوان استادیار جغرافیای تاریخی در همان دانشگاه به تدریس پرداخت و در کنار آن ضمن خدمت در موزه دولتی پروس، به مطالعه در جغرافیای تاریخی مشرق زمین به ویژه ایران و عراق پرداخت.

وی از سال ۱۹۰۳ در خاور نزدیک و خاورمیانه و نیز در طول جنگ‌های اول و دوم جهانی به کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران، بین‌النهرین و سوریه مشغول بود و با هیأت اعزامی به نینوا برای کشفیات باستان‌شناسی و تاریخی اعزام گردید. در جریان این ماموریت‌ها بود که شوق تحقیق در تاریخ مشرق قدیم در او افزایش یافت و شوقش به تاریخ اشکانیان و مطالعات اسلامی به حدی رسید که در تمام عمر از آن دست نکشید. وی هم‌چنین چندین سال در مورد تمدن‌های بابل، آشور، ساسانی و نیز صنایع، معماری و اسناد مربوط به صنعت دوره هخامنشی و دوره اسلامی به تحقیق و کاوش اشتغال داشت.



هرتسفلد در سال ۱۹۲۰ کرسی استادی جغرافیای تاریخی مشرق زمین در دانشگاه برلین را به دست آورد و به طور هم‌زمان به تدریس در رشته زبان‌شناسی شرق اشتغال یافت. وی مدت‌ها در ایران به مطالعه و تحقیق پرداخت و گزارشی جامع درباره تخت جمشید برای دولت ایران تهیه نمود.

در جریان این کاوش‌ها آثار متعدد باستانی شامل ظروفِ حجاری، نقاشی و کتیبه‌های زیادی از زیر خاک بیرون آورده شد. در این میان هرچند تلاش‌های علمی هرتسفلد در شناسایی تمدن کهن مناطق مختلف شرق، مثال‌زدنی است، اما نباید از نظر دور داشت که این امر زمینه‌های انتقال اشیاء عتیقه بسیاری به موزه‌های غرب را فراهم آورد.

هرتسفلد عضو انجمن آسیایی لندن و ایرلند، عضو فرهنگستان عربی دمشق، عضو افتخاری مؤسسه باستان‌شناسی هند و فرهنگستان بریتانیا بود. از هرتسفلد آثار متعددی در زمینه تاریخ تمدن اسلامی و پژوهش‌هایی در مورد نقشه‌برداری از مناطق مختلف شرق به جای مانده که کتیبه‌های ایران قدیم، ایران در شرق قدیم، زرتشت و جهان از آن جمله‌اند. ارنست امیل هرتسفلد سرانجام بعد از ۶۹ سال زندگی در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۸ در شهر بالسویس درگذشت.

### فعالیت‌های ارنست هرتسفلد

ارنست هرتسفلد به‌مراه شرق‌شناسان نامی آن دوره آلمان فریدریش دلیچ (Friedrich Delitzsch) و والتر آندره (Walter Andrae) در حفاری‌های باستان‌شناسی آشور فعالانه شرکت کرد. پس از آن هرتسفلد بمدت دو سال از سال ۱۹۰۵ سفری تحقیقاتی اکتشافی به کردستان، لرستان، شهر پارسه و پاسارگاد داشت.

در لرستان هرتسفلد مطالعاتی در مورد قوم کاسی و حوزه پراکندگی آنها در ایران داشت. او همانند بسیاری دیگر معتقد بود که واژه کاسپین، صورت مکثر و جمع کاسی است. هرتسفلد می‌نویسد اگر بنا باشد اسمی به سکنه ایران پیش از ورود آریایی‌ها داده شود هیچ کلمه‌ای شایسته تر از واژه "کاسپین" نیست. ریشه این کلمه را می‌توانیم در نام بسیاری از نقاط ایران مانند کاشان، کوشک و غیره بیابیم و روشن تر از همه دریای کاسپین است. هرتسفلد رد گسترش ریشه این نام و پراکندگی مردمانش را تا نورستان افغانستان و هند پیگیری و دنبال کرده بود.

پس از اخذ درجه دکترا بمدت دو سال از ۱۹۰۷ به‌همراه فریدریش ساره (Friedrich Sarre) که در سال ۱۹۰۵ با او آشنا شده بود، سفری به سرزمین میان‌رودان داشت. آن زمان فریدریش ساره رئیس بخش اسلامی موزه تازه تاسیس قیصر آلمان «فریدریش» بود.

این دو در صدد بودند که تحقیقات وسیع صحرائی در مورد بابل و آشور انجام دهند. برای این منظور آنها از شهر سامره پایتخت عباسیان آغاز نمودند و به خاکبرداری و کاوش در این منطقه پرداختند. نتیجه کار ایشان کشفیاتی بود که بیشتر آن به موزه قیصر آلمان «فریدریش» اهدا گردید.

پس از بازگشت از این سفر در سال ۱۹۰۹ هرتسفلد موفق به اخذ درجه پروفیسوری از دانشگاه برلین در رشته جغرافیای تاریخی گردید و در همان دانشگاه بعنوان استاد آزاد مشغول تدریس شد. شهرت بین‌المللی هرتسفلد با کاوش‌های دوباره در سامره میان سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ آغاز گردید که با کشف گنج‌نشت هخامنشیان در شهر پارسه از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴ به نقطه عطف خویش رسید.

در حفاریهای تخت جمشید هرتسفلد را باستان‌شناس جوان فریدریش فریتس کرفتر (Fritz Krefter) Friedrich همراهی می‌کرد.

هرتسفلد جزو نخستین گروه از باستان‌شناسان و شرق‌شناسان باختر بود که اعتقاد داشتند تمامی آنچه که از یونانیها در مورد ایرانیان منعکس شده، درست نیست. وی بر این باور بود که این تعاریف با برخورداری از غرض‌ورزیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند که برخاسته از نگرشی است که مختص یونانیها در مورد بازگویی وقایع، حوادث و مسائل مختلف بوده است.

سی هزار لوح خشتی بازمانده از دوران گذشته تاریخی ایران تنها یادگارهایی بودند که بر اثر سوخته شدن تخت جمشید بدست اسکندر که در متون پارسی از آن بنام «گجستک» یاد می‌گردد، توسط هرتسفلد کشف گردید. هرتسفلد پیوسته از این الواح خشتی بنام حافظه تاریخی ایرانیان نام می‌برد.

هرتسفلد که با کشف این سی هزار لوح برای دادن گزارش از ایران خارج شده بود کارها را به دستیار جوان خود کرفتر واگذار نمود. این سفر برای این بود تا او بتواند هزینه‌های اکتشافات بعدی را نیز مهیا کند زیرا با وضعیت اقتصادی که آن زمان در جهان پیش آمده بود، بیم آن می‌رفت که حفاریها و کاوشها به دلیل عدم وجود پشتوانه مالی متوقف گردند.

هنگامیکه هرتسفلد در تخت جمشید بود، کرفتر که همانند هرتسفلد در کنار دیگر رشته‌ها در رشته معماری هم تحصیل کرده بود، جایی را پیدا کرد که بنا به آشنائی دقیقی که از فن معماری علمی و منطقی داشت مایل به حفاری در آن بود. وی حدس می‌زد که بتواند در آنجا چیز ارزشمندی بیابد. اما هرتسفلد هربار مانع می‌شد و می‌گفت آنجا احتمالاً باید محل منبعی برای ذخیره آب یا چیزی شبیه آن بوده باشد و با توجه به کمبود وقت و پشتوانه مالی، بایستی ابتدا بدنبال چیزهای مهمتر رفت.

با رفتن هرتسفلد از ایران، کرفتر این موقعیت را پیدا نمود که به حفاری در محلی مزبور بپردازد. پس از گذشت زمان اندکی در ژرفای یک و نیم متری سطح زمین کرفتر موفق به یافتن لوح زرینی گردید که زیر پایه نخستین بنای تخت جمشید قرار داده بودند.

او نخستین کسی بود که این لوح زرین ساخته شده از ۵ کیلو طلای ناب را که پیامی از داریوش برای نسلهای بعد به‌همراه داشت، پس از گذشت دو هزار و چهارصد سال دوباره در دست می‌گرفت. نفر پیش از او که این لوح زرین را در دست داشته و در آن محل کار گذاشته بود به احتمال زیاد خود شخص داریوش بزرگ بوده‌است.

نوشته روی لوح با این جمله آغاز شده بود: این داریوش است که سخن می‌گوید..... در این لوح داریوش به نسب خویش و بزرگی سرزمینهای تحت فرمانش اشاره کرده و اینکه بنای تخت جمشید را او آغاز نموده‌است؛ زیرا می‌خواست که پایتختی داشته باشد که متناسب با بزرگی کشورش باشد. توسط این مَهر زرین، ایران تنها و نخستین مملکتی در جهان است که سند مالکیت دارد.

در آخرین بخشهای کاوش، آلمانیها دو نفر دیگر را برای همکاری بیشتر به تیم هرتسفلد - کرفتر روان کردند. یکی از این افراد دارای تمایلات نازیسم بود و دیگری یهودی. مع ذلک این دو نیز بخوبی به همکاری با یکدیگر و با تیم هرتسفلد - کرفتر پرداختند.

هرتسفلد که حکومت رضاشاه دیگر اجازه فعالیت‌های باستان شناسی به او نداده بود و اجازه اقامت او را در ایران تمدید نکرده بود، در سال ۱۹۳۵ ابتدا به لندن رفت. زیرا بیم آن داشت که در آلمان از سوی رژیم این کشور تحت تعقیب قرار گیرد. پدربزرگ و مادر بزرگ مادری وی یهودی بودند. رژیم هیتلر درجات علمی وی را در این کشور باطل اعلام کرده بود.

وی سپس از لندن به آمریکا رفت و در آنجا رحل اقامت نمود و در مقام استاد شرق‌شناسی دانشگاه پرینستون به کار پرداخت اما هیچوقت راضی از حال خود نبود.

سرانجام نیز هرتسفلد که بیشتر اهل کارهای میدانی و عملی بود تا کارهای دفتری، در سفری که به قاهره داشت، به بیماری مالاریا مبتلا گشت و برای ادامه مداوا مجبور به ترک مصر گردید. او به سوئیس رفت و اندکی پس از آن در شهر بال چشم از دنیا فرو بست. از او تنها مقبره‌ای گمنام باقی مانده‌است.

### تالیفات هرتسفلد

هرتسفلد سفرهایی متعددی به افغانستان، ترکیه، عراق، سوریه و مصر داشت هم‌چنین تحقیقات فراوانی در مورد پارتها (اشکانیان)، ساسانیان و هم‌چنین هنر و معماری اسلامی و تمدنهای باستانی میان رودان انجام داد و رسالات و مقالات معتبری به نگارش در آورد. فهرستی از برخی آثار وی به شرح ذیل است:

- ← سامره، نقشه برداری و تحقیق در مورد باستان‌شناسی اسلامی. برلین ۱۹۰۷
- ← سفر از میان لرستان. ۱۹۰۷
- ← به‌مراه فریدریش ساره، سفری باستان‌شناختی به ناحیه دجله و فرات، ۴ جلد، برلین ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۰
- ← به‌مراه فریدریش ساره، سنگ‌نبشته‌های ایران. برلین ۱۹۲۰
- ← در کنار دروازه آسیا، سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نبشته‌های دوران پهلوانی ایران. به‌مراه ۴۴ عکس، ۶۵ نگاره برداری. برلین ۱۹۲۰
- ← تزئینات دیواری بناهای سامره. برلین ۱۹۳۲
- ← بناها و سنگ‌نبشته‌های دوران نخستین دودمان ساسانی. برلین ۱۹۲۴
- ← نقاشیهای سامره. برلین ۱۹۲۷
- ← کوزه‌گری و سفال‌سازی پیش‌تاریخی سامره. برلین ۱۹۳۰

- ← مریاملیک و کوریکوس دو محوطه باستانی مسیحی در آسیای کوچک. منچستر ۱۹۳۰
- ← بناهای یادبود ایرانی. ۴ جلد. برلین ۱۹۳۲
- ← تاریخ باستانشناسی ایران. لندن ۱۹۳۵
- ← سنگ نبشته‌های کهن ایرانی. برلین ۱۹۳۸
- ← ایران، شرق باستان. مطالعات باستانشناختی دانشگاه آکسفورد. لندن/نیویورک ۱۹۴۱
- ← زرتشت و جهان او. دو جلد. نیویورک ۱۹۴۷
- ← تاریخچه شهر سامره. هامبورگ ۱۹۴۸
- ← شاهنشاهی پارسیها. ویسبادن ۱۹۶۸

### فریتس ولف (Fritz Wolff)

(\* 11. Nov.1880 in Berlin; † 31. März 1943 Berlin)



فریتس ولف از ایران‌شناسان نامدار آلمانی و مبتکر فرهنگ لغات شاهنامه بوده است که در یازدهم نوامبر سال ۱۸۸۰ در شهر برلین متولد شده و پس از ۶۳ سال عمر در ۳۱ مارس ۱۹۴۳ بدروند زندگی گفته است.

ولف در اواخر عمر خود به دین مسیحیت گروید. آخرین جملاتی که وی در پایان عمر خود (۳۱ مارس ۱۹۳۴) در ملاقات با هانس هاینریش شدر خاورشناس معروف آلمانی اظهار داشته، این عبارت بود:

«به کودکانم بگوئید که من یک مسیحی مؤمن به خدا هستم و همین عقیده در سرنوشت من تأثیر دارد و مرا مخلص و ارادتمند حضرت مسیح (ع) گردانیده و شادمان و دلخوش خواهم رفت.»

فریتس ولف پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه در زادگاهش عازم پاریس شد و در کولژ دوفرانس به تحصیل زبان‌شناسی پرداخت. پس از آن در دانشگاه‌های مونیخ، هایدلبرگ، برلین، گیسن تا مقطع دکترا به تحصیلات خود ادامه داد.

وی تحت تعلیمات کریستیان بارتولومه (۱۸۵۵-۱۹۲۵) ایران‌شناس مشهور قرار گرفت و تحت تأثیر بیانات او در حوزه‌ی دروس زبان‌شناسی، هنر و ادب به فراگیری ایران‌شناسی مشتاق گردید.

وی سپس فعالیت خود را به این رشته محدود ساخت. پایان‌نامه دکترای خود را در سال ۱۹۰۷ به مناسبت آغاز چهلمین سالگرد فعالیت مجله «تحقیقات در موضوع قیاس زبان‌های هند و ژرمنی» نوشت و بدین ترتیب به درجه دکترا نائل گردید.

وی مبتکر «فرهنگ واژه‌های شاهنامه» بود. او مدت‌سی سال روی این کتاب کار کرد و مطالعات، بررسی‌ها و موشکافی‌های گسترده‌ای را انجام داد.

نوشته‌ها و تألیفات فریتس ولف متعدد است ولی مهم‌ترین آنها «فرهنگ واژه‌های شاهنامه» می‌باشد که در سال ۱۹۳۵ در ۹۱۱ صفحه «Glossar zu Firdosis Schahname» به قطع شاهنامه چاپ سنگی قدیم به‌وسیله انجمن خاورشناسان آلمان انتشار یافت.

فریتس ولف مجدداً با توجه به کتاب مزبور فرهنگ دیگری در موضوع زبان ایران قدیم تألیف کرد که تحت عنوان «واژگان ایران کهن» (Die Altiranische Woerterbuch) به چاپ رسید. همچنین اوستا را هم به زبان آلمانی ترجمه کرد.

شایان ذکر است دولت آلمان به مناسبت جشنواره‌ی هزاره فردوسی در سال ۱۹۴۳ یک جلد از فرهنگ مزبور را به دولت ایران اهداء کرد و مؤلف در جبهه کتاب این بیت از ابوالقاسم فردوسی را که در واقع حاکی از اهمیت کار و فعالیت خود او می‌باشد با خط فارسی نوشت:

«من این نامه فرخ گرفتم بفال - همی رنج بردم به بسیار سال».

گفتنی است این کتاب از امّات کتب ایران‌شناسی محسوب می‌گردد.

## اریش فریدریش اشمیت (Erich Friedrich Schmidt)

(\* 13. September 1897 in Baden-Baden; † 3. Oktober 1964 in Santa Barbara (Kalifornien))

اریش فریدریش اشمیت از باستان شناسان مشهور آمریکایی آلمانی تبار بوده، که در ۱۳ سپتامبر ۱۸۹۷ در «بادن بادن» آلمان متولد شده است.

تحصیلات خود را در دانشگاه‌های «کالبروهه» و «برلین» به پایان رسانده است. در سال ۱۹۲۳ به آمریکا کوچ کرده و در دانشگاه کولومبیا به تحصیل و مطالعه پرداخته و به درجه دکترای زبان شناسی نائل گردید.

اشمیت بعدها به تابعیت آمریکا درآمد. حوزه کاری و فعالیت‌های وی باستان شناسی شهرهای ماقبل تاریخ ایران و ترکیه تا صدر اسلام بوده است. نخستین کار دکتر اشمیت باستان شناسی در موزه تاریخ طبیعی نیویورک بود. پس از آن با یک هیات باستان شناسی به «آریزونا» مامور شد تا در حفريات جنوب غربی آمریکا شرکت نماید.

بعدها از طرف موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به آسیای صغیر مامور شد تا در آنجا به حفاری بپردازد. همچنین از طرف موزه هنرهای فیلادلفی و موسسه صنایع ظریفه ایران در بوستون به ایران مامور شد. وی در تپه حصار حفریاتی به عمل آورده و اشیایی کشف کرد.

به دنبال آن از سوی موزه دانشگاه پنسیلوانیا و موزه صنایع ظریفه بوستون مامور شد تا در شهر ری نزدیک تهران به حفریاتی در «تپه چشمه علی» بپردازد. وی موفق به کشف بازمانده‌های انسانهایی شد که در قرون بسیار دور در بالای تپه سنگی مزبور دفن شده بودند و استخوان بندی همگی آنها سالم مانده بود.

کشفیات دیگر دکتر اشمیت عبارتند از «کاخآپادانا» که بلندترین و وسیعترین ساختمانی است که به وسیله داریوش اول طرح ریزشده بود.

از سوی دیگر اشمیت فعالیت آموزشی خود را به عنوان استاد موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو آغاز کرد. وی در موسسه باستان شناسی آمریکا و انجمن جغرافیایی آمریکا و انجمن خاورشناسی آلمانی عضویت

داشت. همچنین در چهارمین کنگره باستان‌شناسی و هنر ایران شرکت کرده و به اخذ نشان همایون درجه اول نائل شد.

تالیفات ارزشمندی از این استاد در زمینه آثار باستانی ایران به یادگار مانده است. وی سرانجام بر اثر کار زیاد بیمار شد و در سوم اکتبر ۱۹۶۴ در «سانت‌باربارای» کالیفرنیا بدرود زندگی گفت.

### فرانتس آلتهایم (Franz Altheim)

(\* 06. Oktober 1898 Frankfurt; † 17. Oktober 1976)



فرانتس آلتهایم در ۶ اکتبر سال ۱۸۹۸ در شهر فرانکفورت به دنیا آمد. وی متخصص رشته تاریخ ادیان و زبان‌شناسی باستانی بود. تحقیقات وی در زمینه تاریخ ادیان روم، فرهنگ یونان باستان و اقوام ساحل نشین از قبیل اعراب و بربرهای آسیای مرکزی می باشد.

در سال ۱۹۳۶ استاد دانشگاه هاله و در سال ۱۹۵۰ استاد دانشگاه آزاد برلین گردید. در سال ۱۹۶۴ با بانو پروفیسور اشتیل در زمینه تاریخ و زبانهای باستانی ایران در سمینار شرق باستان در دانشگاه مونستر همکاری می کرد. وی در سال ۱۹۶۵ بازنشته شد. درباره فرانتس آلتهایم تالیفاتی با عناوین «کتاب‌شناسی آثار فرانتس آلتهایم به مناسبت شصتمین سال تولدش» و نیز «یادنامه آلتهایم» منتشر شده است.

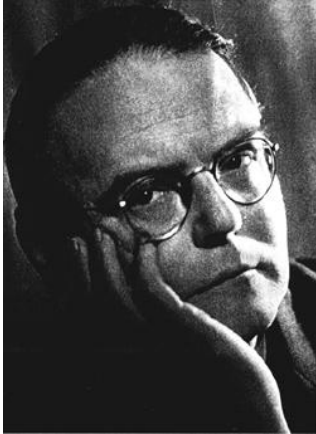
### اوتو هلموت ولفگانگ لنتس (Otto Helmut Wolfgang Lentz)

(\* 23. Februar 1900 in Hameln; † 8. Dezember 1986 in Marburg)

اوتو هلموت ولفگانگ لنتس از خاورشناسان آلمانی و متخصص در ایران‌شناسی و افغان‌شناسی و زبان‌های هند و اروپایی بوده که در ۲۳ فوریه سال ۱۹۰۰ در (هاملن) از توابع آلمانی پا به عرصه وجود نهاده است.



تحصیلات وی از مؤسسه خاورشناسی مونیخ و گوتینگن در رشته ایران‌شناسی بوده و در سال ۱۹۲۳ به اخذ درجه دکترا در فلسفه از دانشگاه گوتینگن نائل شده است. از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۵۰ به‌عنوان



عضو علمی در پروس روی لوحه‌های فارسی و پارسی و سغدی بررسی و تحقیق کرده و در ۱۹۵۰ در هامبورگ دستیار سمینار شرق‌شناسی و پس از آن به‌عنوان دانشیار و سپس از ۱۹۶۴ به‌عنوان پروفیسور کرسی ایران‌شناسی و رئیس بخش ایران‌شناسی سمینار شرقی انتخاب شده‌است.

همچنین در ۱۹۵۷ از طرف دانشگاه کولومبیا در نیویورک دعوت شده و مدتی در آنجا زبان‌های مزبور را درس می‌داده است. در ۱۹۲۸ در هیئت اعزامی از طرف دولت روس و دولت آلمان در «آلابی پامیر» به کاوش پرداخته و نیز در ۱۹۳۵ در هیئت اعزامی به هند و کوش شرکت کرده و در آنجا به مطالعه و تحقیق پرداخته است.

همچنین در شهریور ماه ۱۳۴۵ شمسی مطابق با ۱۹۶۶ میلادی به ایران آمده و در کنفرانس جهانی ایران‌شناسان شرکت کرده و سخنرانی ایراد نموده است.

آثار با ارزشی به رشته تحریر درآورده است که عبارت است از:

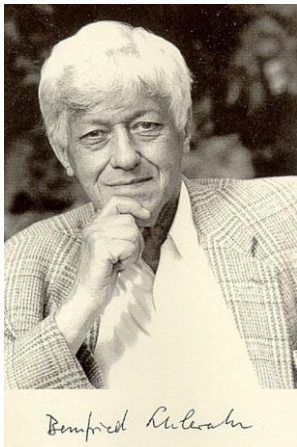
- ← کتاب در موضوع لهجه پامیر (۱۹۳۳).
- ← گاه‌شماری در نورستان و پامیر (برلین)، ۱۹۳۸.
- ← تفسیر یسنا، ۱۹۵۴.
- ← یادداشت‌های گوته بر دیوان شرقی (هامبورگ، ۱۹۵۸).
- ← منی و زردشت، ۱۹۲۸.
- ← یادداشت‌هایی درباره قطعه تورفانی قره خوجا، ۱۹۲۸.
- ← منی و مانویت، زردشت و دین زردشتی، ۱۹۵۵-۱۹۵۶.

← خسرو انوشیروان، وین ۱۹۳۳

← جم و خورنق در یادنامه تقی‌زاده (لندن)، ۱۹۶۲

### برن فرید اشلرات (Bernfried Schlerath)

(\* 15. Mai 1924 in Leipzig; † 30. Mai 2003 in Berlin)



برن فرید اشلرت ۱۵ ماه مه سال ۱۹۲۴ در لایپزیگ به دنیا آمد. وی متخصص زبان شناسی تطبیقی هند و اروپایی، زبان و مذاهب ایران باستان بود. در هامبورگ نزد استادانی چون فرانکل، اسنل، شوبرینگ و تاوادی در رشته های زبانهای هند و اروپایی، هندشناسی، ایران شناسی و زبانهای قدیمی به تحصیل پرداخت. همچنین در ماینس نزد لومل به تحصیلاتش ادامه داد. در سال ۱۹۵۱ به اخذ درجه دکتری نایل آمد و ۱۹۵۸ اجازه تدریس در دانشگاه را کسب کرد. از سال ۱۹۶۴ بخش تحقیقات زبان و فرهنگ باستانی ایران در سمینار شرق شناسی را بر عهده داشت. مدرس زبانهای فارسی باستان و اوستا

و واژه شناسی زبانهای ایرانی و تاریخ مذاهب ایرانی بود. استاد پاره وقت شد و ۱۹۷۰ در ماربورگ و ۱۹۷۴ در برلین به درجه استادی رسید.

### لودویگ آدامک (Ludwig W. Adamec)

(\* 10. März ; † 1924 Wien)

لودویگ آدامک در ۱۰ مارس سال ۱۹۲۴ در شهر وین متولد شد. وی در سال ۱۹۶۰ در رشته مطالعات شرق میانه و شرق نزدیک از دانشگاه کالیفرنیا درجه لیسانس، در سال ۱۹۶۱ فوق لیسانس و در سال ۱۹۶۶ با استفاده از بورسیه درجه دکتری دریافت کرد. در سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ با استفاده از بورس فولبرایت به افغانستان و پاکستان رفت.

طی سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ مدرس تاریخ شرق نزدیک و بورسیه تحقیقاتی بنیاد فورد و در سال ۱۹۶۷ استادیار دانشگاه میشیگان بود. در تابستان ۱۹۶۸ از بورس شورای تحقیقاتی علوم اجتماعی در انگلیس، افغانستان و هندوستان استفاده کرد.



از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ استادیار تاریخ شرق نزدیک و زبان عربی در دانشگاه آریزونا شد و از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ با سمت دانشیاری به تدریس تاریخ و زبانهای شرق نزدیک پرداخت و در ۱۹۷۳ به مقام استادی آن دانشگاه ارتقا یافت.

در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ استاد تحقیقات ایرانی در مراکز فولبرایت و مدتی نیز پژوهشگر مطالعات شرق میانه در انجمن آمریکای شمالی و انستیتوی شرق میانه بوده است.

تحقیقات وی در زمینه تاریخ و سیاست شرق نزدیک، شرق میانه، ایران، افغانستان، پاکستان، جهان عرب و ترکیه و تاریخ و سیاست جهان اسلام بود و همچنین درباره تاریخ مناسبات سیاسی و دیپلماسی آلمان و افغانستان تحقیقاتی مبسوطی انجام داده است.

## برخی شخصیت ها و فرهیختگان شرق شناسی و ایران شناسی معاصر آلمانی

### کلاوس اشترونک (Klaus Strunk)

(\* 22. August 1930 in Düsseldorf)



*Klaus Strunk*

کلاس اشترونک در ۲۲ اوت ۱۹۳۰ در دوسلدورف آلمان به دنیا آمد. از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶ در دانشگاه های کلن و بن به تحصیل فقه‌اللمغه کلاسیک، زبان و ادبیات آلمانی، زبان و ادبیات رومی، هندشناسی و زبان شناسی تطبیقی پرداخت.

در ۱۹۵۷ به دریافت دکترای زبان شناسی تطبیقی از دانشگاه کلن نائل آمد. در ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ با دانشگاه هامبورگ در طرح تهیه واژه‌نامه اشعار حماسی یونان همکاری داشت.

در ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ استادیار انستیتوی زبان شناسی کلاسیک دانشگاه ارلانگن بود و طی همین مدت تحصیلات خود را نزد پروفیسور هوفمان ادامه داد. از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ استادیار انستیتوی زبان شناسی و هنرهای باستانی دانشگاه کلن بود و از ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ استادیار زبان شناسی در همان دانشگاه بود.

از ۱۹۶۷ به عنوان استاد زبان شناسی تطبیقی هند و اروپایی و هند و ایرانی در دانشگاه زارلند برگزیده شد. در ۱۹۷۳ ریاست انجمن هند و اروپایی را بر عهده گرفت. در ۱۹۷۷ به عنوان استاد کرسی زبان شناسی عمومی و هند و اروپایی در دانشگاه مونیخ به تدریس پرداخت.

وی آثار متعددی برشته تحریر درآورده است که می تون از کتب ذیل یاد کرد:

← مقدمه‌ای بر معناشناسی

← ساختار واژه و ضمیر در فارسی باستان

← ترتیب ارکان جمله و هم‌رویشی پیوندهای هم بسته در فارسی باستان

← کاربرد زبان شناسی تاریخی و توصیفی در تفسیر متن هندی باستان و اوستایی.

## ورنر زوندرومان (Werner Sundermann)

(\*1936 Berlin, †2012 Berlin)



پروفسور ورنر زوندرومان از مشهورترین ایران شناسان آلمانی و متخصص در زبان‌های هند و اروپایی و زبان و ادبیات ایران باستان محسوب می‌گردد که در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۲ در برلین درگذشت.

تحقیق و بررسی پیرامون نسخ خطی تورفان از دوران باستان و قرون وسطی که پیرامون فرهنگ باستانی جاده ابریشم و نیز واحه تورفان در منطقه خودمختار سین کیانگ چین است، از مهمترین فعالیت‌های علمی زوندرومان محسوب می‌گردد.

پروفسور زوندرومان همکاری نزدیکی در پروژه کتابخانه دیجیتالی برلین بعمل آورد که در آن ۳۰ هزار از ۴۰ هزار نسخ خطی تورفان بصورت دیجیتالی آرشیو بندی گردید. از دیگر فعالیتهای زوندرومان همکاری با آکادمی علوم گوتینگن، پیشینیانی از پروژه‌ی فهرست بندی نسخ مخطوطات شرقی در آلمان و نیز همکاری با موسسات تحقیقاتی متعدد در ژاپن و آمریکا است.

استاد سابق ایران شناسی دانشگاه آزاد برلین صاحب دهها جلد کتاب و مقاله پیرامون متون ایرانی در تورفان، فارسی میانه پهلوی، فارسی میانه مانوی، تاریخ اشکانی مانوی، کتیبه‌های یهودی و فارسی و .... است.

**اکارت الرس (Eckart Ehlers)**

(\* 1. März 1938 in Duisburg)



Meckenheimer Allee 166 - 53115 Bonn

E-Mail: ehlers@geographie.uni-bonn.de

Tel.: + 49 (0)228 73-4903

Fax: + 49 (0)228 73-5393

اکارت الرس در یکم مارس سال ۱۹۳۸ در دویسبورگ آلمان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در جغرافیا، زمین شناسی و زبان انگلیسی در دانشگاه های ماربورگ، کیل، توبینگن، ساوتمن انگلیس و ادموتن کانادا به پایان رساند. در ۱۹۶۵ پس از تدوین رساله دکتری خود درباره دریای خزر به عنوان دستیار علمی در دانشگاه توبینگن شروع به کار کرد. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ در دانشگاه گیسن و از ۱۹۷۲ استاد جغرافیا در دانشگاه فیلیپس ماربورگ بوده است. الرس از اول آوریل ۲۰۰۴ بازنشسته شده است.

تحقیقات وی در زمینه مسائل اجتماعی و اقتصادی کشورهای اسلامی است که در بین آنها چهار جلد کتاب و بیش از ۳۵ مقاله علمی به ایران اختصاص یافته است. علاوه بر این، ۱۲ رساله دکتری درباره ایران نیز زیر نظر او تدوین و چاپ شده است. ویژگی های تحقیقات وی را در جدیدترین کتابش به نام کتاب شناسی جغرافیایی ایران می توان دید.

اکارت الرس سفرهای تحقیقاتی زیادی به کشورهای شرق اسلامی و همچنین آمریکای شمالی داشته است که از جمله به سفر او به ایران و دو سال اقامت وی باید اشاره کرد. وی یکی از اعضای انجمن مطالعات خاورمیانه آمریکای شمالی است.

آثار و نوشته های الرس فراوان است که درمیان آنها می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

مقالاتی درباره جغرافیای طبیعی ایران - دره چالوس و مشرفات آن - اقتصاد نفت، بازرگانی خارجی، صنعتی شدن ایران - ترکمن صحرا و حوالی آن - نوسانات تاریخی سطح آبدریای خزر و دشواری بیان علت آنها - اسامی مغولی مکان ها در ایران - شهرهای منطقه ساحلی و کم ارتفاع جنوب دریای خزر - سرزمین های پست جنوب دریای خزر (شمال ایران) و دریای خزر - نمونه ای از شهرهای جنوب دریای

خزر یا شهری تنها؟ - روستای سیاه منصور: روش‌ها و دشواری‌های اصلاحات ارضی در خوزستان / جنوب ایران - نوشته‌هایی درباره جغرافیای طبیعی ایران - شهر بم و آبادی‌های واحه شکل آن / مرکز ایران - شکل‌های سنتی و نوین کشاورزی در ایران، روستا، اقتصاد و ساختار اجتماعی کشاورزان در شمال خوزستان از پایان سده نوزدهم تا کنون - کشاورزان، گله‌داران و عشایر الوند کوه / غرب ایران - دزفول و توابع آن - رشد جمعیت و محدوده تغذیه در مصر - سیاحت خارجیان در ایران - شهر و توابع آن در ایران، برای نمونه طبس / خراسان - کشورهای استخراج‌کننده نفت خاورمیانه در ۱۹۶۰-۱۹۷۶ - فتودالیسم و توسعه شهری در شرق اسلامی، برای نمونه : ایران - کوه الوند - مقالاتی درباره جغرافیای فرهنگی شرق اسلامی - انواع کشاورزی گروهی در ایران: بنه - شرایط، اهداف و نتایج اصلاحات ارضی در ایران - نام‌های اقلیمی و رستنی‌های جنوب دریای خزر، رشته کوه البرز، مناطق خشک - فتودالیسم، صنعتی شدن و توسعه شهرها - واحه‌های روبه زوال در ایران مرکزی - از بین رفتن چادرنشینی در کوهستان‌های مرتفع ایران و زوال مرزهای جغرافیایی فرهنگی کوه‌های مرتفع آسیای نزدیک - ایران گزارشی تحقیقی پیرامون کتابشناسی، همراه با تفاسیر و یادداشت‌ها - مبانی بوم‌شناسی جغرافیای ایران [ این کتاب با عنوان و مشخصات زیر به فارسی ترجمه و چاپ شده است: جغرافیای طبیعی، جلد اول - ترجمه دکتر محمدتقی رهنمایی. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۶۵؛ چاپ دوم، تهران: خرداد ۱۳۷۲ ] - جنبه‌هایی از جغرافیای اقتصادی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران - تجارت کاروانی، رفت و آمد کاروان‌ها و نفوذ اقتصادی ایران بر قدرت‌های خارجی در سال ۱۹۰۰ - مسائل انسانی، زیست محیطی در روستاهای ایران - سرزمین‌های خشک و مناطق آبیاری دلتای نیل - قدرت جهانی نفت، قدرت جهانی اسلام - تمایل به توسعه بادیه‌نشینی در ایران - نام‌گذاری جغرافیایی در داخل و گرداگرد ایران - کارگاه قالی‌بافی و تجارت قالی در فراهان / اراک (ایران) - روابط مردم با خارجیان در کشورهای اسلامی: ایران در اوایل انقلاب - آب گرم [در ایران] - آب‌سینه همدان رود - رود آبشور - ابوموسی - آبیار - کشاورزی در ایران - آجی‌چای (تلخه‌رود) - آلاداغ - جغرافیای خاورمیانه به زبان آلمانی: گرایش‌ها و چشم‌اندازها - روستای ایرانی، ناحیه‌ای اقتصادی - اجتماعی - توسعه ساختاری و تغییر تدریجی شهررباط مراکش - ایران - خاور نزدیک و خاورمیانه: سیاست - جامعه - اقتصاد - تاریخ - فرهنگ - توسعه شهری در ایران ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۱.

## رودیگر اشمیت (Rüdiger Schmitt)

(\* 1. Juni 1939 in Würzburg)



رودیگر اشمیت متولد اول ژوئیه سال ۱۹۳۹ در شهر وورتسبورگ آلمان می‌باشد. در ۱۹۵۸ در دانشگاه وورتسبورگ به تحصیل در رشته زبان‌شناسی تطبیقی هند و اروپایی، هند و ایرانی و زبان‌شناسی کلاسیک پرداخت. وی سپس تحصیلات خود در این رشته را نزد استادانی چون مایرهوفر و هوفمان، ارلانگن و زاربروکن تکمیل کرد.

در ۱۹۶۵ به دریافت درجه دکتری در رشته فلسفه نایل آمد. از ۱۹۶۳ به عنوان مدیر امور خدماتی و دستیار علمی در انستیتوی علوم زبان‌شناسی تطبیقی هند و اروپایی و هند و ایرانی در

دانشگاه زارلند اشتغال داشت. در ۱۹۷۰ استادیار، در ۱۹۷۲ مشاور علمی و سپس استاد دانشگاه زارلند گردید. در ۱۹۷۸ از طرف دانشگاه اینسبروک عنوان استاد افتخاری به وی اهدا شد. پروفیسور اشمیت تحقیقات و مقالات و کتب فراوانی را پیرامون ایران برشته تحریر در آورده است که بخشی از آن عبارتند از:

یادداشتی پیرامون نام‌شناسی در ایران باستان - جایگاه زبان ارمنی در حوزه زبان‌های هند و ژرمنی - مطالعات پیرامون زبان ادبی هند و ژرمنی (پایان‌نامه دکترای) - جزئیاتی درباره زبان فارسی باستان - فارسی باستان در کنار افراشته - لهجه‌های هند و اروپایی باستانی (نقد) - عقاب در ایران باستان - امپراطوری ایران (نقد) - واژه‌نامه زبان‌شناسی (نقد) - فتودالیسم در ایران باستان (نقد) - پژوهش‌های ایران‌شناختی بر اساس کتیبه‌های آسیای صغیر - شرق ایران و آسیای مرکزی در جغرافیای بطلمیوس (نقد) - تأثیر زبان‌های ایرانی بر کتیبه‌های فریگیایی - بررسی نام‌های ویژه تخت جمشید (نقد) - طرح پنج موضوعی کتیبه‌های ایران باستان (نقد) - اسامی تخت پادشاهی در نزد هخامنشیان - مسائل مربوط با بررسی اسامی اشخاص در دولت چندملیتی هخامنشیان - نام رودهای آسیای صغیر (نقد) - اسامی خاص برگرفته از نام خدایان، ساخته شده با میثره (مهر) در فارسی باستان - کلمات و حروف محفوظ مانده در کتیبه‌های شوش.



## برت فراگنر (Bert G. Fragner)

(27.11.1940 in Wien\*)



برت فراگنر متولد ۲۷ نوامبر ۱۹۴۰ در وین (اتریش) است. وی دوران دبستان و دبیرستان خود را در وین تا سال ۱۹۵۹ طی نمود. سپس دوران تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته های خاورشناسی و مردم شناسی و تاریخ عمومی از سال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۶۴ در دانشگاه وین به پایان رسانید. تحصیلات وی در رشته خاورشناسی عبارت بوده اند از زبان فارسی، زبان عربی، زبان ترکی عثمانی و چغتایی. تحصیلات تکمیلی فراگنر عبارتند از:

- ⇐ تحصیل در دانشگاه تهران: از سال های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ هجری شمسی در رشته زبان و ادبیات فارسی، تاریخ ایران زیر نظر استادان راهنمای خود دکتر مجتبی مینوی، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر ایرج افشار، دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر منوچهر ستوده، دکتر محبوب، استاد دکتر زرین کوب.
- ⇐ دریافت دکترا: در سال ۱۹۷۰ از دانشگاه وین (موضوع رساله: شهر همدان از ظهور اسلام تا اواخر حکومت سلجوقیه)
- ⇐ سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۵: دانشیاری در دانشگاه فرایبورگ در آلمان (Freiburg) تحت نظارت پروفسور رویمر (Prof. Roemer)
- ⇐ اخذ دکترای دوم در سال ۱۹۷۷ با موضوع رساله «خاطرات نویسی در ایران دوره ی قاجاریه»
- ⇐ سال ۱۹۸۵: استاد دانشگاه آزاد برلین (Berlin) در رشته ی ایران شناسی
- ⇐ سال ۱۹۸۹: استاد دانشگاه بامبرگ (Bamburg) و بنیانگذاری رشته ی ایران شناسی
- ⇐ تربیت ۲۰ دانشجوی دوره ی دکترا در این رشته و ۳۵ نفر فوق لیسانس
- ⇐ فراگنر تاکنون ۵ جلد کتاب منتشر نموده و تقریباً ۶۰ مقاله و حدوداً ۶۰ نقد کتاب داشته اند که بیشتر آنها به مسائل گوناگون تاریخ ایران در ارتباط با دوره ی مغول و اواخر دوره ی قاجاریه و همچنین درباره ی آسیای مرکزی از تیمور تا قرن بیستم است.

← از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ دبیر انجمن ایران شناسی در اروپا و از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ ریاست این انجمن را عهده دار بود.

← وی از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۰۳ عهده دار رییس انجمن خاور شناسان آلمان بود.

← از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ به ریاست انستیتوی ایران شناسی در آکادمی علوم اطریش در وین منصوب شد. وی پس از آن بازنشسته گردید.

### ولفگانگ گونتر لرش (Wolfgang Günter Lerch)

(\* 21 März 1946 in Friedberg)



ولفگانگ گونتر لرش در سال ۱۹۴۶ در شهر فریدبرگ واقع در ایالت هسن متولد شد. او در ابتدا تحصیلات خود را با زبان و ادبیات آلمانی آغاز کرد. پس از آن به تحصیل در رشته های، زبان و ادبیات آلمانی، فلسفه، اسلام شناسی و علوم ادیان در دانشگاه های فرایبورگ و توینگن پرداخت.

او رساله کارشناسی ارشد خود را نزد پروفسور فان اس، اسلام شناس شهیر آلمانی پیرامون «تصوف ایرانی» به رشته تحریر درآورد. گونتر

لرش سفرهای زیادی به کشورهای خاورمیانه به ویژه ترکیه، ایران، سوریه و عراق کرده است. این سفرها موجب شد علاقمندی او به مسائل مربوط به کشورهای اسلامی و مردم آنها تعمیق یابد.

او در سال ۱۹۷۸ به هیات تحریریه روزنامه آلمانی زبان فرانکفورتر آگماینه وارد شد. از آن زمان به بعد خود را با مسائل و وقایع سیاسی کشورهای آفریقا و خاور نزدیک مشغول داشت.

لرش آثار<sup>۶۸</sup> متعددی پیرامون جهان اسلام و ادبیات ترکیه منتشر کرده است.

➤ <sup>68</sup> Der Golfkrieg. Ereignisse, Gestalten, Hintergründe. Piper, München, Zürich 1988, ISBN 3-492-10956-X.  
 ➤ Kein Frieden für Allahs Völker. Die Kriege am Golf. Geschichte, Gestalten, Folgen. Fischer, Frankfurt am Main 1991, ISBN 3-10-043809-4.

دزموند دورکین - مایسترارنست (Desmond Durkin-Meisterernst)



Prof. Dr. Desmond Durkin-Meisterernst

Institut für Iranistik

Honorarprofessor

Schwendenerstr. 17

14195 Berlin

Tel.: + 49-(0)30-838-53578

Fax: + 49-(0)30-838-56493

E-Mail: durkin-meisterernst@bbaw.de

پروفسور دزموند دورکین - مایسترارنست از ایران شناسان آلمانی و متخصص در زبان‌های هند و اروپایی و زبان و ادبیات ایران باستان محسوب می‌گردد که بعنوان استاد افتخاری در دانشگاه آزاد برلین تدریس می‌نماید.

وی تاکنون دهها کتاب و مقاله نگارش کرده است که برخی از آنها و موضوعات مورد بحث آن بشرح ذیل است:

← واژگان فارسی میانه مانوی و اشکانیان،

← متون فارسی میانه و اشکانی در مجموعه تورفان

- Halbmond, Kreuz und Davidstern. Nationalitäten und Religionen im Nahen und Mittleren Osten. Eichborn, Frankfurt am Main 1992, ISBN 3-8218-1135-8.
- Tod in Bagdad oder Leben und Sterben des Al-Halladsch. Historischer Roman. Artemis und Winkler, Düsseldorf, Zürich 1997, ISBN 3-538-07050-4.
- mit Joachim Willeitner, Hans-Joachim Budeit: Türkei. Von der Antike zum Islam. Hirmer, München 1998, ISBN 3-7774-7950-0 (neu: ISBN 3-7774-7955-1).
- Muhammeds Erben. Die unbekannte Vielfalt des Islam. Patmos, Düsseldorf 1999, ISBN 3-491-72410-4.
- Denker des Propheten. Die Philosophie des Islam. Patmos, Düsseldorf 2000, ISBN 3-491-72429-5.
- Der Kaukasus. Nationalitäten, Religionen und Großmächte im Widerstreit. Europa, Hamburg, Wien 2000, ISBN 3-203-79530-2.
- Die Laute Osmans. Türkische Literatur im 20. Jahrhundert. Allitera, München 2003, ISBN 3-935877-86-2.
- Händler, Mullahs, Autokraten. Aus den Ländern des Islam. Allitera, München 2003, ISBN 3-86520-017-6.
- Der Islam in der Moderne. Aspekte einer Weltreligion. Allitera, München 2004, ISBN 3-86520-056-7.
- Zwischen Steppe und Garten. Türkische Literatur aus tausend Jahren. Allitera, München 2008, ISBN 978-3-86520-324-3.

- ← تورفان، پژوهش در هنر و فرهنگ جاده ابریشم
- ← القای ترس به عنوان یک وسیله آموزش دینی،
- ← ریشه های فارسی - یهودی در فارسی و ظهور فارسی جدید
- ← جهان دانش، واژه نگاری تاریخی و روشنگری اروپایی
- ← تدوین مطالعات ایرانی در مجله Literaturzeitschrift
- ← دستور زبان ایرانی میانه (پارتی و فارسی میانه)
- ← ویرایش فارسی میانه و اشکانی در تورفان

### ماریا ماسوخ (Maria Macuch)



Prof. Dr. Maria Macuch

Institut für Iranistik

Schwendenerstr. 17

14195 Berlin

Tel.: + 49-(0)30-838-53579

Fax: + 49-(0)30-838-56493

E-Mail: macuch@zedat.fu-berlin.de

خانم پروفسور دکتر ماریا ماسوخ از ایران شناسان آلمانی و متخصص در زبان های هند و اروپایی و زبان و ادبیات ایران باستان محسوب می گردد که ریاست انستیتو ایران شناسی دانشگاه آزاد برلین را عهده دار است.

وی در ترم زمستانی ۲۰۱۲-۲۰۱۳ به مدرس مبحث «ایران و توران» و «ادبیات ایران و منابع آن» در دانشگاه اقدام بوده است. وی تاکنون دهها جلد کتاب، مقاله با عناوین «تهادهای ساسانی در اوایل دوره

اسلامی»، «قانون ساسانیان»، «بنیادهای خیریه در دوره ساسانی»، «اصول زرتشتی و ساختار خویشاوندی در عهد ساسانیان»، «مبانی پارسا در قانون روم شرقی و ساسانی»، «استفاده از مهر و موم در دستگاه حقوقی ساسانیان»، «رابطه کلیسا و دولت در عهد ساسانیان»، «آئین های زرتشتی گری و ساسانی و تأثیر آن بر سایر نظام های حقوقی»، «تاریخ وزبان های ایرانی در دوران پیش از اسلام»، «ترمینولوژی حقوقی ایرانیان در پرتو دستگاه حقوقی ساسانیان» و «نحوه رفتار با حیوانات در قوانین زرتشتی» به رشته تحریر درآورده و در دهها همایش و سمپوزیوم علمی و تحقیقاتی با عناوینی همانند «یهودیان ایران: از گذشته تا امروز»، «زرتشتیان در گذشته و در حال حاضر»، «شرق و غرب: تضاد و همزیستی فرهنگ های حقوقی» سخنرانی نموده است.

ماریا ماسوخ همچنین سردبیری «ایرانیکا» را از سال ۱۹۹۳ عهده دار است که توسط انتشارات «هاراسوویتس»<sup>۶۹</sup> در ویسبادن منتشر می شود.

### فریاد فیصل عمر (Feryad Fazil Omar)



Feryad Fazil Omar  
Institut für Iranistik  
Studienrat im Hochschuldienst  
Schwendenerstr. 17  
14195 Berlin  
Tel.: + 49-(0)30-838-53573  
Fax: + 49-(0)30-838-56493  
E-Mail: ffomar@zedat.fu-berlin.de

فریاد فیصل عمر مدرس زبان کردی، ادبیات و تاریخ کردی و رئیس «موسسه مطالعات کردی» است که بعنوان بخشی از انستیتو ایران شناسی برلین محسوب می گردد. وی تاکنون کتب متعددی که بیشتر آن پیرامون گردآوری واژگان کردی است، برشته تحریر درآورده است که عبارتند از:

<sup>69</sup> Iranica, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden

← فرهنگ لغت کُردی - آلمانی (کرمانجی)

← فرهنگ لغت کُردی - آلمانی (سورانی)

← کتاب آلمانی کُردی (سورانی)

← اشعار کُردی «نواهای نورانی»

← اشعار کُردی «نواهایی از اشعار بیگانه»

شایان ذکر است «موسسه مطالعات کُردی» وابسته به انستیتو ایران‌شناسی دانشگاه برلین است که مطالعات تحقیقاتی آن بیشتر پیرامون زبان کُردی و فرهنگ آموزش و پرورش، نظام اجتماعی کُردها در آلمان، ترویج همگرایی و تبادل فرهنگی در جامعه کُردها است. این موسسه برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ به عنوان یک مرکز تحقیقاتی توسط گروهی از اساتید دانشگاه آزاد برلین پایه‌گذاری گردید. از سال ۱۹۹۵ این موسسه به یک اتحادیه غیر انتفاعی و علمی تغییر یافت.

«موسسه مطالعات کُردی» جهت ارتقاء جایگاه علمی خود به بررسی و تحقیق پیرامون جامعه و تاریخ، علوم انسانی، آموزش علوم اجتماعی و نیز مسائل مربوط به فرهنگ کُردی همانند زبان، ادبیات، موسیقی و هنرهای تجسمی می‌پردازد.

از دیگر محورهای مطالعات تحقیقاتی این موسسه موارد ذیل آمده است:

← ترکیه

← معضلات کردستان

← عراق - ایران

← اقلیتهای مذهبی و قومی در ایران

← کردستان (عراق، ایران، سوریه و ترکیه)

← زبان کُردی

← ادبیات کُردی - عربی

← تاریخ و سیاست در ایران و عراق

← یزدیه

**بیرگیت هوفمان (Birgitt Hoffmann)**



Prof. Dr. Birgitt Hoffmann  
Otto-Friedrich-Universität  
Lehrstuhl Iranistik  
An der Universität 11  
96047 Bamberg  
E-Mail: birgitt.hoffmann@uni-  
bamberg.de  
Telefon: + 49 (0)951 - 863 2178  
Fax: + 49 (0)951 - 863 2184

بیرگیت هوفمان در سال ۱۹۵۳ در شهر «اوفون بورگ» آلمان به دنیا آمد. در سال ۱۹۷۲ موفق به پایان دوره دبیرستانی شد. از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ به تحصیل در دانشگاه «آلبرت لودویگ» شهر فرایبورگ در رشته اسلام شناسی با محوریت زبان های عربی، فارسی و ترکی و نیز رشته زبان و ادبیات آلمانی پرداخت. در سال ۱۹۷۹ موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته اسلام شناسی شد. او در سال ۱۹۸۵ مدرک دکتری را از دانشگاه فرایبورگ کسب کرد. وی سپس به تدریس در دانشگاه آزاد برلین، دانشگاه وورتسبورگ، دانشگاه بن و نهایتاً دانشگاه بامبرگ پرداخت.

وی از سال ۲۰۰۵ میلادی تاکنون مسئولیت ریاست کرسی ایران شناسی دانشگاه «وتو فریدریش» بامبرگ را عهده دار است.

**رخسانه هاگ-هیگوچی (Roxane Haag-Higuchi)**



Dr. Roxane Haag-Higuchi  
An der Universität 11  
96047 Bamberg  
E-Mail: roxane.haag-higuchi@uni-bamberg.de  
Telefon: + 49 (0)951 - 863 2177  
Fax: + 49 (0)951 - 863 2184

رخسانه هاگ-هیگچی طی سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۴ به تحصیل در دانشگاه فرایبورگ در رشته اسلام‌شناسی و زبان شناسی پرداخت. وی سپس به مدت یک سال (از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹) از یک فرصت مطالعاتی در ایران بهره مند شد.

وی در سال ۱۹۸۴ رساله و پایان نامه ی دکترای خود را پیرامون «تاریخچه قصه گویی در ایران» به رشته تحریر درآورد. وی از آن تاریخ تاکنون به عنوان دستیار پژوهشی در موسسه مطالعات ایران شناسی دانشگاه بامبرگ مشغول به کار است.

محور اصلی تحقیقات و فعالیت های پژوهشی وی در حوزه ی ترجمه آثار نویسندگان معاصر ایرانی به آلمانی، قصه گویی در ایران، ادبیات ایرانگردی، ادبیات قرن ۱۹ و ۲۰ ایران، علم ترجمه، داستان های نوین ایران و پشتیبانی فنی برای تهیه نسخه جدید از دایره المعارف ادبیات ایران Kindler اختصاص دارد.

### کریستوف هرتسوغ (Christoph Herzog)



Prof. Dr. Christoph Herzog

An der Universität 11

96045 Bamberg

Tel. + 49 (0) 951 - 863 2181

E-Mail: christoph.herzog@uni-bamberg.de

پروفسور دکتر کریستوف هرتسوغ در سال ۱۹۸۸ موفق به کسب کارشناسی ارشد در رشته هنر از دانشگاه بامبرگ گردید. هرتسوغ پس از طی دوره سه ساله به عنوان دستیار پژوهشی در گروه زبان ها و فرهنگ شرق میانه در دانشگاه هایدلبرگ موفق گردید در سال ۱۹۹۵ دکترای خود را در بخش مطالعات اسلامی از دانشگاه بامبرگ کسب نماید.

به دنبال آن وی در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به عنوان دانشیار تاریخ عثمانی در دانشگاه ماکسیمیلیان مونیخ به فعالیت خود ادامه داد. در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ معاونت دانشگاه در گروه زبان ها و فرهنگ



شرق میانه را عهده دار گردید. در سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ به عنوان محقق در موسسه شرق شناسی استامبول و استاد تاریخ عثمانی در دانشگاه «بیلکنت» آنکار مشغول به کار شد. از سال ۲۰۰۸ وی علاوه بر همکاری پژوهشی در مرکز مطالعات شرق مدرن برلین، ریاست کرسی ترک شناسی دانشگاه بامبرگ را عهده دار است.

### دکتر جفری هیگ (Geoffrey Haig)



Prof. Dr. Geoffrey Haig

O bere Karolinenstraße 8  
96049 Bamberg

Telefon: 0951/863 2490

Fax: 0951/863 5490

E-Mail: geoffrey.haig@uni-bamberg.de

جفری هیگ در سال ۱۹۹۳ رساله‌ی کارشناسی ارشد خود را با عنوان «ساختار نوشتاری نوین در علم زبان شناسی» در دانشگاه کیل آلمان به پایان رساند.

در نوامبر ۱۹۹۷ وی موفق شد رساله دکترای خود را در همین دانشگاه با عنوان «ساختار نسبی در (زبان) ترکی» را ارائه دهد.

تدریس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه کیل، استفاده از فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقاتی زبان شناسی استرالیا، شرکت در پروژه تحقیقاتی ساختار دستور زبان کُردی کُرمانجی، تدریس در بخش زبان شناسی دانشگاه بیلفلد آلمان از دیگر فعالیت های مهم جفری هیگ محسوب می‌گردد.

وی از جولای سال ۲۰۱۰ عهده دار مسئولیت کرسی زبان شناسی دانشگاه بامبرگ است.

پروژه های تحقیقاتی کرسی زبان شناسی دانشگاه بامبرگ بر زبان شناسی شرق میانه استوار است. در این تحقیقات منطقه تحت پوشش بین النهرین و سرزمین های حومه آن که اکنون میان سه کشور ایران، ترکیه و عراق تقسیم شده است و دارای گسترده ترین تنوع زبانی در منطقه است، مورد بررسی و

کنکاش قرار می‌گیرد. از مهمترین زبان‌های این منطقه که توسط سکنه آن تکلم می‌شود، در کنار کردی، فارسی و ترکی است.



### لاله بهزادی (Lale Behzadi)

Prof. Dr. Lale Behzadi

An der Universität 11

96045 Bamberg

Tel: 0951/863-2278

E-Mail: lale.behzadi@uni-bamberg.de

خانم پروفسور دکتر لاله بهزادی تحصیلات دانشگاهی خود را در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ در رشته‌های زبان‌شناسی آلمانی و علوم خاورمیانه در دانشگاه هاله به پایان رساند. سپس طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ به ادامه تحصیلات خود در رشته عرب‌شناسی، اسلام‌شناسی، زبان‌شناسی آلمانی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌های گوتینگن و قاهره پرداخت.

وی رساله دکتری خود را با عنوان «نثر کوتاه ادبی در مصر» نگارش نمود. به دنبال آن وی به مدت یک سال در دانشگاه ینا در بخش اسلام‌شناسی و سامی‌شناسی به فعالیت علمی پرداخت. در سالهای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ او در دانشگاه‌های ینا، هاله و لایپزیک به عنوان مدرس زبان فارسی فعالیت می‌کرد.

خانم بهزادی در سال ۲۰۰۴ میلادی در سمت استادیار دانشکده عرب‌شناسی دانشگاه گوتینگن منصوب شد. به دنبال آن به مدت چهار سال (۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸) در پی یک فرصت مطالعاتی به لبنان سفر نمود و در دانشگاه آمریکایی بیروت به تحقیق و تدریس مشغول گردید.

وی در پایان مدت اقامت خود در لبنان بعنوان دستیار ارشد علمی بخش عرب‌شناسی دانشگاه گوتینگن به ادامه فعالیت‌های دانشگاهی پرداخت. وی در سال ۲۰۰۹ پس از امتناع از قبول ریاست کرسی فرهنگ و ادبیات عرب دانشگاه آمستردام، بعنوان استاد رشته عرب‌شناسی دانشگاه بامبرگ مشغول به کار گردید.

محور اصلی فعالیت های بخش عرب شناسی دانشگاه بامبرگ عبارت است از:

- ← ادبیات عرب و تاریخ روشنفکری
- ← تاریخچه شعارهای عربی و تئوری ادبی
- ← نگاهی به ادبیات مدرن کشورهای مصر و لبنان
- ← زبان و مذهب (عرب) و فلسفه زبان
- ← ادبیات تطبیقی

### گوتس کونیش (Götz König)



Dr. Götz König

Institut für Iranistik

Wissenschaftlicher Mitarbeiter

Schwendenerstr. 17

14195 Berlin

Tel.: + 49-(0)30-838-57023

Fax: + 49-(0)30-838-56493

E-Mail: goetz\_koenig@yahoo.de

دکتر گوتس کونیش استادیار انستیتو ایران شناسی دانشگاه آزاد برلین است که متخصص در زبان های هند و اروپایی و زبان و ادبیات ایران باستان محسوب می گردید. مقالات، سخنرانی ها و جزوات نگارش شده از سوی دکتر کونیش حول محورهای ذیل است:

- ← داستان های تهمورث و جمشید، نسخه جدید متن فارسی در نسخ پهلوی
- ← اخلاق جنسی و همجنس گرایی در آیین زرتشتی
- ← چهره ی «مرد صادق» در ادبیات زرتشتی

- ← تحولات ادبی در اواخر دوره زرتشتیان
- ← مستندات اوستا
- ← تاریخچه اوستا
- ← نگاهی به فعالیت پژوهشگران زرتشتی در قرون نهم و دهم

### دیتر وبر (Dieter Weber)

Dr. Dieter Weber

Institut für Iranistik

Wissenschaftlicher Mitarbeiter

Schwendenerstr. 17

14195 Berlin

Tel.: + 49-(0)5554-1982

E-Mail: weberdieter7@t-online.de

دکتر دیتر وبر استادیار انستیتو ایران شناسی دانشگاه آزاد برلین است که متخصص در زبان های هند و اروپایی و زبان و ادبیات ایران باستان محسوب می گردید.

وی صاحب دهها جلد کتاب، مقاله و جزوات نگارش شده حول محورهای ذیل است:

- (۱) متون مانوی تورفان
- (۲) پوست نبشته های زبان فارسی میانه
- (۳) مطالعات ایرانی توسط دیود نیل مکنزی
- (۴) تاریخ امپراتوری اشکانی
- (۵) زبان سغدی، مطالعات هند و اروپایی، زبان پهلوی
- (۶) مشکلات خط و نگارش پهلوی، آواشناسی زبان پهلوی، مورفولوژی پهلوی

## ۷) کتیبه های دوره سلوکیان و اشکانیان

شایان ذکر است دکتر دیترو و بر در چندین پروژه تحقیقاتی ایران شناسی که توسط خانم پروفیسور دکتر ماریا ماسوخ مدیریت می‌گردد، مشارکت دارد. بودجه این پروژه ها از سوی بنیاد تحقیقات آلمان-DFG- تامین می‌گردد.

این پروژه ها پیرامون موضوعات ذیل هستند:

← قوانین حقوقی ایران پیش از اسلام: تحقیق پیرامون بازیابی حقوق فقهی زرتشتیان در عهد ساسانیان

← تعامل قوانین دوره ساسانیان با حوزه های قضایی دیگر (یهودی، مسیحی، نسطوری، بیزانس، قانون اسلامی)

← اسناد اقتصادی و حقوقی در خط پهلوی، مشکلات خط پهلوی

← پذیرش زرتشت در عهد ساسانیان

← مطالعات نسخ قدیمی و خطی ایران باستان

### جدول اطلاعات برخی اساتید ایران‌شناس در دانشگاه‌های آلمانی زبان

قابل ذکر است که در دانشگاه‌های آلمان تعداد کرسی‌های ثابت بسیار کم است و اساتید ممکن است به فاصله دو تا پنج سال محل تدریس خود را تغییر دهند. آن‌چه پیش روی شماست جدولی است که اصل آن در سال ۲۰۱۰ و قبل از آن تهیه شده و در ژانویه ۲۰۱۴ اطلاعات آن به روز شده است. هدف از ارائه این جدول ساده‌تر کردن کار محققان داخلی برای همکاری با ایران پژوهان منطقه آلمانی زبان است.

ردیف	دانشگاه	نام استاد	سمت	آدرس اینترنتی
۱	دانشگاه بامبرگ	پرفسور دکتر بریگیت هوفمن Prof. Dr. Brigitt Hofmann	صاحب کرسی	<a href="http://www.uni-bamberg.de/zemas/organisation/mitglieder/ordentliche-mitglieder/prof-dr-birgitt-hoffmann/">http://www.uni-bamberg.de/zemas/organisation/mitglieder/ordentliche-mitglieder/prof-dr-birgitt-hoffmann/</a>
۲	دانشگاه بامبرگ	دکتر رکسانا هاگ-هیگوچی PD. Dr. Roxane Haag- Higuchi	استادیار	<a href="http://www.uni-bamberg.de/iranistik/lehrstuhlteam/dr-roxane-haag-higuchi/">http://www.uni-bamberg.de/iranistik/lehrstuhlteam/dr-roxane-haag-higuchi/</a>
۳	آکادمی علوم اتریش	دکتر کریستیان نول-کریمی PD. Dr. Christine Nölle- Karimi	استادیار	<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/nuelle-karimi_christine.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/nuelle-karimi_christine.html</a>
۳	آکادمی علوم اتریش	پروفیسور دکتر فلوریان شوارتز پروفیسور دکتر فلوریان شوارتز	استاد و مدیر موسسه	<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/schwarz_florian.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/schwarz_florian.html</a>
۴	آکادمی علوم اتریش	دکتر امر طاهر احمد Dr. Amr Taher Ahmed	دستیار علمی	<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/ahmed_amr.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/ahmed_amr.html</a>
۵	آکادمی علوم اتریش	دکتر چیارا بریطی Dr. Chiara Barbati	دستیار علمی	<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/barbati_chiara.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/barbati_chiara.html</a>
۶	آکادمی علوم اتریش	پروفیسور دکتر ابا کُخ Prof. Dr. Ebba Koch	مدیر پروژه	<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/koch_ebba.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/koch_ebba.html</a>

<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/landau_justine.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/landau_justine.html</a>	دستیار علمی	دکتر جاستین لاندو Dr. Justine Landau	آکادمی علوم اتریش	۷
<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/sadovski_velizar.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/sadovski_velizar.html</a>	دستیار علمی	دکتر ولیزار سادوفسکی Univ.-Doz. Dr. Velizar Sadovski	آکادمی علوم اتریش	۸
<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/sartori_paolo.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/sartori_paolo.html</a>	دستیار علمی	دکتر پائولو سارتوری Dr. Paolo Sartori	آکادمی علوم اتریش	۹
<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/szanto_ivan.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/szanto_ivan.html</a>	دستیار علمی	دکتر ماگ ایوان سانتو Dr. MMag. Iván Szántó	آکادمی علوم اتریش	۱۰
<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/wentker_sibylle.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/wentker_sibylle.html</a>	دستیار علمی	دکتر زیبیله ونتکر Dr. Sibylle Wentker	آکادمی علوم اتریش	۱۱
<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/fragner_bert.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/fragner_bert.html</a>	مدیر قبلی گروه، بازنشسته	پرفسور دکتر برت فرانگر Prof. Dr. Bert G. Fragner	آکادمی علوم اتریش	۱۲
<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/gaechter_afsaneh.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/gaechter_afsaneh.html</a>	دستیار علمی	دکتر افسانه گِشتر Dr. Afsaneh Gächter	آکادمی علوم اتریش	۱۳
<a href="http://www.uni-bamberg.de/?id=25637">http://www.uni-bamberg.de/?id=25637</a>	دستیار علمی	شایان غروی M.A. Schayan Gharevi	دانشگاه بامبرگ	۱۴
<a href="http://www.uni-bamberg.de/?id=25645">http://www.uni-bamberg.de/?id=25645</a>	دستیار	میترا شریفی-نی ستاناک Mitra Scharifi-Gharevi	دانشگاه بامبرگ	۱۵
<a href="http://www.oeaw.ac.at/iran/german/popp_stephan.html">http://www.oeaw.ac.at/iran/german/popp_stephan.html</a>	دستیار علمی	دکتر شتفان پُپ Dr. Stephan Popp	آکادمی علوم اتریش	۱۶
<a href="http://www.uni-bamberg.de/?id=25654">http://www.uni-bamberg.de/?id=25654</a>	دستیار علمی	صوکت کوسوخوئین Dr. sevket Kücükhüseyn	دانشگاه بامبرگ	۱۷
<a href="http://www.uni-bamberg.de/?id=28787">http://www.uni-bamberg.de/?id=28787</a>	دستیار علمی	رویا دهداریان Roja Dehdarian	دانشگاه بامبرگ	۱۸
<a href="http://www.uni-bamberg.de/iranistik/lehrstuhlteam/andreas-wilde/">http://www.uni-bamberg.de/iranistik/lehrstuhlteam/andreas-wilde/</a>	دستیار علمی	آندراس ویلده Andreas Wilde	دانشگاه بامبرگ	۱۹

<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/buyaner/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/buyaner/index.html</a>	دستیار علمی	دکتر داوید بویانر Dr. David Buyaner	دانشگاه آزاد برلین	۲۰
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/tavakoli/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/tavakoli/index.html</a>	دستیار علمی	فریفته توکلی Farifteh Tavakoli	دانشگاه آزاد برلین	۲۱
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/professoren/macuch/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/professoren/macuch/index.html</a>	استاد دانشگاه	پرفسور دکتر ماریا ماسوچ Prof. Dr. Maria Macuch	دانشگاه آزاد برلین	۲۲
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/koenig/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/koenig/index.html</a>	دستیار علمی	دکتر گوتز کونیش Dr. Götz König	دانشگاه آزاد برلین	۲۳
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/omar/">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/omar/</a>	دستیار علمی	فریاد فازیل اُمر Feryad Fazil Omar	دانشگاه آزاد برلین	۲۴
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/drittmittel/weber/">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/drittmittel/weber/</a>	دستیار علمی	دکتر دیتر وِبر Dr. Dieter Weber	دانشگاه آزاد برلین	۲۵
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/drittmittel/colditz/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/drittmittel/colditz/index.html</a>	همکار در پروژه	دکتر ایریص کولدیتز Dr. Iris Coldiitz	دانشگاه آزاد برلین	۲۶
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/honorarprofessoren/durkin-meisterernst/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/honorarprofessoren/durkin-meisterernst/index.html</a>	استاد	دکتر دِسمُنْد دُرکین - مایسترارنست Prof. Dr. Desmond Durkin-Meisterernst	دانشگاه آزاد برلین	۲۷
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/lehrbeauftragte/mameghanian/">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/lehrbeauftragte/mameghanian/</a>	مدرس قراردادی	مریم مامقانیان-پرنسلو Maryam Mameghanian-Prenzlow	دانشگاه آزاد برلین	۲۸
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/naumann/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/wimis/naumann/index.html</a>	دستیار علمی	اینگرید نویمان Ingrid Naumann	دانشگاه آزاد برلین	۲۹
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/drittmittel/jokisch/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/drittmittel/jokisch/index.html</a>	همکار در پروژه	دکتر بنجامین کوکیش PD Dr. Benjamin Jokisch	دانشگاه آزاد برلین	۳۰
<a href="http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/somis/naumann/index.html">http://www.geschkult.fu-berlin.de/e/iranistik/mitarbeiter/somis/naumann/index.html</a>	همکار در پروژه	کلادیوس ناومن Claudius Naumann	دانشگاه آزاد برلین	۳۱



<a href="http://www.uni-goettingen.de/en/133087.html">http://www.uni-goettingen.de/en/133087.html</a>	استاد و مدیر گروه	پرفسور دکتر کرینبروک Prof. Dr. Philip G. Kreyenbroek	دانشگاه گوتینگن	۳۲
<a href="http://www.uni-goettingen.de/de/198879.html">http://www.uni-goettingen.de/de/198879.html</a>	مدرس قراردادی	دکتر آنتیه وندلند Dr. des. Antje Wendtland	دانشگاه گوتینگن	۳۳
<a href="http://www.uni-goettingen.de/de/133093.html">http://www.uni-goettingen.de/de/133093.html</a>	دستیار علمی	دکتر کاتیا فولمر Dr. Katja Föllmer	دانشگاه گوتینگن	۳۴
<a href="http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/dr.-ghasem-toulany">http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/dr.-ghasem-toulany</a>	همکار پروژه	دکتر قاسم طولانی Dr. Ghasem Toulany	دانشگاه بن	۳۵
<a href="http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/europava/mitarbeiter/team/khosravie/kontakt?set_language=de">http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/europava/mitarbeiter/team/khosravie/kontakt?set_language=de</a>	مدیر پروژه	دکتر یاسمین خسروی Dr. Jasmin Khosravie	دانشگاه بن	۳۶
<a href="http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/sebastian-kurt-heine">http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/sebastian-kurt-heine</a>	پست داک	دکتر سباستین کورت هاینه Dr. Sebastian Kurt Heine	دانشگاه بن	۳۷
<a href="http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/chiara-riminucci-heine">http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/chiara-riminucci-heine</a>	پست داک	دکتر چیارا ریمینوچی هاینه Dr. Chiara Riminucci-Heine	دانشگاه بن	۳۸
<a href="http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/reza-zanganeh">http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/reza-zanganeh</a>	مدرس قراردادی	رضا زنگنه Reza Zanganeh	دانشگاه بن	۳۹
<a href="http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/zohreh-khorsandi">http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/zohreh-khorsandi</a>	دانشجوی دکتری	زهره خرسندی Zohreh Khorsandi	دانشگاه بن	۴۰
<a href="http://www.khi.fi.it/maaz/mitarbeiter/people/wissPersonal/wissM345/index.html">http://www.khi.fi.it/maaz/mitarbeiter/people/wissPersonal/wissM345/index.html</a>	محقق در موسسه ماکس پلانک در فلورانس ایتالیا	الهه هلیبگ Elahe Helbig	دانشگاه بن	۴۱
<a href="http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/anna-kollatz">http://www.ioa.uni-bonn.de/abteilungen/islamwissenschaft/personen/anna-kollatz</a>	دانشجوی دکتری و دستیار علمی	آنا کولاتز Anna Kollatz	دانشگاه بن	۴۲

<a href="https://www.uni-goettingen.de/de/133097.html">https://www.uni-goettingen.de/de/133097.html</a>	مدرس قراردادی	دکتر آنکه چیسکین پروشک Dr. Anke Joisten Pruschke	دانشگاه گوئینگن	۴۳
<a href="http://www.uni-goettingen.de/de/137077.html">http://www.uni-goettingen.de/de/137077.html</a>	دستیار علمی	دکتر خانامرحالی اُسویان Dr. Khanna Omarkhali Usoyan	دانشگاه گوئینگن	۴۴
<a href="http://www.uni-goettingen.de/de/139481.html">http://www.uni-goettingen.de/de/139481.html</a>	دستیار علمی	دکتر شاهرخ رائی Dr. Shahrokh Raci	دانشگاه گوئینگن	۴۵
<a href="http://www.uni-goettingen.de/de/137076.html">http://www.uni-goettingen.de/de/137076.html</a>	دستیار علمی	دکتر کیانوش رضانیا	دانشگاه گوئینگن	۴۶
<a href="http://www.uni-goettingen.de/de/65537.html">http://www.uni-goettingen.de/de/65537.html</a>	استاد	پرفسور دکتر مارزولف. Prof. Dr U. Marzolph	دانشگاه گوئینگن	۴۷
<a href="http://www.uni-goettingen.de/en/132780.html">http://www.uni-goettingen.de/en/132780.html</a>	از دانشوران مرتبط با گروه	دکتر کومیکو یاماموتو Dr. Kumiko Yamamoto	دانشگاه گوئینگن	۴۸
<a href="http://www.uni-goettingen.de/en/211043.html">http://www.uni-goettingen.de/en/211043.html</a>	مدرس قراردادی	الیاسعیسا Ilyas Isa	دانشگاه گوئینگن	۴۹
<a href="http://www.uni-goettingen.de/en/151657.html">http://www.uni-goettingen.de/en/151657.html</a>	دانشجوی دکتری	لیلا صمدی رندی Leila Samadi-Rendy	دانشگاه گوئینگن	۵۰
<a href="http://titus.uni-frankfurt.de/personal/gholami.htm">http://titus.uni-frankfurt.de/personal/gholami.htm</a>	پست داک	دکتر سالومه غلامی Dr. Saloumeh Gholami	دانشگاه فرانکفورت	۵۱
<a href="http://www.aai.uni-hamburg.de/voror/Personal/Paul.html">http://www.aai.uni-hamburg.de/voror/Personal/Paul.html</a>	استاد دانشگاه	پرفسور دکتر پاول لودویگ Prof. Dr. Paul Ludwig	دانشگاه هامبورگ	۵۲
<a href="http://www.aai.uni-hamburg.de/voror/Personal/Shaghaghi.html">http://www.aai.uni-hamburg.de/voror/Personal/Shaghaghi.html</a>	دستیار علمی	رامین شقاقی Ramin Shaghaghi	دانشگاه هامبورگ	۵۳
<a href="http://www.aai.uni-hamburg.de/voror/Personal/Jordan.html">http://www.aai.uni-hamburg.de/voror/Personal/Jordan.html</a>	دانشجوی دکتری	دیوید جوردن David Jordan	دانشگاه هامبورگ	۵۴

<a href="http://islamwissenschaft.uni-hd.de/najmabadi.html">http://islamwissenschaft.uni-hd.de/najmabadi.html</a>	استاد افتخاری	پرفسور دکتر سیف الدین نجم آبادی Prof. Dr. Seifeddin Najmabadi	دانشگاه هایدلبرگ	۵۵
<a href="http://islamwissenschaft.uni-hd.de/mitarbeiter.html">http://islamwissenschaft.uni-hd.de/mitarbeiter.html</a>	مدرس قراردادی	دوگلاس فر Douglas Fear	دانشگاه هایدلبرگ	۵۶
<a href="http://islamwissenschaft.uni-hd.de/mitarbeiter.html">http://islamwissenschaft.uni-hd.de/mitarbeiter.html</a>	مدرس قراردادی	سیمین حیدرفاضل Simin Heiderfazel	دانشگاه هایدلبرگ	۵۷
<a href="http://islamwissenschaft.uni-hd.de/mitarbeiter.html">http://islamwissenschaft.uni-hd.de/mitarbeiter.html</a>	مدرس قراردادی	حوا صمیه Hava Samie	دانشگاه هایدلبرگ	۵۸
<a href="http://www.naheer-osten.uni-muenchen.de/personen/lehrbeauftragte/newid/index.html">http://www.naheer-osten.uni-muenchen.de/personen/lehrbeauftragte/newid/index.html</a>	مدرس قراردادی	دکتر مهر علی نوید Dr. Mehr Ali Newid	دانشگاه مونخ	۵۹
<a href="http://www.naheer-osten.uni-muenchen.de/personen/lehrbeauftragte/parvanta/index.html">http://www.naheer-osten.uni-muenchen.de/personen/lehrbeauftragte/parvanta/index.html</a>	مدرس قراردادی	آنجلا پاروانتا Angela Parvanta	دانشگاه مونخ	۶۰
<a href="http://www.naheer-osten.uni-muenchen.de/personen/wiss_ma/catanzaro/index.html">http://www.naheer-osten.uni-muenchen.de/personen/wiss_ma/catanzaro/index.html</a>	عضو هیئت علمی	دکتر کریست کاتانزارو Dr. Christ Catanzaro	دانشگاه مونخ	۶۱
<a href="http://www.naheer-osten.uni-muenchen.de/institut/iranistik/index.html">http://www.naheer-osten.uni-muenchen.de/institut/iranistik/index.html</a>	استاد	پروفسور دکتر هایدی والچری Prof. Dr. Heidi Walcher	دانشگاه مونخ	۶۲
<a href="http://www.uni-marburg.de/cnms/iranistik/fachgebiet/mitarbeiter/werner">http://www.uni-marburg.de/cnms/iranistik/fachgebiet/mitarbeiter/werner</a>	استاد	پروفسور دکتر کریستف ورنر Prof. Dr. Christoph Werner	دانشگاه ماربورگ	۶۳
<a href="http://www.uni-marburg.de/cnms/iranistik/fachgebiet/mitarbeiter/mohammadzadeh">http://www.uni-marburg.de/cnms/iranistik/fachgebiet/mitarbeiter/mohammadzadeh</a>	دستیار علمی	دکتر محمد عبدالمحمدزاده MohammadDr. Abdolmohammadzadeh	دانشگاه ماربورگ	۶۴
<a href="http://www.uni-marburg.de/cnms/iranistik/fachgebiet/mitarbeiter/shaikhalhokamaee">http://www.uni-marburg.de/cnms/iranistik/fachgebiet/mitarbeiter/shaikhalhokamaee</a>	دستیار علمی	عماد الدین شیخ الحکمایی Emad al-Din Sheikh al- Hokamaee	دانشگاه ماربورگ	۶۵
<a href="http://www.uni-marburg.de/cnms/iranistik/fachgebiet/mitarbeiter/devos">http://www.uni-marburg.de/cnms/iranistik/fachgebiet/mitarbeiter/devos</a>	دستیار علمی	دکتر بیانکا دووس Dr. Bianca Devos	دانشگاه ماربورگ	۶۶

## نتایج و راهکارها

الف - در دانشگاه های آلمان تعلیم و تحقیق زبان و فرهنگ ایران نسبت به سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی به نحو چشم گیری کاهش یافته است. برای مثال از ترم زمستان ۲۰۱۳/۲۰۱۴ در دانشگاه مونیخ دیگر پروفیسوری برای ایران شناسی استخدام نمی شود.<sup>۷۰</sup>

ب - تحقیقات اسلام شناسی در درجه اول بر مبنای منابع عربی و ترکی انجام می گیرد و در تمام آلمان فقط یک دانشگاه وجود دارد که در آن ایرانشناسی دوره بعد از اسلام هم طراز با رشته های عرب شناسی و ترک شناسی بعنوان رشته اصلی مورد تعلیم و تحقیق می شود. در سایر دانشگاه ها رشته زبان و فرهنگ ایران اسلامی رشته فرعی است و آنجا که ایرانشناسی هنوز رشته اصلی است مانند هامبورگ و گوتینگن، تعلیم و تحقیق مربوط به ایران قبل از اسلام است.

ج - مقامات رسمی آلمان در حال حاضر علاقه ای برای ترویج زبان و فرهنگ ایران از خود نشان نمی دهند و نه تنها پست های سازمانی آزاد شده را حذف و یا به رشته های دیگر واگذار می کنند، بلکه از استخدام مدرسان اهل زبان که شرط اصلی یاد گیری زبان در دانشگاههای آلمان است، خودداری می کنند و تقاضاهای مکرر مدیران انستیتوها را برای استخدام مدرسان تمام وقت و رسمی فارسی زبان رد می کنند.

د- کار تحقیق در باره فرهنگ ایران به دست روزنامه نگاران افتاده و به یک امر سیاسی سطحی تبدیل شده است. اظهار نظرهایی که راجع به ایران و ایرانی می شود اساس و علتی ندارد. از سیاست روز نشأت می گیرد و ابزار سیاست می شود.

70

➤ <http://www.freunde-islamischer-kunst.de/nachrichten/keine-iranistik-mehr-am-institut-fur-den-nahen-und-mittleren-osten-der-lmu/>

ه - به نظر می‌رسد مسئولین امر در ایران نیز بدلیل مشکلاتی که دارند به این تحول نامطلوب چندان توجهی ندارند و میدان را خالی گذاشته‌اند. خلاء را از جانبی روزنامه نگاران پر می‌کنند و از جانب دیگر محققان عرب شناس و ترک شناس آلمانی و اعزامی که مورد حمایت دولت های عرب و ترکیه هستند.

ز- عربها و ترکها در مبادلات دانشگاهی و فرهنگی گوی سبقت را از ایران ربوده‌اند و چون حوزه فرهنگی اسلامی آنها با ایران در تداخل است، توجهات را از ایران به سوی خود معطوف ساخته‌اند. مؤسسات فرهنگی و علمی این کشورها با صرف هزینه های زیاد دوره های آموزشی برقرار می‌کنند. و با تسهیلات ویژه‌ای استاد و دانشجو مبادله می‌نمایند. همکاری های علمی انجام می‌دهند. کنفرانس های بین المللی برگزار می‌کنند و بدین ترتیب محققان جوان را به سوی خود جلب می‌کنند.

ح - نسل جوان آلمانی طالب تحصیل رشته‌های خاورشناسی فقط در حاشیه با زبان فارسی مواجه می‌شوند و چون آن را به طور اساسی فرا نمی‌گیرند خواه و ناخواه در تحقیقاتشان به عربی و ترکی روی می‌آورند و فرهنگ ایران از دیدگاه عالم و عامی به یک فرهنگ حاشیه ای مبدل می‌شود.

ط - اگر بازماندگان نسل گذشته نیز از صحنه خارج شوند به ندرت کسی در دانشگاه های آلمان باقی خواهد ماند که کجروی های روزنامه نگاران را در باره ایران اسلامی اصلاح کند.

ی - در نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور بودجه لازم برای کلاس های آموزش زبان فارسی در سطح موردنیاز تامین نمی‌شود چه رسد به سایر فعالیت ها از قبیل اعزام استاد و مدرس به دانشگاهها و مؤسسات عالی فرهنگی کشور.

ک- بین دانشگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی ایران و آلمان مبادله نشریات و نتیجه تحقیقات انجام نمی‌گیرد و طرفین غالباً از تحقیقات یکدیگر بی‌خبرند. در مورد آلمان به ویژه عدم آشنایی اکثر محققان ایرانی به زبان آلمانی مزید بر علت است.

ل- امکان سفر استادان و محققان اسلام‌شناس و ایران‌شناس به ایران بسیار ضعیف است و با مشکلات عدیده مواجه می‌شود.

### پیشنهاد‌های عملی:

همان‌گونه که ملاحظه شد وضع آموزش زبان فارسی و پژوهش در باره ایران به ویژه ایران بعد از اسلام در آلمان رضایت‌بخش نیست. زبان و فرهنگ کشور ما منزلت سابق خود را در دانشگاه‌های آلمان از دست داده است. خاورشناسان نسل جوان به سایر زبان‌های شرقی روی آورده‌اند. فارسی از دیدگاه محققان به حد زبانهای آفریقایی از قبیل بانتو و سواحلی و بربر تنزل یافته است. هر گاه وضع بدین منوال پیش رود نسل استادانی که هنوز به فرهنگ ایران آشنا هستند قطع خواهد شد و حتی در صورت تغییر سیاست آموزش آلمان در زمینه توجه به تحقیقات زبان و ادبیات ایران کسی را نخواهند یافت که سر این رشته گم شده را بازگیرد. برای این منظور پیشنهاد‌های زیر که حاصل تجربیات محلی و مذاکره با دست‌اندرکاران است، تقدیم می‌گردد. با وجود این نمی‌توان ادعا کرد که چاره امر همین است و بس. زیرا بسیاری از اقدامات باید از محک آزمایش درآید. ولی قدر مسلم آن است که دیگر وقت سکون و سکوت سپری شده است. جزئیات پیشنهادها به شرح زیر است:

#### ۱- تأسیس کلاس‌های زبان فارسی در شهرهای مهم آلمان

برای این منظور نیازی به موافقتنامه فرهنگی و یا تفاهم قبلی بین دولتین نیست. ولی آنچه که حائز اهمیت است اعزام یا استخدام مدرسان صلاحیتدار می‌باشد. یکی از علل عدم موفقیت ما در تدریس فارسی در خارج از کشور نبودن مدرسان شایسته بوده است.

سابقاً قبل از رواج زبان شناسی نوین در ایران تصور می شد که هر ادیبی می تواند فارسی را بعنوان زبان خارجی (Persian as foreign Language) تدریس کند.

اکنون دیگر مسلم شده که تدریس زبان خارجی غیر از تدریس زبان مادری است و مدرسان باید در زبان شناسی کاربردی (applied Linguistics = angewandte Sprachwissenschaft) تخصص داشته باشند. علاوه بر آن مدرسی که به خارج از اعزام می شود باید حتی المقدور به زبان محل آشنا باشد تا بتواند در ماه های اول تدریس قواعد دستوری را به نو آموز به زبان مادریش توضیح دهد و با تحلیل تقابلی (contrastive Analysis) دو زبان به مشکلات طبیعی زبان آموز پی برده آنها را اصلاح کند.

کلاس های زبان فارسی نباید به رقابت با مؤسسات خاورشناسی برخیزند بلکه به یاری آنها بشتابند و تعلیماتی را که در دانشگاه انجام می گیرد تکمیل کنند تا معلومات عمقی لازم برای مطالعه و تحقیق متون فارسی در دانشگاهها کسب شود که نقص آن علت اصلی سیر قهقرائی تحقیقات ایران شناسی است.

## ۲- اعزام مدرسان فارسی زبان به دانشگاه های آلمان

به طوری که گزارش شد دانشگاه های آلمان علیرغم علاقه ای که در دانشجویان خاورشناسی برای تحصیل زبان فارسی مشاهده می شود غالباً از استخدام مدرسان فارسی زبان امتناع می کنند که موجب رویگردانی دانشجویان از تحصیل زبان و فرهنگ ایران می شود. ظاهراً فقدان بودجه دلیل اصلی عدم استخدام است. وقتی از مسئولان دانشگاه های آلمان سؤال می شود که آیا در صورت تأمین بودجه حاضرند مدرس فارسی زبان استخدام کنند، پاسخ می دهند که دانشگاه های آنها تحت شرایطی می توانند از یک کشور خارجی کمک بگیرد.

این استدلال صحیح به نظر می رسد. بنابراین تنها راه عملی آن است که شرایط مذکور تامین شود یا مدرس از جانب ایران استخدام و بدون تشریفات اداری در اختیار مؤسسه ایران شناسی یا اسلام شناسی مربوطه قرار گیرد. دانشگاه های آلمان مجازند استاد و مدرس مجانی بپذیرند.

### ۳- تألیف کتب درسی فارسی برای خارجیان

برخلاف زبانهای عربی و ترکی که کتب بی‌شماری برای فرا گرفتن آنها در مراحل مختلف به زبان آلمانی انتشار یافته، زبان فارسی از این مزیت بی بهره است. به ویژه برای کسانی که مقدمات فارسی را فرا گرفته اند، کتب مناسبی برای ادامه تحصیل و کسب اطلاع عمیق از زبان فارسی وجود ندارد. تنها یک پروژه در این باره در دانشگاه بن در حال انجام است که هنوز به نتیجه نرسیده است.<sup>۷۱</sup>

این درست همان وضعی است که در دانشگاه‌ها نیز پیش آمده یعنی دانشجوی زبان فارسی پس از گذراندن دوره مقدماتی به حال خود رها می‌شود. نه آموزش‌های دانشگاه تکمیل می‌گردد و نه در خارج کتاب خودآموز برای دوره متوسط یا پیشرفته وجود دارد که بتوان از آن بهره گرفت. گرچه کتاب جای استاد را نمی‌گیرد ولی حتی آن عده از دانشجویان که قصد دارند این راه را به علت فقدان مدرس به تنهایی ادامه دهند، ابزاری در اختیار ندارند.

پیش از آن هر گاه دولت تصمیم بگیرد مدرسانی به خارج اعزام نماید آنها نیز با مشکل کتاب درسی مناسب برای تدریس در آلمان مواجه خواهند شد از این رو تألیف این گونه کتابها قویاً توصیه می‌شود. علاوه بر این تهیه، انتشار و ارسال کتب کمک آموزشی می‌تواند به تسهیل در امر آموزش زبان فارسی کمک شایانی بنماید

### ۴- برگزاری دوره‌های آموزش زبان فارسی در ایران

هرچند در ایران دوره‌هایی برای دانش‌افزایی زبان فارسی برگزار می‌گردد، اما تعداد دوره‌ها و سهمیه کشور اندک است. از این رو می‌بایست در شهرهای تاریخی ایران از قبیل اصفهان و مشهد و شیراز دوره‌های منظم آموزش زبان فارسی برگزار شود که در آن همانطور که قبلاً پیشنهاد گردید، مدرسان زبان‌شناس، فارسی را به عنوان زبان خارجی تدریس کنند.

حتی المقدور امکانات اقامت و تغذیه زبان‌آموزان در کوی دانشگاه فراهم گردد و به آنها امکان داده شود که با مردم در تماس باشند تا بتوانند مکالمه را تمرین کنند.

71

➤ <http://www.bfo.uni-bonn.de/forschung/projekte-1/lehrbuch-persisch>



## ۵- عرضه بورس تحصیلی برای رشته های ادبیات فارسی و معارف اسلامی

سالی چند بورس تحصیلی برای گذراندن دوره های ادبیات فارسی و معارف اسلامی به دانشجویان آلمانی داده شود. از این بورس ها می توان هم در تحصیلات پایه و هم در تحقیقات مشترک علمی برای نگارش رساله های دکتر استفاده کرد. اینگونه تحقیقات می تواند هم برای دانشجوی دوره دکتری و هم برای استادان راهنما که یکی از آنها یارانی خواهد بود، مفید واقع شود.

## ۶- ترتیب سفرهای علمی - توریستی برای دانشجویان

سفرهای علمی - آموزشی که در سالهای اخیر انجام گرفته اثرات بسیار مثبتی در تصمیم دانشجویان برای انتخاب رشته ایران شناسی داشته است. بسیاری از آنها به طوری که اظهار می دارند در پیشداوری های نادرست خود درباره جمهوری اسلامی ایران و ایرانیان تجدید نظر کرده اند.

این سفرها باید نظم و نسق درستی پیدا کند و مسائل ناشی از تأخیر در اعطای روادید و نقص سرویس هتل حل شود. اصولاً لازم است که رسیدگی به درخواست روادید سفرهای علمی از چار چوب روال عادی خارج شود و اختیار و مسئولیت آن به نمایندگی های خارج از کشور واگذار گردد. زیرا به علت تأخیر در صدور روادید بسیاری از سفرها بی فرجام می ماند و در دل کسی که مایل بود به نیت فرا گرفتن زبان و آشنایی با آداب و رسوم ما به ایران برود کدورت حاصل می شود که نقض عرض است.

## ۷- مبادله نشریات و اعطای کتاب

دانشگاه هایی که آثار محققان را به کمک مالی دولت منتشر می کنند، ملزم شوند که تعداد معینی از نشریات خود را برای ارسال به دانشگاه های خارج در اختیار رایزنی های فرهنگی بگذارند و از مؤسساتی که این نشریات را دریافت می کنند، درخواست شود که در صورت تمایل آنها نیز نشریات خود را برای استفاده دانش پژوهان ایرانی به رایزنی های فرهنگی بفرستند. این نشریات اعم از ادواری و غیره مرتباً به مؤسسات خاورشناسی و ایران شناسی فرستاده شود تا سنت مراجعه به آنها در محافل عملی ایجاد گردد و در منابع و مآخذ از آنها سخن به میان آید.

## ۸- انتشار کتب علمی و فرهنگی

برای نشان دادن چهره ایران معاصر و سهم ایران در تمدن جهانی طی یک برنامه مستمر ترجمه آثار علمی و ادبی قدیم و معاصر فارسی ضروری به نظر می‌رسد. در این امر از تبلیغات مستقیم سطحی نگرانه مطلقاً خودداری شود که نتیجه معکوس خواهد داشت. ارائه خود اثر به قدر کافی تبلیغ فرهنگی است و لزومی ندارد که در کنار آن خودستایی نیز بشود. آثاری ترجمه شود که نماینده روح فیاض علم و هنر ایرانی - اسلامی است و برای مصرف روز نوشته نشده است. معرفی دانشمندان ایرانی که برخی از آنها را ملل دیگر رندانه تصاحب کرده اند، یکی از تکالیف مهم اشاعه فرهنگ ایرانی اسلامی است.

## ۹- انتشار نشریه

یکی از موانع مهم اشاعه فرهنگ سد زبان است. وقتی زبان ملتی در سطح بین‌المللی فراگرفته نمی‌شود باید ضمن سعی وافی برای ترویج آن، آثار و فعالیت‌های فکری آن ملت را به زبان‌های دیگری منتقل کرد. علاوه بر آثار گذشتگان که به صورت کتاب قابل انتشار است. فعالیت‌های فکری و هنری روز باید ابزار انتقال دیگری داشته باشد که برای این منظور از نشریات ادواری استفاده می‌شود. تجربه مثبت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلمان در انتشار فصلنامه‌ای به زبان آلمانی مؤید این نظر است. شاید بتوان این فعالیت فرهنگی را به سایر حوزه‌ها نیز توسعه داد.

## منابع:

- ۱) کتاب «راهنمای مدارس عالی آلمان» - Deutsche Hochschul Führer
- ۲) سایت های مرکزی اینترنتی دانشکده های شرق شناسی و اسلام شناسی آلمان
- ۳) سایت های مرکزی اینترنتی دانشکده های ایران شناسی آلمان
- ۴) نشریات و تحقیقات انجام شده در دو دهه گذشته در رایزنی فرهنگی